

کارگاه

ماهنامه داخلی شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان، شماره ۸۹، مرداد ماه ۱۴۰۱

www.oghabafshan.com

در این شماره کالسکه سبز می خوانید:

- شرکت عقاب افشان مورد اعتماد وزارت کشور است
- رانندگی با اتوبوس مارال اسکانیا لذت بخش است
- اتوبوس برقی محصول مشترک شرکت عقاب افشان و مینا آماده تولید است
- سیستم تعلیق پیشرفته چه تاثیری بر آرامش و راحتی مسافران اتوبوس دارد؟
- افزایش ۲۳ درصدی تردهای بین استانی وسایل نقلیه در تیر ماه امسال نسبت به سال گذشته
- آیا باید از بیماری آبله میمون بترسیم؟



بازارچه پودر و صنایع نساجی



بازارچه پوست کهنه در جهان عالم



۸ هزار دستگاه اتوبوس، مأمور جابه جایی دلباختگان امام حسین (ع)
ناوگان تولیدی عقاب افشان، امسال هم زائران اربعین را به سرزمین کربلا می برد



مرکز خدمات پس از فروش عقاب افشان

شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان
تولید کننده انواع اتوبوس عقاب - اسکانیا در ایران



مرکز امداد جاده ای خدمات پس از فروش :
تلفن: ۳۱ ۷۱ ۴۶ ۳۳ (۰۲۱)

شکایات، انتقادات و پیشنهادات:
تلفن: ۶۲ ۴۲ ۴۵ ۳۳ (۰۲۱)

سامانه پیامکی: ۵۳ ۵۵۵ ۵۰۰۰

www.oghabafshan.com
workshop@oghabafshan.com

ویژه مطالعه در
اتوبوس

ماهنامه داخلی شرکت

تولیدی و صنعتی عقاب افشان

سردبیر: حسن گوهرپور

دبیر تحریریه: حسین ابوالفتحی

مدیر هنری و صفحه آرا: محمد گودرزی، فاطمه رنجبر

دبیر عکس: محمد فتحی

طراح جلد: فائزه صادقی

تحریریه: انسیه جنتی، فاطمه رضانیان،

ابوذر مارکولایی، حامد امینی، وحیده جلال کمالی،

حسین صفدری، شیما شکوه، ناعمه پرهین، معصومه

بهرامیان، عمیدروبیاتی

گروه ترجمه و ویرایش: کامبیز ربانی

دانیال ستارنژاد

۸ هزار دستگاه اتوبوس مامور جابه جایی دلباختگان به امام حسین(ع) ۴/ افزایش ۲۳ درصدی تردهای بین استانی وسایل نقلیه ۶/ در تیر ماه امسال نسبت به سال گذشته ۶/ سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی استاندار سمنان: ۷/ شرکت عقاب افشان مورد اعتماد وزارت کشور است ۷/ سیستم تعلیق چه تأثیری روی آرامش و راحتی مسافران اتوبوس دارد؟ ۸/ اتوبوس برقی محصول مشترک شرکت عقاب افشان و مینا آماده تولید است ۱۳/ رانندگی با اتوبوس مارال اسکانیا لذت بخش است ۱۴/ رابط پوشیدنی انسان و ماشین: دستاورد جدید دانشمندان ۲۰/ تلسکوپ فضایی جیمز وب در جستجوی «جواهرات» ۲۱/ پرواز هوش مصنوعی خلبان در آسمان پرازدحام ۲۲/ طراحی یک مدل ریاضی برای سفر بی خطر به فضا ۲۳/ ماموریت «خیام» چیست و چرا پر تاب آن اهمیت دارد؟ ۲۴/ رمزنگاری کوانتومی هک کردن را بی اثر کرد ۲۷/ «ژنه» تنهاروستای ارمنی نشین کشور ۳۰/ از «تکیه شاهزاده خانم صفوی» چه می دانید؟ ۳۱/ مروری روی شکل گیری «تکیه دزاشیب» ۳۲/ قدیمی ترین سکونتگاه انسان در ایران کجاست؟ ۳۳/ کشف شهر تاریخی اوجان و پایتخت تابستانی ایلخانان ۳۴/ استرداد پرتره مظفرالدین شاه در دستور کار قرار گرفت ۳۶/ کدام کشور اروپایی بیش تر به گردشگری متکی است؟ ۳۸/ هوشنگ ابتهجاج در «سایه» ۴۰/ «هادی و هدی» در زمان خودش تازه بود؟ ۴۲/ چرا فیلم های اندکی درباره آزادگان ساخته شده است؟ ۴۴/ حضور مافیا در اقتصاد موسیقی ایران ۴۸/ آدم ها دیگر عاشق نیستند! ۵۰/ چطور از کوره در نرویم و صبوری کنیم؟ ۵۲/ باصندلی تان قهر کنید! ۵۵/ کدام نان بیشترین ارزش تغذیه ای را دارد؟ ۵۶/ آیا پایداری بیماری آبله میمون بترسیم؟ ۵۸/ مقصر کیست: تحریرها یا مدیران فوتبالی و غیر فوتبالی؟ ۶۲/ رفت و برگشتی که کار اسکوچیچ را دشوار کرد؟ ۶۴/ آیا لیگ برتر فوتبال ایران به اهدافش رسیده است؟ ۶۶/ جام، عشق و پوئن هزار! ۶۸/ کاپیتان تیم ملی ایران در جام جهانی کیست؟ ۷۰/



w w w . o g h a b a f s h a n . c o m

«کالسه سیز» را به صورت رایگان از رانندگان محترم اسکانیا بخواهید... این نشریه برای احترام به وقت مسافران و ایجاد سفری همراه با آرامش و آموزش منتشر می شود. نظر مسافران محترم و رانندگان ارجمند در صورت علاقه آن ها حتما در این نشریه منتشر خواهد شد. علاقه مندان می توانند نظرات خود را با ذکر نام، به شماره پیامکی که پایین تمام صفحات درج شده ارسال و در شماره بعد آن را ملاحظه فرمایند. همچنین می توانید خاطرات خود را از سفر با اتوبوس های اسکانیا برای ما به این آدرس kaleshesabz@gmail.com بفرستید. منتظر نظرات شما هستیم.

دعای عسر



وقتی مسافر آماده سفر شد غسل کند، پس از آن دو رکعت نماز بگزارد و از خدا خیر خود را طلب نماید و آیه الکرسی بخواند و حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات روی حضرت رسول و آل او بفرستد. سپس این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَدْعُكَ الْيَوْمَ

خدایا من خود را در این روز به عنوان ودیعت به تو سپردم
نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ
خودم و خاندانم و مال و فرزندانم و هر که را با من راهی دارد حاضرشان و غائبشان را
اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا

خدایا حفظ کن ما را به حفظ ایمان و نگهبان روی ما باش
اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ.
خدایا ما را در کنف رحمت خویش قرار ده و فضلت را از ما سلب مفرما که ما به تو مشتاقیم.
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَابَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسَوْءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
خدایا به تو پناه بریم از رنج سفر و اندوهناک برگشتن و بدی دیدار در خاندان و مال و فرزند در دنیا و آخرت.

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّوَجَّهْتُ إِلَيْكَ هَذَا التَّوَجُّهَ طَلِبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا إِلَيْكَ.

خدایا من به تو رو کنم در این رو کردن به خاطر این که جویای خشنودی تو و تقرب جستن به درگاهت هستم

اللَّهُمَّ أَفْبَلِّغْنِي مَا أَوْمَلْتَهُ وَأَرْجُوهُ فِيكَ وَفِي أَوْلِيَاتِكَ

خدایا پس مرا به آرزویم و آنچه از تو و اولیائت است برسان
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

امید دارم ای مهربان ترین مهربانان.

مسافر پس از دعای صفحه مقابل تسبیحات
حضرت فاطمه سلام الله علیها را بخواند و سوره
حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب
چپ بخواند و همچنین آیه الکرسی را از سه جانب
بخواند، و بگوید:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي

خدایا به سوی تو گرداندم رویم را

وَ عَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا خَوْلْتَنِي وَقَدْ وَثَقْتُ بِكَ فَلَا

و به امید تو بجای گذاردم خانواده و مال و آنچه را به من مرحمت فرمودی

و به تو اطمینان کردم پس

تُخَيِّبُنِي يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ

ناامیدم مکن ای که ناامید نکند، هر که را به او توجه کند، و ضایع نکند

هر که را او محافظت کند خدایا درود فرست روی محمد و آلش،

وَ أَحْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي

و محافظت کن آنچه را مربوط به من است و من از آنها دورم و مرا به خودم وامگذار

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الدُّعَاءُ

ای مهربانترین مهربانان.

سپس مسافر سوره توحید را یازده مرتبه و سوره انا انزلنا و آیه الکرسی و سوره

ناس و سوره فلق را بخواند

و صدقه بدهد و سفر را آغاز کند.

منبع: مفاتیح الجنان

ناوگان تولیدی عقاب افشان امسال هم زائران اربعین را به سرزمین کربلا می برد

۸ هزار دستگاه اتوبوس مامور جابه جایی دلباختگان به امام حسین (ع)



نحو زائرین را جابجا کنند.

وی تصریح کرد: ۹۰ درصد جابجایی زائران به کربلا از طریق جاده‌ها صورت می گیرد و قرارگاه کمیته حمل و نقل و سوخت ستاد اربعین کشور نیز فعالیت خود را از هفته‌های گذشته آغاز کرده است. در بحث بازگشت زائران به کشور همه امکانات کشور برای تسهیل در تردد زائران برنامه‌ریزی شده تا زائران نسبت به سال‌های گذشته بهتر در این مسیر تردد کنند.

به گفته او، پیش‌بینی می‌شود حدود چهار میلیون و ۶۵۰ هزار مسافر در بخش حمل و نقل جاده‌ای جابجا شوند و برای این تعداد به وسایل حمل و نقلی بیشتری نیاز است که به دنبال تأمین آن‌ها از طریق ستاد مرکزی اربعین، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نیروهای مسلح هستیم. همچنین پارکینگ‌ها برای خودروها را امسال افزایش داده‌ایم و برای سوخت‌گیری ناوگان اربعین قرار شده نازل‌های مشخصی فراهم شود تا دچار ترافیک در این زمینه هم نشویم.

به گفته او، افزایش تردد ایمن در مرزهای چذابه و شلمچه از مهمترین اقدامات وزارت راه است و قرار است زیرساخت‌های لازم پیش از آغاز همایش اربعین حسینی در این دو گذرگاه فراهم شود. خوشبختانه بازسازی محور جاده‌ای در مرزها به سرعت اجرا شده است و تشریفات واگذاری اجرای این طرح‌ها به پیمانکاران مربوطه نیز به وقت خود انجام شد.

معاون حمل و نقل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای همچنین گفت: تمامی تدرکات نظیر سایبان، آیسردکن، مه‌پاش و... هم امسال آماده شده و دیزل ژنراتور برای مسیر زائران در نظر گرفته شده است. در این ایام بخش وسیعی از نیروهای انسانی برای خدمت‌رسانی زائران اتخاذ شده است. البته امسال با توجه به همزمانی اربعین با پیک سفرهای آخر تابستان نمی‌توان همه ناوگان حمل و نقل را در اختیار سفرهای اربعین قرار داد، اما هشت هزار دستگاه اتوبوس برای سفرهای اربعین مد نظر گرفته شده است که امیدواریم به بهترین

معاون حمل و نقل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای می‌گوید که امسال برای جابجایی زائران عتبات در ایام اربعین، ۸ هزار دستگاه اتوبوس در نظر گرفته شده است. این در حالی است که بخش قابل توجهی از اتوبوس‌هایی که وظیفه جابجایی زائران اربعین را برعهده دارند، محصولات تولید شده در شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان است. حمیدرضا شهرکی گفت: برنامه‌ریزی‌ها برای آماده‌سازی پایانه‌های مرزی و همچنین حمل و نقل زائران برای سفر اربعین انجام شده و همچنین چندین دستگاه مینی‌بوس جهت مسیرهای کوتاه در مناطق مرزی و حدود چهار هزار دستگاه سواری پلاک عمومی برای افزایش ناوگان حمل و نقل در مرزهای مواصلاتی به عراق برای خدمت‌رسانی به زائران اربعین حسینی افزایش می‌یابد. امسال دو مرز باشماق و تمزچین هم به پایانه‌های مرزی کشور برای ورود زائران به خاک عراق تدارک دیده شده است و در عین حال دو پایانه مرزی نیز برای زائرین پاکستانی در نظر گرفته شده است.



همانطور که معاون امنیتی وزیر کشور نیز اعلام کرد، انتظار می‌رود زائران در سفر اربعین از وسایل شخصی خود هم استفاده کنند. امانی خاطر نشان کرد: تلاش می‌شود تمام ظرفیت ناوگان حمل‌ونقل عمومی کشور برای سفر زائران به عراق اختصاص یابد. ضمن اینکه مطابق مصوبه ستاد اربعین مقرر شد در مدت‌زمان بازگشت زائران از ظرفیت دستگاه‌ها و کارخانجات بزرگ که اتوبوس در اختیار دارند، استفاده شود.

عمومی که منجر به افزایش هزینه این ناوگان در جاده‌های کشور شده، اظهار کرد: قیمت بلیت در نزدیکی ایام اربعین اطلاع‌رسانی خواهد شد. وی افزود: اگر نیاز به پیش‌فروش بلیت‌ها احساس شد، حتماً موضوع اطلاع‌رسانی می‌شود. هیچکس در هیچ سایتی اجازه ندارد بلیت اتوبوس پیش‌فروش کند. رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای بیان کرد: باید توجه داشت ظرفیت ما در ناوگان حمل‌ونقل عمومی محدود است.

کسی اجازه پیش‌فروش بلیت اربعین را ندارد

در بحث جابجایی زائران اربعین داریوش امانی معاون وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای نیز گفت: در روزهای منتهی به اربعین که زائران قصد سفر به عراق دارند، پیش‌فروش بلیت اتوبوس نداریم و تمام بلیت‌ها روزفروش خواهد بود. وی با اشاره به افزایش تقاضای اتوبوس برای سفر اربعین و کاهش میزان ناوگان حمل‌ونقل



افزایش ۲۳ درصدی تردهای بین استانی وسایل نقلیه در تیرماه امسال نسبت به سال گذشته



تردد بین استانی وسایل نقلیه در تیرماه امسال نسبت به تیرماه سال ۱۴۰۰ حدود ۲۳ درصد افزایش و در مقایسه با مدت مشابه خرداد ماه امسال نیز دو درصد افزایش داشته است.

علی اکبر آشوری مدیر مرکز مدیریت راه‌های سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای با اشاره به این که در تیرماه امسال تردد بین استانی وسایل نقلیه افزایش داشت بیان کرد: تردد بین استانی کل وسایل نقلیه در تیرماه امسال ۶۶ میلیون و ۷۲۴ هزار و ۱۲۸ وسیله نقلیه بوده است که نسبت به تیرماه سال ۱۴۰۰ حدود ۲۳ درصد افزایش و نسبت به مدت مشابه خرداد ماه سال جاری دو درصد افزایش را نشان می‌دهد.

آشوری در خصوص تردد روزانه بین استانی وسایل نقلیه سبک گفت: تردد روزانه وسایل نقلیه سبک نسبت به تیرماه سال ۱۴۰۰، ۲۸ درصد افزایش داشته است که نشان‌دهنده افزایش سفرها در بازه زمانی تیرماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته بوده است، همچنین متوسط تردد روزانه بین استانی وسایل نقلیه سبک نسبت به خرداد ماه جاری، سه درصد افزایش داشت که به دلیل سفرهای تعطیلات و سفرهای تابستانی در تیرماه ۱۴۰۱ بوده است.

مدیر مرکز مدیریت راه‌ها با اشاره به کمترین و بیشترین میزان تردد بین استانی وسایل نقلیه بیان کرد: بیشترین تردد بین استانی وسایل نقلیه در تاریخ ۱۶ تیرماه با دو میلیون و ۴۶۷ هزار و ۷۴۱ تردد بود و کمترین تردد در تاریخ ۱۳ تیرماه با یک میلیون و ۹۸۴ هزار و ۴۷۵ وسیله نقلیه بوده است.

آشوری افزود: در تیرماه سال جاری تردد ورود و خروج نسبت به مدت مشابه سال گذشته در استان‌های هرمزگان ۴۵ درصد، قم ۴۴ درصد و مازندران با ۳۹ درصد بیشترین افزایش را داشتند و استان‌های لرستان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان به ترتیب با پنج درصد، شش درصد و ۹ درصد کمترین افزایش تردد را در بین استان‌های کشور داشتند.

تلفنی ۱۴۱ مربوط به استان‌های مازندران، البرز، اصفهان بوده است. آشوری بیان کرد: سهم پاسخگویی ستاد از تماس‌های ۱۴۱ برابر است با ۴۶ درصد و سهم پاسخگویی مرکز مدیریت راه‌های استان‌ها ۵۴ درصد بود که متوسط مدت پاسخگویی ۱۰۴ ثانیه بوده است. مدیر مرکز مدیریت راه‌ها در خصوص بازدید کاربران جاده‌ای از وبسایت ۱۴۱ و اپلیکیشن ۱۴۱ بیان کرد: کل بازدید کاربران از وبسایت ۱۴۱ در تیرماه ۱۴۰۱، ۴۱۱ هزار بازدید بود که نسبت به مدت مشابه خرداد ماه ۷۴ درصد کاهش داشته است. وی افزود: همچنین کل درخواست اپلیکیشن ۱۴۱ در تیرماه امسال، ۱۸۳ هزار درخواست بود که نسبت به ماه قبل ۳۸ کاهش داشت.

مدیر مرکز مدیریت راه‌ها درباره آمار استفاده‌کنندگان کاربران جاده‌ای از سامانه اطلاع‌رسانی ۱۴۱ در تیرماه بیان کرد: در این مدت تعداد ۹۵۹ هزار و ۳۸ تماس تلفنی با سامانه ۱۴۱ برقرار شد که نسبت به مدت مشابه ماه ۳۸ درصد کاهش را نشان می‌دهد، از این تعداد ۷۰۷ هزار و ۳۴۸ تماس توسط کارشناسان مرکز مدیریت راه‌ها پاسخ داده شد که نسبت به مدت مشابه ماه گذشته ۲۱ درصد کاهش داشته است. وی افزود: همچنین تعداد ۵۶ هزار و ۵۰۷ پیامک به سامانه پیامکی ۱۴۱ ارسال شد که نسبت به مدت مشابه ماه قبل دو درصد کاهش داشته است، بیشترین سهم تماس‌ها از کل تماس برقرار شده با سامانه



سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی استاندار سمنان:

شرکت عقاب افشان مورد اعتماد وزارت کشور است

صنعتی افزود: وجود پتانسیل بهره‌گیری از ظرفیت شرکت دانش‌بنیان، مقابله با تحریم‌ها، تعامل علمی با دانشگاه‌های معتبر دنیا و کشور و ... از مواردی است که سبب موفقیت این واحد صنعتی استان شده است.

صادقی ادامه داد: استانداری سمنان در کنار مجموعه و در دفاع از این شرکت، جلسات متعددی را برگزار کرده و اقدامات مقتضی، طی هماهنگی و تعامل بسیار مطلوب با دستگاه‌های اجرایی متولی امر در استان در دستور کار است.

سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی استاندار سمنان خاطرنشان کرد: ارزآوری، جلوگیری از خروج ارز، تسهیم کارگران و مجموعه مهندسان در سود شرکت و اشتغال‌آفرینی متناسب با شعار سال از مزایای مجموعه عقاب افشان سمنان است.

محترم قرار گیرد.

وی تصریح کرد: تأمین ۲ هزار و ۵۰۰ دستگاه اتوبوس درون‌شهری، مورد قرارداد وزارت کشور و مجموعه عقاب افشان قرار گرفته و ان‌شاءالله طبق تعهدی که این شرکت خوشنام به مجموعه استانداری و وزارت کشور دادند، از مهرماه سال جاری ماهانه ۲۰۰ دستگاه اتوبوس شهری تحویل داده خواهد شد.

معاون استاندار سمنان با اشاره به بازدید از خط تولید این واحد بزرگ صنعتی گفت: در این بازدید، علاوه بر مشاهده تکمیل خوشه قطعات و محصول نهایی در زیرمجموعه، انسجام و نشاط بسیار مطلوبی در نیروهای جوان و بانگیزه و مدیریت همراه در این شرکت تولیدی با ظرفیت فنی قابل دفاع دیده شد.

وی با اشاره به توانمندی بالای این واحد

سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی استاندار سمنان گفت: واحد صنعتی عقاب افشان از مهرماه ماهانه ۲۰۰ دستگاه اتوبوس درون‌شهری تحویل شهرداری تهران می‌دهد.

محمد رضا صادقی در بازدید از مجموعه شرکت‌های گروه تولیدی و صنعتی عقاب افشان که به منظور بررسی روند تولید و اجرای تعهد قرارداد تأمین ۲ هزار و ۵۰۰ دستگاه اتوبوس درون‌شهری به وزارت کشور و شهرداری تهران انجام شد، از مجموعه تولیدی و صنعتی عقاب افشان به عنوان مرکز خوشه تأمین قطعات خودرو نام برد و اظهار کرد: واحد بزرگ تولیدی و صنعتی عقاب افشان، از مراکز مهم و قابل دفاع در استان سمنان است که همین مزیت و نقطه قوت باعث شد این مجموعه به شهرداری تهران و شخص وزیر کشور معرفی شود و مورد اعتماد وزیر

اسکانیا

علم و فناوری

کشور

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

سیستم تعلیق چه تأثیری روی آرامش و راحتی مسافران اتوبوس دارد؟

یکی از مهمترین فاکتورهایی که در یک خودرو می‌تواند آرامش و راحتی سرنشینان را به همراه داشته باشد، کیفیت و سلامت فنی سیستم تعلیق است. روی همین اساس تا زمانی که سیستم دینامیکی و حرکتی خودرو درست طراحی نشود، حتی با توسعه هر چه بیشتر امکانات و تجهیزات رفاهی نظیر صندلی‌های چندمنظوره، سیستم‌های تهویه مطبوع و ...، رانندگی و سفر راحتی تجربه نخواهد شد. سیستم تعلیق خودرو، مجموعه‌ای است که توسط مهندسان طراحی شده است تا آرامش حرکتی را برای سرنشینان به ارمغان آورد. سیستم تعلیق خودرو یا Suspension مجموعه واسط بین محفظه نگهدارنده سرنشینان، شاسی و چرخ‌های خودرو و تنظیم‌کننده نحوه واکنش محفظه نگهدارنده و شاسی نسبت به جاده است. در ابتدا این سیستم متشکل از ساختاری یک‌تکه بود که چرخ‌های جلو یا عقب را به یکدیگر متصل می‌کرد. این سیستم دارای نکات ضعفی بود که استفاده از آن را در خودروهای سبک محدود می‌کرد. امروزه در سیستم تعلیق خودروهای سبک مسافربری از تکنولوژی‌های جدیدی استفاده می‌شود. در این مقاله به بررسی چند نوع سیستم تعلیق می‌پردازیم.



خودرو از طریق اصطکاک بین چرخ و جاده در مسیر پیچ به‌طور مناسب و پایدار هدایت شود.

بنابر موارد ذکر شده، اهم وظایف سیستم تعلیق عبارتند از:

- ۱- انتقال نیروهای طولی، عرضی و عمودی از تایر به بدنه خودرو و بالعکس؛
- ۲- جلوگیری از انتقال مستقیم ارتعاشات ناشی از ناهمواری جاده به بدنه خودرو و مستهلک کردن ارتعاشات چرخ و بدنه خودرو؛
- ۳- برقراری تماس مطمئن و دائمی چرخ با زمین؛
- ۴- تغییر مناسب زوایا و فواصل مکانیزم تعلیق، به‌منظور ایمنی و راحتی سرنشین و افزایش پایداری خودرو [۱].

اجزای سیستم تعلیق

اصلی‌ترین اجزای سیستم تعلیق عبارتند از:

- تایر؛
- فنر (فنر لول، فنر هوایی، فنر شمش)؛
- کمک‌فنر (دمپر)؛
- ستون نگهدارنده؛
- میل موج‌گیر؛
- مندل؛

در سیستم تعلیق، نحوه ارتباط و اتصال چرخ‌ها به بدنه یا شاسی خودرو مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که از عنوان این سیستم پیداست، چرخ‌ها باید بتوانند معلق باشند؛ به عبارت دیگر چرخ‌ها باید قادر باشند در راستای عمودی نسبت به بدنه خودرو حرکت کنند. به همین منظور با نصب فنر بین چرخ و بدنه خودرو، انرژی جنبشی ناشی از حرکت عمودی چرخ یا بدنه خودرو در فنرها به صورت انرژی پتانسیل ذخیره شده از طریق کمک‌فنر به انرژی گرمایی تبدیل می‌گردد و این انرژی گرمایی به هوای محیط منتقل می‌شود.

به این ترتیب، انرژی جنبشی چرخ‌ها و بدنه خودرو در راستای عمودی، که عمدتاً ناشی از ناهمواری جاده است، به وسیله کمک‌فنر، مستهلک و به افزایش راحتی سرنشین و آسیب ندیدن بدنه و قطعات خودرو منجر می‌گردد. از این رو به مجموعه فنر و کمک‌فنر، سیستم تعلیق گفته می‌شود.

به علاوه، چرخ باید در جهات طولی و عرضی نیز مهار شود تا نیروهای طولی ایجاد شده در چرخ را مانند نیروی ناشی از شتاب مثبت، که توسط موتور ایجاد می‌شود و نیروی ناشی از شتاب منفی که توسط ترمز ایجاد می‌گردد، به بدنه خودرو منتقل کند.

همچنین سیستم تعلیق، نیروهای عرضی را که توسط نیروی جانب مرکز در مسیر پیچ جاده ایجاد می‌شود، به چرخ‌ها منتقل می‌کند تا



تصویر شماره ۲- سیستم تعلیق غیرفعال [۲]

سیستم تعلیق فعال

در این نوع سیستم تعلیق، علاوه بر متغیر بودن ضریب دمپینگ کمک فنر، سختی فنر نیز قابل کنترل است. همچنین به جای استفاده از فنر و کمک فنر به صورت مجزا، از عملگر الکتروهیدرولیکی که تحت هدایت واحد کنترل الکترونیکی قرار دارد، استفاده می شود. این عملگر، مجموع نیروی فنر و کمک فنر را تولید می کند. شکل ۳، نمونه ای از این نوع سیستم تعلیق را نشان می دهد.

با توجه به شکل، در این نوع سیستم تعلیق، اطلاعات مربوط به شتاب عمودی چرخ و شتاب بدنه خودرو توسط حسگرهای شتاب سنج، و اطلاعات ارتفاع هر چرخ نسبت به بدنه توسط سنسورهای ارتفاع سنج به واحد کنترل الکترونیکی ارسال می شود.

با توجه به الگوی کنترلی آن، واحد کنترل میزان ارتعاشات بدنه خودرو را توسط نیروی تولیدی عملگر الکتروهیدرولیکی به طور مناسب کنترل می کند که با توجه به ناهمواری جاده باعث مستهلک سازی مطلوب تر ارتعاشات می گردد [۲].



تصویر شماره ۱- نمونه ای از سیستم تعلیق [۵]

سیستم تعلیق از دیدگاه ارتعاش

از دیدگاه ارتعاشاتی، وظیفه سیستم تعلیق، کاهش انتقال ارتعاشات ناشی از ناهمواری های جاده به بدنه و سرنشین خودرو است. با توجه به این دیدگاه، دو نوع سیستم تعلیق به شرح ذیل وجود دارد:

۱- سیستم تعلیق غیرفعال؛

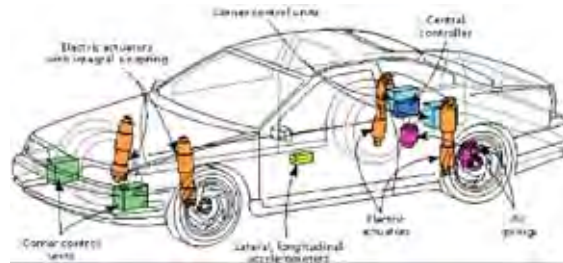
۲- سیستم تعلیق فعال؛

در ادامه، این سیستم ها بررسی خواهند شد.

سیستم تعلیق غیرفعال

در این نوع سیستم تعلیق که نوعی از آن در شکل ملاحظه می شود، از یک فنر به عنوان نوسان ساز و یک کمک فنر به عنوان مستهلک کننده این نوسانات برای هر چرخ استفاده می شود. در این نوع سیستم ها با ثابت بودن مقادیر ضرایب فنر و کمک فنر، فنر و کمک فنر تغییرات ناچیزی نسبت به تغییر بار خودرو، تغییر سرعت خودرو و نحوه ترمزگیری از خود نشان می دهند و با توجه به این که این نوع سیستم تعلیق توانایی تغییر ضرایب فنر و کمک فنر را با توجه به تغییر شرایط جاده و رانندگی ندارد، لذا به آن سیستم تعلیق غیرفعال گفته می شود.





تصویر شماره ۳- سیستم تعلیق فعال [۲]

تصویر شماره ۴- سیستم تعلیق یکپارچه [۳]

سیستم تعلیق از دیدگاه مکانیزم

از نظر این دیدگاه، تعلیق مکانیزمی است که ضمن مهار چرخ در زیر بدنه خودرو، به چرخ اجازه می‌دهد حرکت‌های مطلوب (دوران چرخ، حرکت عمودی، فرمان گرفتن، تغییر زوایای کمبر، کستر و غیره) داشته باشد و بدین ترتیب، افزایش پایداری خودرو و راحتی سرنشین را در پی دارد.

گفتنی است که کلیه مکانیزم‌های تعلیق برای انتقال نیروهای طولی، عرضی و عمودی از چرخ به بدنه خودرو و بالعکس، از بازوهای استفاده می‌کنند.

با توجه به این دیدگاه، مکانیزم‌های تعلیق به انواع زیر دسته‌بندی می‌شوند.

مکانیزم تعلیق صلب یا یکپارچه

مطابق شکل زیر، در این مکانیزم تعلیق، ارتباط دو چرخ چپ و راست توسط یک لوله یا تیر صلب و یکپارچه برقرار می‌شود. از این رو، حرکت عمودی یک چرخ روی اثر ناهمواری جاده روی عملکرد چرخ دیگر تأثیر می‌گذارد. مطابق شکل زیر، در این تعلیق می‌توان از فنرهای هوایی استفاده کرد. از آنجایی که فنرهای هوایی تنها قادرند نیروی عمودی یا نیروی وزن را تحمل کنند، برای انتقال نیروهای طولی و عرضی از چرخ به بدنه خودرو و بالعکس باید از بازوهای استفاده کرد.

مکانیزم تعلیق مستقل

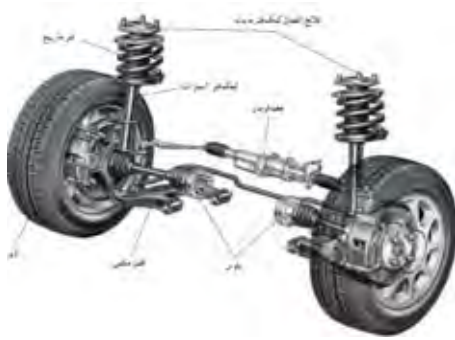
در مکانیزم تعلیق مستقل، ارتباطی بین چرخ چپ و راست به جز میله ضدغلتش وجود ندارد و حرکت چرخ چپ و راست آن مستقل از یکدیگرند. از این رو، حرکت عمودی یک چرخ روی عملکرد چرخ دیگر تأثیر نمی‌گذارد. بنابراین، برای افزایش پایداری خودرو و راحتی سرنشین می‌توان تغییرات مطلوبی در زوایای چرخ ایجاد کرد.

مکانیزم تعلیق مستقل، نسبت به مکانیزم‌های تعلیق یکپارچه، دارای طراحی و ساخت مشکل تری است و نهایتاً هزینه بیشتری در پی دارد. ارتقای برخی پارامترهای محسوس خودرو از قبیل راحتی سرنشین، پایداری خودرو و قابلیت شستاب‌گیری و ترمزگیری از جمله عواملی هستند که گرایش به استفاده از مکانیزم‌های تعلیق مستقل را بیش از پیش افزایش داده است.

در ادامه، برخی از انواع پرکاربرد مکانیزم‌های تعلیق مستقل معرفی و بررسی می‌شوند.

الف- مکانیزم تعلیق جناغی (طبق‌دار) دوبل

شکل زیر، مکانیزم تعلیق طبق‌دار دوبل را که در سیستم تعلیق جلو خودرو مورد استفاده قرار گرفته است، نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۶- سیستم تعلیق مکفرسون [۴]

با توجه به شکل، در این مکانیزم تعلیق، در قسمت پایین از یک طبق مثلثی استفاده می‌شود که توأماً قادر به تحمل نیروهای طولی و عرضی است. در رأس این طبق از یک سیبک برای اتصال بازوی عمودی، که فنر و کمک‌فنر را روی آن نصب کرده‌اند، استفاده می‌شود و تکیه‌گاه بالایی فنر توسط یک فلانچ به بدنه خودرو متصل می‌گردد. محور چرخ و یاناقان‌های چرخ نیز به کمک‌فنر متصل می‌گردند.

سیستم تعلیق اتوبوس‌های شرکت عقاب افشان

همه اتوبوس‌های تولیدی شرکت عقاب افشان، اعم از اتوبوس‌های شهری و بین‌شهری، مجهز به سامانه سیستم مدیریت تعلیق (Suspension Management System) یا اصطلاحاً سامانه SMS هستند که از نسل سوم سیستم کنترل ارتفاع الکترونیکی (Electronic Level Control-ELC ۳) بهره می‌گیرند و عملکردشان به این صورت است



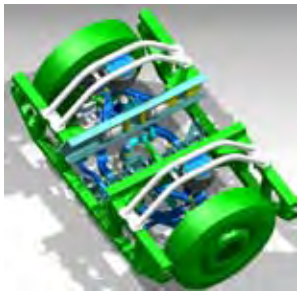
تصویر شماره ۵- سیستم تعلیق جناغی دوبل [۳]

در این مکانیزم تعلیق، از دو طبق مثلثی استفاده شده که در رأس هر طبق یک سیبک نصب گردیده است. در قسمت قاعده طبق دو بوش لاستیکی پرس شده که مفصل طبق است و طبق را به رام یا بدنه خودرو وصل می‌کند. قسمت بالای اهرم محور چرخ به سیبک طبق بالا و قسمت پایین اهرم محور چرخ نیز به سیبک طبق پایین وصل است. چرخ نیز روی محور چرخ نصب گردیده است. از این رو، چرخ در زیر بدنه خودرو توسط مکانیزم تعلیق مهار شده است، ضمن آنکه قابلیت انجام حرکت‌های مطلوب (چرخیدن، فرمان گرفتن، حرکت عمودی، تغییر زوایای کمبر، کستر و غیره) را نیز دارد.

ب- مکانیزم تعلیق مکفرسون

این مکانیزم، در واقع نوع ساده شده مکانیزم تعلیق طبق‌دار دوبل است، به نحوی که اگر در مکانیزم طبق‌دار دوبل، طول طبق بالا صفر در نظر گرفته شود و فنر و کمک‌فنر نیز بین محور چرخ و بدنه خودرو قرار گیرد، مطابق شکل زیر، مکانیزم تعلیق مکفرسون به دست می‌آید.





تصویر شماره ۸- سیستم تعلیق محور عقب شاسی دُرسا [۵]

نتیجه گیری

نوع سیستم تعلیق برای همه وسایل نقلیه به خصوص اتوبوس‌های مسافری بسیار حایز اهمیت است، چراکه مسافر باید مسافت زیادی را روی صندلی بنشینند و مسلماً در یک خودرو نرم و بدون ضربه، راحتی و لذت بیشتری را تجربه می‌کند. یک سیستم تعلیق خوب، علاوه روی راحتی بیشتر، ایمنی بیشتری نیز دارد و در شرایط بحرانی، مثل وقتی که با سرعت وارد پیچ می‌شویم، تعادل خودرو را حفظ می‌کند. امروزه شرکت‌های بزرگ خودروسازی می‌دانند که سیستم تعلیق یکی از مهمترین قسمت‌های خودرو است و برای از دست ندادن بازار خود روزبه‌روز تکنولوژی‌های جدیدتر را به سیستم تعلیق خودرو می‌افزایند.

منابع

- 1- www.gerdavari.com
- 2- www.pedal.ir
- 3- www.khodrobank.ir
- 4- suspension system - Wikipedia
- 5- www.scania.com

که واحد کنترل ارتفاع سیستم تعلیق، با استفاده از داده‌هایی که از سنسورهای مختلف می‌گیرد، ارتفاع هریک از فنرهای هوایی را تنظیم می‌کند و باعث نرمی و پایداری اتوبوس در شرایط مختلف می‌شود. از نظر نوع سیستم تعلیق، همه اتوبوس‌ها دارای سیستم تعلیق یکپارچه و فعال هستند، به جز اتوبوس توریستی دُرسا که محور جلو آن دارای سیستم تعلیق مستقل از نوع جناغی دوپل است و بدین ترتیب، راحتی سرنشینان این اتوبوس را دوچندان می‌کند. اتوبوس‌های شهری نیز با دارا بودن سیستم زانو زدن از کناره (side kneeling system) امکان کاهش ارتفاع یک طرف اتوبوس را برای راحتی ورود و خروج مسافران به خصوص مسافران کم‌توان و مسافران دارای ویلچر فراهم می‌کند [۵].



تصویر شماره ۷- سیستم تعلیق محور جلو شاسی دُرسا [۵]





منوچهر منطقی، معاون صنایع حمل و نقل وزارت صمت:

اتوبوس برقی محصول مشترک شرکت عقاب افشان و مپنا آماده تولید است

فقط ۲۰ درصد ارزش افزوده برای کشور ایجاد خواهد شد، اما اگر واردات خودرو منجر به انتقال فناوری و عرضه محصول جدید شود، ۷۰ تا ۸۰ درصد ارزش افزوده ایجاد می‌گردد.

منطقی با تأکید بر سیر تحول پیوسته توسعه صنعت خودرو در کشور اضافه کرد: نباید صنعت خودرو در ایران را یک صنعت ۵۰ ساله بدانیم. صنعت خودرو در دهه ۶۰ به خاطر جنگ تحمیلی عملاً تعطیل شده بود و می‌توان گفت که صنعت خودروسازی ایران مربوط به ۲۵ سال پیش است نه ۵۰ سال پیش.

منطقی تأکید کرد: باید در مسیر هم‌افزایی پلتفرم‌ها تلاش کرد. معنای هم‌افزایی این است که خودروسازان یک کشور با همدیگر یک دایره تأمین داشته باشند. وی با اشاره به اینکه در حوزه برقی‌سازی، بعضی از محصولات توسعه یافته و آماده تولید هستند، گفت: محصولاتی مانند اتوبوس برقی با مشارکت صنایع دفاع و تعدادی از شرکت‌های دانش‌بنیان، اتوبوس برقی «شتاب» محصول مشترک شرکت عقاب افشان و مپنا، خودرو تارا و شاهین با قوای محرکه برقی و خودرو اقتصادی برقی، تولید شده یا آماده تولید هستند.

بین‌المللی برگزار شد، مباحث تخصصی و آموزشی در مورد معنای دانش‌بنیانی شدن صنعت خودرو و همچنین رویکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت در خصوص آینده صنعت خودرو کشور را ارائه و افق پیش رو در این حوزه را تشریح کرد.

وی به اهمیت دو پارامتر ارزش افزوده و اشتغال دانش‌بنیان در صنعت خودرو اشاره کرد و گفت: رویکرد جدید ما به پلتفرم‌ها در وزارت صنعت، معدن و تجارت، حرکت به سوی ایجاد ارزش افزوده بیشتر و اشتغال دانش‌بنیان است.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: اگر با استراتژی جایگزینی واردات تنها به دنبال مونتاژ خودرو باشیم،

معاون صنایع حمل و نقل وزارت صمت می‌گوید که امروز در حوزه برقی‌سازی صنعت خودرو کشور، بعضی از محصولات از جمله اتوبوس برقی «زیما»، محصول مشترک شرکت عقاب افشان و شرکت مپنا، آماده تولید است. منوچهر منطقی در عین حال معتقد است که نباید صنعت خودرو در ایران را یک صنعت ۵۰ ساله بدانیم، چراکه این صنعت در دهه ۶۰ به دلیل جنگ تحمیلی عملاً تعطیل بود و می‌توان گفت خودروسازی ایران مربوط به ۲۵ سال پیش است.

معاون صنایع حمل و نقل وزارت صمت در رویداد روایت تحول صنعت خودرو که در سالن خلیج فارس نمایشگاه‌های



اسکانیا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

گفتگو با نجف عبیدی، یکی از رانندگان قانونمند اتوبوس در کشور

رانندگی با اتوبوس مارال اسکانیا لذت بخش است

نجف عبیدی یکی از شناخته شده ترین رانندگان اتوبوس کشور است. او به عنوان یکی از اهالی خطه خونگرم استان بوشهر، جدای از هنر و صبری که در رانندگی با اتوبوس دارد، یکی از مردان دغدغه مند این عرصه به شمار می رود که می خواهد جایگاه این شغل را از مسیر فرهنگ سازی های درست ارتقا دهد و به سطح کشورهای تراز اول برساند.

این راننده خوش ذوق و جوان در کنار شغلش، یکی از فعالان پرکار شبکه های اجتماعی هم هست. او یک صفحه اینستاگرامی برای خودش دست و پا کرده که دنبال کنندگان پرشماری دارد و به گفته خودش از ظرفیت آن برای آموزش و فرهنگ سازی در بین رانندگان اتوبوس کشور استفاده می کند. با او که برای چندمین سال به عنوان راننده نمونه کشور برگزیده شده، درباره رویکردش به این شغل و دغدغه هایش گفتگو کرده ایم که در ادامه می خوانید.

آقای عبیدی، شما یکی از رانندگان مطرح اتوبوس در کشور هستید که فعالیت پررنگی هم در شبکه های اجتماعی دارید. لطفاً قدری درباره خودتان و اینکه چه شد این شغل را برگزیدید، بفرمایید.

رانندگی یک شغل خانوادگی برای ماست و این شغل از زمان پدر بزرگ عزیزم، مرحوم حاج غلامرضا عبیدی، معروف به خاندایی عزیز، پدر بنده، محمد کاظم عبیدی، معروف به دایی کاظم، عموهای من و همچنین پسرعموهایم در خانواده ما وجود دارد؛ البته باید علاقه را تأثیر گذارترین عامل در انتخاب آن برشمرد. شخصاً از بدو ورود به این شغل تصمیم گرفتم ارزش از دست رفته آن را با عملکرد و تلاشم بهبود ببخشم و از همه ظرفیت های موجود هم برای رسیدن به هدفم بهره بردم. از جمله اینکه یک پیج اینستاگرامی راه انداختم که امروز دنبال کننده های بسیاری دارد و سعی می کنم از این طریق، فرهنگ رانندگی، جایگاه این شغل و حقوق متقابل راننده و مسافر را ارتقا دهم. البته در طول چند سالی که در این شغل متمرکز شده ام، افتخاراتی را هم از جمله کسب عنوان راننده نمونه کشور در سال ۹۷، کسب راننده موفق در فضای مجازی، کسب عنوان راننده برتر در سال ۱۴۰۰ و همچنین کسب عنوان راننده قانونمند در ایام نوروز ۱۴۰۱ به دست آورده ام که بخش زیادی از آنها لطف خداوند متعال بوده است.





najaf.scaniaoghab



می‌دانند تا چه اندازه به اصول مقیدم. همواره سعی کرده‌ام با سرعت و میزان کیلومتر کنترل شده و مطمئن، فرهنگ جدیدی را در زمینه این شغل به مردم معرفی کنم.

نگاهتان به این شغل چگونه است و آن را برای خودتان چگونه تعریف می‌کنید که با این حجم از علاقه و دوست داشتن به آن می‌پردازید؟

دیدگاه من به این حرفه، یک نگاه بلندمدت است و همواره تلاش خواهیم کرد شأن و جایگاه این شغل را که پایه اقتصاد کشورمان است، ارتقا دهیم. به نظرم، عشق و علاقه، پایه و اساس هر حرفه‌ای است

چنان تعداد کامنت‌ها بالا می‌رود که من هرچند پست یک‌بار، به علت پاسخ ندادن به همه پست‌ها، عذرخواهی می‌کنم. با این وجود، همه نظرات دوستان را می‌خوانم و تا جایی که مقدور باشد، به آن‌ها جامه عمل می‌پوشانم. برخی از تصاویر و پست‌های ارسالی در صفحه اینستاگرامم، از سوی خود مخاطبان فرستاده می‌شوند و آنها با حمایت همه‌جانبه خود، مرا نسبت به ادامه کار دلگرم می‌کنند. تلاش کرده‌ام با استفاده از عکس‌های زیننده و ملبس به لباس فرم، در زمینه رانندگی فرهنگ‌سازی کنم و تعریف جدید و به‌روزی از این شغل را به جامعه ارائه دهیم. دوستان و همکارانم، به خوبی از شخصیت من آگاه هستند و

قدری درباره صفحه اینستاگرام‌تان بگویید و آن را معرفی کنید.

آدرس صفحه بنده که بسیاری از همکارانم با آن آشنایی دارند و بیش از ۸ سال از عمر آن می‌گذرد، (najaf.scaniaoghab) است که در حال حاضر بیش از ۱۰۰ هزار دنبال‌کننده دارد. من در این صفحه جدای از موضوع آموزش، تلاش کرده‌ام تا مفهوم راننده و شاگرد را به دو عنوان کاپیتان و مهماندار تغییر دهم که خوشبختانه این تلاش، با همراهی بازدیدکنندگان و دنبال‌کنندگان صفحه، بازخورد خوبی داشته است. همه تلاش من این است که همواره پاسخگو باشم و به خواسته همه برسم. با این حال، گاهی

اسکانیا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News



najaf.scaniaoghab



فرهنگ بهتر شده و ما این را در رفتار و گفتار بسیاری از رانندگان و حتی مسافرانی که همواره همراه ما هستند، می‌بینیم و حس می‌کنیم، اما نکته اساسی و صادقانه این است که ما تا جایگاه واقعی‌مان در جامعه هنوز خیلی راه داریم و همچنان باید با انگیزه و علاقه برای آن تلاش کنیم. من واقعاً خوشحالم که امروزه بسیاری از همکاران ما به بهتر شدن جایگاه خود و این شغل علاقه نشان می‌دهند.

چه جذابیت‌هایی در رانندگی با اتوبوس مارال دیده‌اید که با این همه شور و شوق پشت فرمان آن می‌نشینید و آدم‌ها را شیفته

رانندگی مهیا کنم و امیدوار هم هستم این شغل را روزی به جایگاه و منزلت درستش برسانم. ضمن اینکه همواره به همکارانم هم گفته‌ام که هر شخصی جایگاه خودش را با رفتار و منش خودش مشخص خواهد کرد و وظیفه تک‌تک ماست که برای ارتقای جایگاه‌مان تلاش کنیم.

به عنوان یک کاپیتان و راننده تأثیرگذار، فکر می‌کنید فرهنگ در معنای عمومی در این شغل چقدر به نسبت گذشته تغییر کرده و آیا اصلاً علاقه‌ای در همکاران تان برای تعالی این شغل دیده‌اید؟
 قطعاً نسبت به قبل خیلی شرایط و

و بدون آن پیشرفت و موفقیتی حاصل نمی‌شود.

غیر از خودتان، تلاش بسیاری دارید که همه همکاران تان نگاه متعالی‌تری به این شغل و حرفه داشته باشند و خودشان را اصطلاحاً دست کم نگیرند. در مورد این رویکرد، توضیحاتی بفرمایید.

کاملاً درست است و حق با شماست. قطعاً هر کس با عملکردی که دارد، می‌تواند جایگاه خودش را پیدا و بعد با تلاش و عملکرد مثبت در آن پیشرفت کند. بنابراین، بنده هم همواره تلاش خواهم کرد شرایط بهتری را برای شغل



رانندگی با اتوبوس می‌کنید؟

به نظر، واژه اتوبوس خیلی باارزش است و یک تعریف خاص دارد که خیلی‌ها متأسفانه با آن آشنا نیستند. از نگاه من، اتوبوس مارال اسکانیا جدای از کیفیت فنی، یک زیبایی خاص و جایگاه ویژه‌ای در دل پیر و جوان، خانم و آقا دارد و کمتر پیش می‌آید مسافری از سفر با آن لذت نبرد و ناراحت باشد. این اتوبوس، ساختار اتاق فوق‌العاده‌ای دارد و در عین حال، به واسطه رنگ‌آمیزی خاصی که دارد، بسیار زیباست. بنده شخصاً به دور از هرگونه تعصب برند، از رانندگی با اتوبوس مارال لذت می‌برم.

بیشترین توصیه‌هایی که به همکاران تان دارید، چیست؟ چه از بعد فنی اتوبوس و چه از بعد فرهنگ رانندگی.

از بعد فنی، همیشه گفتم که هر فردی، هر شغلی را برمی‌گزیند، باید سواد آن شغل را هم از قبل داشته باشد. بنابراین، فردی که قرار است پشت فرمان یک اتوبوس بنشیند، باید سواد فنی و فرهنگی این جایگاه را از قبل داشته باشد. در بحث فرهنگی هم معتقدم که همه همکاران باید در کنار هم، ارزش و جایگاه واقعی شغل‌مان را بدانیم و بعد برای ارتقای آن تلاش کنیم.

اخیراً به عنوان راننده قانونمند در ایام نوروز ۱۴۰۱ انتخاب شدید و از سوی پلیس راهور ناجا مورد تقدیر هم قرار گرفتید. لطفاً بفرمایید موضوع چه بود و چرا به این عنوان رسیدید؟

پلیس راهور ناجا از طریق سامانه سپهتن به طور مستمر عملکرد رانندگان اتوبوس را پایش و بررسی می‌کند. در این مورد، بنده یکی از رانندگانی بودم که در ایام نوروز سال ۱۴۰۱ به لطف خداوند هیچ تخلفی نداشتم و به عنوان یک راننده قانونمند مورد تقدیر قرار گرفتم.

از منظر جناب‌عالی به عنوان یک راننده برتر، راننده نمونه شدن چه ویژگی‌هایی لازم دارد؟

رعایت قوانین و آگاهی از نحوه ارتباط درست با مسافران و آحاد مردم. به این موارد باید رعایت اخلاق، ادب، احترام، متانت و مردم‌داری را هم اضافه کرد.

خودتان هم اهل قانون هستید و ایمنی مسافران را مدنظر قرار می‌دهید؟

من معتقدم ایمنی باید از خود شخص شروع شود. من راننده که مسؤلیت جان ۲۲ یا ۴۴ نفر مسافر را بر عهده می‌گیرم، در همان ابتدا باید کمر بند ایمنی خود را ببندم. شما هیچ عکس یا فیلمی از من را نمی‌بینید که در حین حرکت، بدون بستن کمر بند ایمنی باشد. راه باز است و جاده وسوسه‌برانگیز؛ اما من همواره تلاش کرده‌ام تا بر اساس وضعیت جاده، شرایط جوی و رعایت نکات ایمنی، با سرعت مطمئنه رانندگی کنم. به‌شخصه ترجیح می‌دهم به عنوان یک راننده فعال که دغدغه فرهنگ این شغل را دارد، در ابتدا خودم نکات ایمنی را رعایت کنم و سپس انتظار ایجاد چنین فرهنگی را در میان دوستان و همکارانم داشته باشم.

در مورد نحوه درست برخورد با مسافران چه صحبتی با همکاران تان دارید؟

یکی از مواردی که در حوزه فرهنگ‌سازی همواره بر آن تأکید دارم و باید مورد توجه قرار گیرد، احترام به مسافر است؛ مسافر هواپیما، قطار یا اتوبوس هم فرقی ندارد. اتوبوس باید هم از منظر پذیرایی و هم به لحاظ رفتار با مسافر واقعاً به گونه‌ای باشد که تمایل به سفر با این وسیله نقلیه عمومی را بالا ببرد. ما در واقع داریم با این کار، دو فعالیت مهم انجام می‌دهیم؛ اول اینکه، فرهنگ سفر با وسیله نقلیه عمومی را گسترش می‌دهیم و دوم اینکه، فرهنگ رفتار با مسافر را ارتقا می‌دهیم. از این‌ها گذشته، وقتی شما به مسافرتان احترام بگذارید، به نوعی او را ترغیب می‌کنید که بعد از این هم دوباره به سفر با شما تمایل پیدا کند. به نظرم مسافر باید در سفر با اتوبوس احساس آرامش و امنیت داشته باشد. در این زمینه به چند مثال برای تأمین احساس مطلوب در مسافران بسنده می‌کنم: نظافت کف و کل سالن؛ نصب پرده‌های مناسب با رنگ خوب؛ استفاده از روکش‌های تمیز؛ مرتب بودن لباس و پوشش مهماندار و کاپیتان؛ که البته از همه این‌ها مهمتر، رفتار و کردار کاپیتان و مهماندار است که تأثیر زیادی بر فرهنگ‌سازی دارد.

لطفاً به ما بگویید که تا چه زمانی می‌خواهید به این شغل ادامه دهید و حد نهایی برای شما کجاست؟

اگر عمر با عزت داشته باشم، تا آنجایی که خدا به من نعمت فراوانی بدهد تا بتوانم از این مسیر ایجاد شغل داشته باشم و جایگاه آن را بهبود ببخشم، ادامه خواهم داد.

اگر صحبتی دارید که می‌خواهید بیان کنید، بفرمایید.

ایسن لطف خدا و افتخار را تماماً تقدیم می‌کنم به روح پدر بزرگ مرحوم، حاج غلامرضا عبیدی عزیز، و پدر عزیزم، محمد کاظم عبیدی؛ چون قطعاً هر چه دارم از این بزرگان بوده و هست. و همچنین از همه همکاران محترم و زحمتمکشتم در سراسر کشور خواهش می‌کنم قدر جایگاهی را که دارند، بدانند و برای ارتقای آن تلاش کنند.



علم و فناوری

رابط پوشیدنی انسان و ماشین: دستاورد جدید دانشمندان / ۲۰
تلسکوپ فضایی جیمز وب در جستجوی «جواهرات» / ۲۱
پرواز هوش مصنوعی خلبان در آسمان پرازدحام / ۲۲
طراحی یک مدل ریاضی برای سفر بی خطر به فضا / ۲۳
ماموریت «خیام» چیست و چرا پر تاب آن اهمیت دارد؟ / ۲۴
رمزنگاری کوانتومی هک کردن را بی اثر کرد / ۲۷

کارگاه

[۱۹]

ماهنامه داخلی شرکت عقاب افشان

شماره ۸۹ - مرداد ماه ۱۴۰۱

اسکایا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News



رابط پوشیدنی انسان و ماشین؛ دستاورد جدید دانشمندان

است که نیازی به باتری یا سایر اجزای خارجی برای تولید برق نیست. این ویژگی، دستگاه واسط انسان و ماشین را دوستدار محیط زیست و بادوام‌تر می‌کند.

این دستگاه در شرایط مختلف دنیای واقعی، از جمله در شرایط خیس شدن قرار گرفت. این شبیه‌سازی شرایطی بود که امکان دارد در حمام یا زیر بارش باران یا در حین فعالیت شدید ورزشی اتفاق بیفتد. این دستگاه هنگام خیس شدن نیز به خوبی کار می‌کرد، زیرا میدان مغناطیسی چندان تحت تأثیر آب قرار نمی‌گرفت.

پژوهشگران طیف وسیعی از تکنیک‌های ساخت و مونتاژ را برای بهینه‌سازی تبدیل انرژی بیومکانیکی به الکتریکی دستگاه مطالعه کردند. آن‌ها دریافتند که احتمالاً می‌توانند با کنترل ضخامت لایه انعطاف‌پذیر و غلظت ذرات مغناطیسی به تعادل بین عملکرد و انعطاف‌پذیری دست یابند.

به گفته یکی از دانشمندان، در آزمایش‌های انجام‌شده، آرایه حسگر مغناطیسی نه تنها به صورت بی‌سیم به عنوان دکمه روشن و خاموش یک لامپ عمل کرد، بلکه قادر بود پخش‌کننده موسیقی را نیز کنترل کند.

تبدیل می‌کند. این پاسخ مغناطیسی شامل مجموعه‌ای از ریزمغناطیس‌ها در یک ماتریس سیلیکونی متخلخل است که می‌تواند فشار ملایم نوک انگشت را به یک تغییر میدان مغناطیسی تبدیل کند.

قسمت دوم، یک لایه القایی مغناطیسی است که از سیم‌پیچ‌های فلزی مایع طرح‌دار تشکیل شده است. این سیم‌پیچ‌ها به تغییرات میدان مغناطیسی پاسخ می‌دهند و از طریق پدیده القای الکترومغناطیسی الکتروسیسته تولید می‌کنند.

بر اساس اظهارات یکی از دانشمندان دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس، با توجه به انعطاف‌پذیری و دوام مواد، آرایه سنسوری مغناطیسی الاستیک می‌تواند قدرت پایداری را در اثر تغییر شکل‌ها، مانند غلتیدن، ناشدن و کشش ایجاد کند.

با توجه به این ویژگی‌های قانع‌کننده، می‌توان از این دستگاه که فعالیت‌های بیومکانیکی انسان را به سیگنال‌های الکتریکی تبدیل می‌کند، در دستگاه‌های واسط انسان و ماشین استفاده کرد.

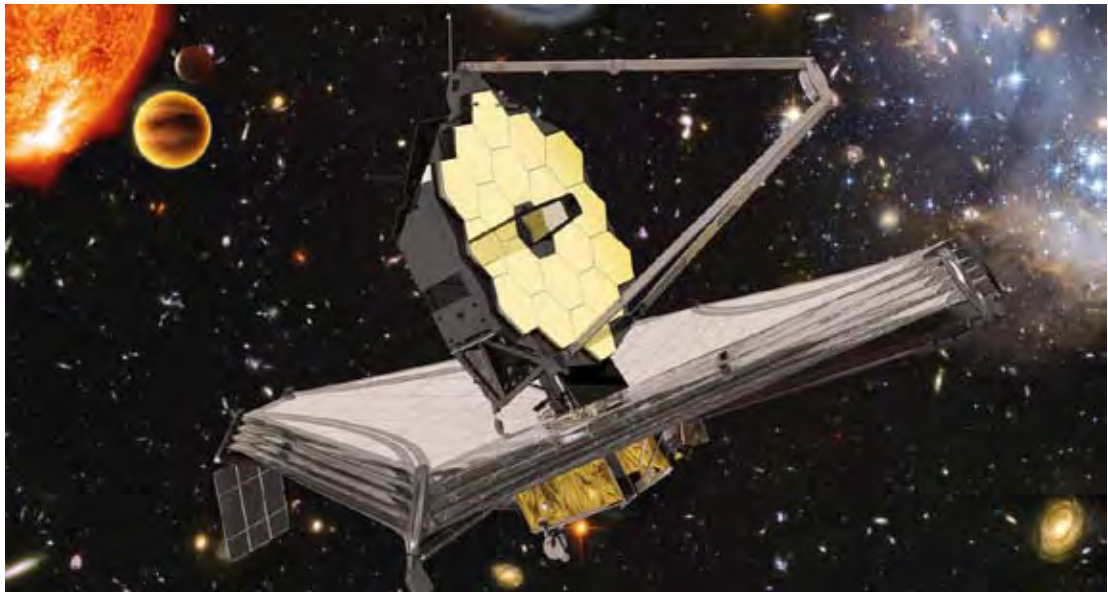
کسی که دستگاه واسط انسان و ماشین را می‌پوشد، نیروی لازم برای راه‌اندازی آن را با حرکاتش تولید می‌کند. این بدان معنا

دانشمندان از ساخت نوعی «رابط پوشیدنی انسان و ماشین» خبر داده‌اند که هم در زیر آب کار می‌کند و هم نیروی لازم برای کار کردنش را خودش تولید می‌کند و نیازی به باتری ندارد.

دانشمندان دانشگاه کالیفرنیا، در مقاله‌ای که در مجله بررسی‌های فیزیک کاربردی (Applied Physics Reviews)، منتشر شده، از پیشرفت نوعی دستگاه واسط انسان و ماشین سخن گفتند که کشش‌پذیر، ارزان و ضدآب است.

دستگاه‌های پوشیدنی واسط انسان و ماشین (HMI)، می‌توانند برای کنترل ماشین‌ها، رایانه‌ها، پخش‌کننده‌های موسیقی و سایر سیستم‌ها استفاده شوند اما یکی از مشکلات روی سر راه استفاده از این دستگاه‌ها وجود عرق روی پوست انسان است. دستگاه جدیدی که دانشمندان از آن سخن می‌گویند، مبتنی بر یک آرایه سنسوری مغناطیسی الاستیک نرم است که فشار مکانیکی ناشی از فشار انگشت را به سیگنال الکتریکی تبدیل می‌کند.

این دستگاه شامل دو قسمت اصلی است. اولین قسمت لایه‌ای است که حرکت مکانیکی را به یک پاسخ مغناطیسی



تلسکوپ فضایی جیمز وب در جستجوی «جواهرات»

در اتمسفر سیارات فراخورشیدی شناسایی شده بودند. اکنون، وضوح بالای تلسکوپ فضایی وب قادر خواهد بود مستقیماً این کانی‌ها را به عنوان ابر تشخیص دهد و ترکیب آنها را با استفاده از طیفسنجی اندازه‌گیری کند.

کاتاریا می‌گوید: ابرها موارد زیادی در مورد ترکیبات شیمیایی موجود در جو به مامی‌گویند.

به عنوان مثال، در سیاره «WASP-19b»، اکسید تیتانیوم گرما را جذب می‌کند و باعث وارونگی دما می‌شود که در آن جو بالای سیاره گرم‌تر از جو پایین‌تر است، جایی که معمولاً وقوع پدیده‌ای معکوس آن انتظار می‌رود.

جیمز وب تاکنون اتمسفر سیارات فراخورشیدی را مشاهده کرده است و ابرهایی از آب را در جو سیاره فراخورشیدی «WASP-96b» شناسایی کرده که دانشمندان تصور می‌کردند اصلاً ابری ندارد. در طول اولین سال از مشاهدات خود، وب به بررسی جو بسیاری از سیارات فراخورشیدی دیگر خواهد پرداخت.

تشکیل دهند. چنین کانی‌هایی پیش از این نیز در جو سیارات فراخورشیدی کشف شده بودند. در سال ۲۰۱۷، ستاره‌شناسان با استفاده از تلسکوپ بسیار بزرگ (VLT) در رصدخانه جنوبی اروپا در شیلی، وجود اکسید تیتانیوم را در جو مشتری داغی به نام «WASP-19b» شناسایی کردند. سه سال بعد، تلسکوپ وی‌آل‌تی بخار آهن را در سمت رو به خورشید مشتری داغی به نام «WASP-76b» مشاهده کرد.

بسیاری از مشتری‌های داغ از نظر جرم و مدی قفل هستند یعنی همیشه نیمکره یکسانی از آنها رو به ستاره میزبان‌شان قرار دارد، این موضوع منجر به گرم شدن بسیار زیاد آنها می‌شود. در مورد سیاره «WASP-76b»، دمای هوا در بخش رو به خورشید به ۴۰۰۰ درجه فارنهایت (۲۲۰۰ درجه سانتیگراد) می‌رسد و سمت تاریک این سیاره تنها ۲۷۰۰ درجه فارنهایت (۱۵۰۰ درجه سانتیگراد) دما دارد، اما به اندازه کافی خنک است که آهن در اتمسفر متراکم شود و به صورت بارانی از فلز مذاب روی سطح سیاره بریزد. پیش از این، این عناصر و مواد معدنی

ستاره‌شناسان به دنبال ابرهای ساخته شده از کانی‌ها و فلزات تبخیر شده در سیارات فراخورشیدی دور دست هستند و در این راه از تلسکوپ فضایی جیمز وب کمک می‌گیرند.

تلسکوپ فضایی جیمز وب قرار است توجه خود را به اتمسفر سیاره‌های فراخورشیدی مملو از سنگ‌های تبخیر شده و بلورهایی مانند کربنوم و پروسکایت که تشکیل‌دهنده جواهرات روی زمین هستند، معطوف کند.

سیاره‌های مشتری داغ، که غول‌های گازی بسیار نزدیک به ستاره‌های خود هستند، به قدری داغ می‌شوند که عناصر سنگی، مواد معدنی و فلزات در آنها به صورت بخار وارد اتمسفر می‌شود.

تیفانی کاتاریا (Tiffany Kataria)، دانشمند سیارات فراخورشیدی در آزمایشگاه پیش‌رانش جت ناسا، در بیانیه‌ای گفت: روی زمین، بسیاری از این مواد معدنی به صورت جواهرات وجود دارند و یک زمین‌شناس آنها را به صورت سنگ مطالعه می‌کند، اما همین جواهرات می‌توانند ابرهای سیارات فراخورشیدی را



پرواز هوش مصنوعی خلبان در آسمان پرازدحام

با خلبانان و کارشناسان مراقبت پرواز با استفاده از تکنیک‌های پردازش زبان طبیعی عمل می‌کند.

پیشرفت در هواپیماهای خودران فرصت استفاده از پهپادها، تاکسی‌های هوایی، بالگردها و سایر هواپیماها (اغلب اوقات بدون خلبان) را برای جابه‌جایی افراد و کالاها، بازرسی زیرساخت‌ها، رسیدگی به مزارع برای محافظت از محصولات و نظارت روی شکار غیرقانونی یا جنگل‌زدایی فراهم کرد. با این حال، این هواپیماها مجبور خواهند بود در فضایی مملو از هواپیماهای کوچک و بالگردهای پزشکی پرواز کنند. اداره هوانوردی فدرال و ناسا پیشنهاد کرده‌اند که حریم هوایی شهری را به خطوط یا راهروهایی تقسیم کنند که در آن‌ها محدودیت‌هایی در زمینه زمان، نوع و تعداد هواپیماهایی که می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند، وجود داشته باشد.

این امر به طور چشمگیری استفاده فعلی و شیوه‌های استاندارد در حریم هوایی را تغییر می‌دهد و می‌تواند ترافیک هوایی ایجاد کند و از رسیدن هواپیماهای مهم مانند بالگردهای اورژانس هوایی به مقصد جلوگیری کند.

و یکی از اعضای تیم آزمایشی هوش مصنوعی، می‌گوید: «معتقدیم در نهایت آزمون تورینگ را پشت سر می‌گذاریم.» او به آزمونی اشاره می‌کند که برای سنجش توانایی هوش مصنوعی در زمینه نشان دادن رفتار هوشمندانه‌ای معادل انسان برگزار می‌شود. هوش مصنوعی برای اینکه بتواند مانند یک خلبان انسانی با سایر هواپیماها، چه هواپیماهایی که خلبان دارند و چه آن‌هایی که ندارند، تعامل کند، هم از بینایی و هم از زبان طبیعی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کند. این رفتار به نوبه‌ی ایمن و سازگار از نظر اجتماعی منجر می‌شود. پژوهشگران این هماهنگی ضمنی را با آموزش هوش مصنوعی در زمینه داده‌های جمع‌آوری شده در فرودگاه شهرستان آلزنی و فرودگاه شهرستان باتلر به‌دست آوردند که شامل الگوهای ترافیک هوایی، تصاویر هواپیما و مخابره‌های رادیویی بود.

این هوش مصنوعی از ۶ دوربین و یک سیستم بینایی کامپیوتری برای شناسایی هواپیماهای نزدیک به روشی شبیه به خلبان انسانی استفاده می‌کند. سیستم تشخیص خودکار گفتار آن، هم برای درک پیام‌های رادیویی دریافتی و هم برقراری ارتباط

پژوهشگران ادعا می‌کنند اولین هوش مصنوعی خلبان را طراحی کرده‌اند که حریم هوایی پرازدحام هم حرکت کنند. آن‌ها هنوز هوش مصنوعی خلبان را روی هواپیماهای واقعی آزمایش نکرده‌اند؛ اما نتایج به‌دست آمده در شبیه‌سازهای پرواز رضایت‌بخش بوده است.

پژوهشگران دانشگاه کارنگی ملون در ایالات متحده آمریکا مدعی اند اولین هوش مصنوعی خلبان را طراحی کرده‌اند که هواپیماهای خودران را قادر می‌سازد در حریم هوایی پرازدحام حرکت کنند.

هوش مصنوعی می‌تواند به راحتی از برخورد ممانعت کند، قصد هواپیماهای دیگر را پیش‌بینی کند، هواپیماها را ردیابی کند و با اقدامات آن‌ها هماهنگ شود و از طریق رادیو با خلبانان و کارشناسان (کنترلرهای) مراقبت پرواز ارتباط برقرار کند. هدف پژوهشگران این است که هوش مصنوعی را به نحوی طراحی کنند که رفتارهای سیستم آن از رفتارهای یک خلبان انسانی قابل تشخیص نباشد.

جان ا (Jean Oh)، دانشیار پژوهشی در مؤسسه رباتیک دانشگاه کارنگی ملون



طراحی یک مدل ریاضی برای سفر بی خطر به فضا

کرده است. اما هنگامی که به فضا سفر می‌کنیم، کشش جاذبه ناپدید می‌شود؛ یعنی مایعات به نیمه بالایی بدن منتقل می‌شود و پاسخی را ایجاد می‌کند که بدن را فریب می‌دهد و فکر می‌کند مایعات زیادی در بدن وجود دارد؛ در نتیجه، زیاد به توالست می‌رویم و مایعات اضافی را دفع می‌کنیم، احساس تشنگی نمی‌کنیم و به اندازه کافی نوشیدنی نمی‌نوشیم؛ یعنی در فضا دچار کم‌آبی می‌شویم. به همین دلیل است که گاهی در اخبار می‌بینیم که فضانوردان هنگامی که دوباره به زمین برمی‌گردند، از هوش می‌روند. این یک اتفاق کاملاً رایج در نتیجه سفرهای فضایی است و هرچه مدت بیشتری در فضا باشیم احتمال از هوش رفتن پس از قرار گرفتن در معرض گرانش بیشتر است. دانشمندان اظهار می‌کنند: هدف از طراحی این مدل پیش‌بینی بسیار دقیق این موضوع است که آیا یک فضانورد می‌تواند بدون اینکه از هوش برود به مریخ برسد یا خیر. ما معتقدیم که این امر امکان‌پذیر است. به گفته محققان، به دلیل تأخیر ارتباطی در انتقال پیام‌ها میان مریخ و زمین، فضانوردان باید بتوانند بدون دریافت کمک فوری از خدمه پشتیبانی، وظایف خود را انجام دهند.

خطرات متعددی دارد؛ اما بزرگ‌ترین نگرانی قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض میکروگرانش (گرانش نزدیک به صفر) است که همراه با قرار گرفتن در معرض تشعشعات مخرب خورشید احتمالاً می‌تواند تغییراتی بنیادی در بدن ایجاد کند.

سفر به مریخ بین شش تا هفت ماه طول می‌کشد و به دلیل بی‌وزنی (در اثر گرانش صفر) احتمالاً باعث تغییر ساختار عروق خونی یا قدرت قلب می‌شود.

با ظهور آژانس‌های تجاری فضایی مانند اسپیس ایکس (Space X) و بلو اریجین (BlueOrigin)، فرصت بیشتری برای افراد ثروتمندی که لزوماً سالم نیستند برای سفر به فضا ایجاد شده است؛ بنابراین محققان می‌خواهند از مدل‌های ریاضی برای پیش‌بینی اینکه آیا کسی برای سفر به مریخ مناسب است یا نه استفاده کنند.

به گفته دانشمندان قرار گرفتن در معرض گرانش صفر به مدت طولانی باعث تنبلی قلب می‌شود؛ زیرا لازم نیست قلب به شدت کار کند تا برای پمپاژ خون روی جاذبه غلبه کند. روی روی زمین، جاذبه مایعات بدن را به نیمه پایینی بدن انسان می‌کشد، به همین دلیل است که برخی افراد در انتهای روز احساس می‌کنند که پاهایشان ورم

متخصصان پزشکی فضایی مدلی را طراحی کرده‌اند که با شبیه‌سازی تأثیر سفرهای فضایی طولانی‌مدت، امکان پیش‌بینی وضعیت سلامتی افراد در صورت سفر به فضا را فراهم می‌کند.

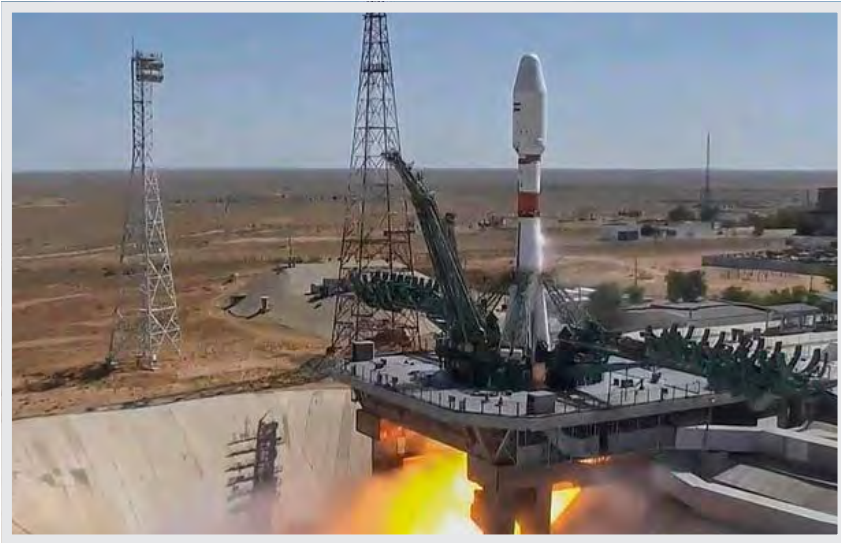
متخصصان پزشکی فضایی دانشگاه ملی استرالیا یک مدل ریاضی طراحی کرده‌اند که پیش‌بینی می‌کند آیا یک فضانورد می‌تواند بدون خطر به مریخ سفر کند و مأموریتش را با قدم گذاشتن روی سیاره سرخ انجام دهد یا خیر.

تیم پژوهشی دانشگاه ملی استرالیا تأثیر قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض گرانش صفر را روی سیستم قلبی عروقی شبیه‌سازی کرد تا تعیین کند آیا بدن انسان هنگامی که از فضاپیما خارج می‌شود، می‌تواند نیروهای گرانشی مریخ را که به اندازه روی زمین قوی نیستند، بدون بی‌هوش شدن یا نیاز به فوریت‌های پزشکی تحمل کند یا خیر.

این مدل احتمالاً برای ارزیابی تأثیر پروازهای فضایی کوتاه و طولانی‌مدت روی بدن استفاده می‌شود و می‌تواند به عنوان قطعه مهم دیگری از پازل کمک به فرود انسان روی مریخ باشد.

به گفته محققان این تیم، سفر به مریخ

ماموریت «خیام» چیست و چرا پرتاب آن اهمیت دارد؟



هادی رضایی
خبرنگار

ماهواره ایرانی «خیام» ساعت ۱۰ و ۲۲ دقیقه صبح سه شنبه ۱۸ مردادماه در یک همکاری مشترک با کشور روسیه، از ایستگاه فضایی ماهواره‌بر «سایوز» از پایگاه بایکونور قزاقستان، با موفقیت به مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین پرتاب شد.

ایران اسلامی چند سالی است که به برکت اعتماد به دانش و توان داخلی در صنعت موشک‌های بالستیک و همچنین هوا و فضا جایگاه خوبی در دنیا کسب کرده است و به یکی از قدرتهای جهانی در این حوزه تبدیل شده است و از سال ۲۰۰۵ میلادی و با ارسال ماهواره «سینا ۱» به باشگاه کشورهای فضایی پیوست، ماهواره‌ای که به کمک روسیه به آسمان فرستاده شده بود.

پس از آن به تدریج دانش بومی توسعه یافت و تاکنون ایران توانسته ماهواره‌های بسیاری برای اهداف مختلف علمی، پژوهشی، خدماتی و حتی نظامی به آسمان بفرستد. اما آخرین ماهواره کشور ما «خیام» است که مالکیت آن در اختیار سازمان فضایی ایران است، با سنجنده‌های دقیق در طیف‌های مختلف، زیر ساختی مناسب برای هوشمندسازی بخش‌های گوناگون کشور خواهد بود.

ماهواره خیام چه ویژگی‌هایی دارد؟

این ماهواره از نوع سنجشی و دارای دقت بالای تصویربرداری است. همچنین این ماهواره قابلیت تصویربرداری از سطح زمین در طیف‌های مختلف تصویری را دارد.

به دلیل وزن بالای این ماهواره ایرانی، پرتاب آن به آژانس فضایی روسیه واگذار شده است تا بوسیله ماهواره‌بر سایوز به فضا پرتاب و در مدار قرار گیرد.

پرتابگر «سایوز» در میان پرتابگرهای کشورهای مختلف دنیا از بیشترین درصد قابلیت اطمینان برخوردار است و تاکنون بیشترین تعداد مأموریت موفق فضایی در دنیا توسط این پرتابگر صورت گرفته است.

این ماهواره در گروه پُر استفاده‌ترین ماهواره‌های دنیا از نظر مأموریت قرار می‌گیرد که همان بحث تهیه تصویر از سطح کره زمین است. زمانی که از تصویربرداری ماهواره‌ای سخن به میان می‌آید مشخصاً مهم‌ترین بحث میزان کیفیت تصاویر تهیه شده توسط ماهواره مورد نظر است. عدد مورد نظر در خصوص «ماهواره خیام» ۱ متر است؛ این عدد هر چقدر کوچک‌تر باشد به معنی تصاویر با کیفیت‌تر است.

این نکته نیز حائز اهمیت است که برخی از شرکت‌های تجاری تصاویر ماهواره‌ای با کیفیت ۵۰، ۳۰ و ۲۵ سانتی متر را نیز به فروش

می‌رسانند، اما این خدمات برای یک مشتری مثل ایران، به دلیل تحریم‌های ظالمانه غرب ممکن نیست، ضمن آنکه بحث ارائه اطلاعات قدیمی یا دستکاری شده نیز نباید دور از ذهن باشد.

وظیفه خیام چیست؟

حال این پرسش مطرح می‌شود، ماهواره‌ای که از این ویژگی‌ها برخوردار است چه وظیفه‌ای برعهده دارد؟

«حسین دلیریان» کارشناس مسائل دفاعی ضمن بیان این مطلب، می‌گوید: ماهواره خیام یک ماهواره سنجشی با دقتی بسیار خوب است که می‌تواند در پایش جغرافیای ایران و فراجغرافیا بسیار کاربردی باشد و خدماتی به کشورمان در حوزه‌های مختلف مقابله با بلایای طبیعی، مسائل زیست محیطی و... ارائه دهد که تاکنون هیچ ماهواره‌ای چنین خدماتی ارائه نداده است.

«عمران مرادی» پژوهشگر علوم فضایی هم با بیان اینکه «خیام» از نوع ماهواره‌های سنجش از راه دور است، اظهار کرد: ماهواره‌های سنجش از دور، نقش بسیار مهمی در زندگی انسان‌ها دارد. وی با بیان اینکه یکی از مشکلاتی که امروز در حوزه کشاورزی با آن روبه‌رو هستیم، مدیریت دقیق منابع آب است، می‌گوید: عملاً امروزه مدیریت منابع آبی اهمیت بالایی دارد که برای

چند سال بازی در آوردند و بهانه تراشی، نهایتاً ماهواره را که به فضا پرتاب نکردند هیچ، آنرا هم پس ندادند! به این علت که برای آن مهم نبود و نمی‌خواست ایران رشد کند.

دلیریان تصریح کرد: اما حالا، کار به جایی رسیده که سایوز مشهور روس‌ها ماهواره پیشرفته ایرانی را با افتخار به فضا می‌برد و در مدار قرار می‌دهد و روسیه با افتخار از همکاری با ایران در حوزه فضایی سخن می‌گوید.

وی گفت: عرصه فضا از طریق همین همکاری‌های بین‌المللی در حال پیشرفت است و ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای در حوزه فضایی، حرف‌های زیادی در این حوزه دارد.

از سوی دیگر پیرامون نحوه همکاری ایران و مسکو جهت پرتاب «خیام» این نکته یادآوری می‌شود که، ایستگاه کنترل و بهره‌برداری ماهواره خیام در خاک ایران است و از لحظه پرتاب در روز اول نیز کلیه فرامین مربوط به کنترل و به کارگیری این ماهواره صرفاً توسط ایستگاه ایرانی به ماهواره ارسال می‌شود و تصاویر آن هم توسط ایستگاه‌های موجود در خاک ایران دریافت می‌شود. همچنین کلیه فرامین و داده‌هایی که به ماهواره ارسال و یا از آن دریافت می‌شود توسط یک ماژول رمزنگار، رمزگذاری می‌شود که این ماژول توسط ایران تهیه و در ماهواره قرار گرفته است و کلید آن نیز در دست ایران است.

ایران قوی حاصل این تعاملات بین‌المللی با کشورهای است که منافع مشترک علیه هژمونی نظام سلطه دارند.»

با توجه به تبیین مأموریت خیام، این سوال مشخصی روی این ماهواره داریم یا امنیت ارتباطی برای ما در دریافت تصاویر از این ماهواره وجود دارد یا خیر؟

دلیریان کارشناس مسائل دفاعی در پاسخ به این سوال می‌گوید: برای پاسخ باید به اواسط دهه ۸۰ برگردیم. روزهایی که متخصصان و دانشمندان ایرانی گام مهمی در طراحی و تولید ماهواره برداشتند و «ماهواره مصباح» را بعد از چند سال تلاش شبانه روزی ساختند، اما در آن سال‌ها یک مشکل بسیار مهم، دست ما را بسته بود!

وی خاطر نشان کرد: مشکل این بود که، کارستانی که دانشمندان صنعت فضایی ایران با ساخت ماهواره مصباح کرده بودند، به دلیل نداشتن پایگاه پرتاب، موشک ماهواره روی و زیر ساخت‌های پرتاب، داشت ابرتر می‌شد تا اینکه مسؤولان وقت، تصمیم گرفتند این مشکل را با ایتالیا حل کنند.

کارشناس مسائل دفاعی تاکید می‌کند: تصمیم روی این شد که چون ما هیچ زیرساختی برای پرتاب ماهواره مصباح نداشتیم، مصباح به ایتالیا داده شد تا آنها برایمان پرتاب کنند. ایتالیایی‌ها هم بعد از

این کار می‌توان از ماهواره‌های سنجش از راه دور بهره برد.

این پژوهشگر علوم فضایی با بیان اینکه با استفاده از ماهواره‌های سنجش از راه دور، می‌توانیم مسائل مرتبط با کشاورزی را مدیریت، گستره جنگل‌ها را شناسایی، خشکسالی‌ها را تشخیص و وضعیت گیاهان یک منطقه را بررسی کنیم، گفت: یکی دیگر از کاربردهای ماهواره‌های سنجش از راه دور مدیریت حوادث غیرمترقبه است؛ در واقع هنگامی که حادثی مانند سیل رخ می‌دهد اگر بخواهیم برای تشخیص صدمات این حوادث از مناطق آسیب‌دیده بازدید کنیم قطعاً دقت لازم را نخواهیم داشت، اما با استفاده از ماهواره‌ها می‌توانیم این مسائل را با دقتی ویژه مدیریت کنیم.

نکته دیگر پیرامون ماهواره «خیام» داده‌هایی است که می‌تواند در خدمت رونق اقتصاد دیجیتال کشور و کسب و کارهای وطنی قرار دهد و این موضوع خود، اهمیت پرتاب این ماهواره را نشان می‌دهد.

«مجتبی توانگر» نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه خیام باهوش، اطلاعات دقیقی را برای اولین بار از سرتاسر زمین به دانشمندان ما می‌دهد، گفت: امیدوارم داده‌های ناب آن هرچه زودتر در خدمت رونق اقتصاد دیجیتال کشور و کسب و کارهای وطنی قرار بگیرد.

وی با اشاره به اینکه استفاده از داده‌های مکانی و ماهواره‌ای فرصت‌های جدیدی برای خلق خدمات مکان‌محور و استفاده از فن‌آوری‌های نوظهور هوش مصنوعی و اینترنت اشیا را فراهم می‌کند، می‌گوید: دسترسی به داده‌های سنجشی ماهواره‌ای برای کاربردهایی نظیر مدیریت منابع طبیعی و اقتصاد هوشمند در حوزه کشاورزی حیاتی است.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در عین حال دیپلماسی دیجیتالی دولت، امکان مشارکت راهبردی در طرح‌های توسعه فضایی را برای ما هموار کرد. سال‌ها کشور منتظر این فرصت بود و قطعاً



می توانیم هر ماه یک پرتاب داشته باشیم

البته در این بین برخی دیگر روی توانایی صنعت دفاعی و فضایی ایران تاکید می کنند و می گویند پرتاب ماهواره خیام با پرتابگر سایوز اتفاق خوبی است، اما ذوق زدگی برای آن اشتباه است! ایران نباید برای ساخت و پرتاب ماهواره به کشورهای دیگر وابسته باشد!

محسن مقصودی فعال رسانه‌ای ضمن بیان این مطلب در حساب کاربری خود در توئیتر، نوشت: اگر در ۱۰ سال گذشته به اندازه کافی از صنعت فضایی ایران و دانشمندان حمایت شده بود، امروز باید ماهواره‌هایی نظیر خیام را خودمان پرتاب می کردیم و دستاوردهای بزرگ تری را جشن می گرفتیم.

موضوعی که با تأیید حجت الاسلام سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهور هم قرار گرفت؛ او در ۱۹ مرداد در جلسه هیئت دولت با اشاره به اهمیت دانش هوا-فضا به عنوان پیشران برای کمک به توسعه کشور در حوزه‌های مختلف، اعلام کرد: «دولت سیزدهم بنا دارد عقب‌ماندگی‌ها در این حوزه را جبران کند و در آینده شاهد رونمایی از دستاوردهای جدیدی در این زمینه خواهیم بود که کمک شایانی به محیط زیست، اکتشافات معدنی، مدیریت مخاطرات طبیعی و پایش مرزها می کند.»

مقصودی در ادامه مطلب خود آورده است: نباید مسؤولان فضایی ما گمان کنند با سفارش و پرتاب ماهواره توسط خارجی‌ها، به اندازه پرتاب بومی و داخلی تشویق خواهند شد و می توانند عکس یادگاری بگیرند! این تصویر ممکن است کم کم مسیر صنعت فضایی را خدایی نکرده به سمت وابستگی به خارج تغییر دهد!

این فعال رسانه‌ای با بیان اینکه ایران می تواند با برنامه درست، مثل صنعت پهباد، خودش مرجع پرتاب ماهواره‌های کشورهای دیگر بشود، نوشت: شرط آن این است که به جای هرسال یک پرتاب آزمایشی در ایران، هر ماه یک پرتاب داشته باشیم و این مهم تنها با سازماندهی پاسخگو و با بهره مندی

از مدیران متخصص انقلابی و جهادی ممکن است.

بومی سازی این فناوری هم به لحاظ اقتصادی به مراتب به صرفه تر و سودآورتر است و هم به لحاظ راهبردی برای ایران یک ضرورت انکارناپذیر. تنها در صورت داشتن یک برنامه عملیاتی بومی با بودجه و زمان بندی مشخص و پاسخگو ست که همکاری‌های خارجی هم در جای خودش معنادار می شود.

چرا پرتاب «خیام» اهمیت دارد؟

سؤال دیگر که در این مجمل باید بررسی شود و البته در بخشی از گزارش به آن پرداخته شد «اهمیت پرتاب خیام است، چرا پرتاب آن اهمیت دارد؟»

آنچه مشخص است، در حوزه غیر نظامی بحث‌هایی مثل رصد وضعیت اقلیم‌های مختلف محیط زیستی (برای نمونه تهیه تصاویر با کیفیت و به صورت روزمره از بافت‌های جنگلی و مقابله با پدیده جنگل خواری)، تهیه تصویر ماهواره‌ای دقیق از مناطق حادثه دیده در جریان بلای طبیعی، رصد آتش سوزی‌ها و ... از جمله کاربری‌های غیر نظامی این کلاس از ماهواره‌ها به حساب می آیند.

ارتقای بهره‌وری در حوزه کشاورزی، پایش دقیق منابع آبی کشور، مدیریت مخاطرات طبیعی، پایش تغییرات کاربری، ساخت و سازهای غیر مجاز و مقابله با زمین خواری، پایش مخاطرات زیست محیطی، پایش معادن و اکتشافات معدنی، پایش مرزهای کشور و بسیاری از کاربردهای دیگر از جمله کاربردهای داده‌های دریافت شده از این ماهواره خواهد بود.

می توان محورهای مطرح شده در این گزارش را در ۷ محور اساسی در قالب کارکردهای ماهواره «خیام» اعلام کرد:

۱- تهیه داده‌های مورد نیاز آمایش مجدد سرزمینی در بخش نقشه‌های

کاربردی جغرافیایی و نیز مناطق مناسب برای توسعه شهرهای جدید و وضعیت فعلی توسعه و گسترش نواحی شهری و رخدادهای جمعیتی و راه‌های مناطق روستایی

۲- پایش انواع مناطق زیست محیطی و جنگلداری و مراتع، نمایش و تهیه نقشه پوشش جنگلی، ارزیابی حجم و کیفیت جنگل، ارزیابی مناطق زراعی، تهیه نقشه مراتع برای استفاده دام‌ها

۳- پایش منابع آبی شامل شناسایی و تفکیک حوزه‌های آبخیز، تهیه نقشه پوشش برف و پیش بینی میزان آب حاصل از ذوب شدن برف و یخ، مطالعات در زمینه زهکشی مناسب، تهیه نقشه منابع آب‌های سطحی، مطالعات جزر و مد، شناسایی رودخانه‌ها و شبکه‌های آبی

۴- بررسی بلایای طبیعی شامل نمایش سیل و نزدیکی زمان وقوع آن (در صورت تأمین تصاویر در بازه‌های کوتاه)، ارزیابی خسارات ناشی از بلایای طبیعی (سیل، طوفان و زلزله و...)، ارزیابی آسیب‌های ناشی از آتش سوزی جنگل‌ها

۵- کشاورزی شامل ارزیابی وضعیت محصول، ارزیابی میزان خشکسالی، میزان امراض و آفت‌های گیاهی، نمایش گونه‌های مختلف گیاهی، تعیین سطح زیر کشت، نظارت روی رشد محصولات در عرصه کلان کشور

۶- خاک شناسی شامل شناسایی اراضی شور، شناسایی باتلاق‌ها، تخمین مواد موجود در خاک، مطالعه بافت سطحی خاک، مطالعه رطوبت خاک

۷- زمین شناسی شامل تهیه نقشه زمین شناسی و ژئومورفولوژی، مطالعات اکتشاف معدنی از قبیل نفت، ذغال سنگ، الماس، طلا و غیره، نمایش گدازه‌های زیرزمینی و فوران آتشفشانی، مطالعات در زمینه زمین لرزه و جابه‌جایی پوسته زمین و رانش زمین، بررسی مناطق کویری و بیابانی جهت فرسایش و پیشروی کویر

پازل

ساده

1		6	8					
	4	3		9	1		5	8
5		9			3	4	1	2
	7	8	1		6			3
	1						8	
3	9			8	7	1		
	5	4	7				3	
2		1		6	8	5		
	6			3	4	2		

خیلی ساده

			8	5	7	2		9
			9	4	2	6		
4		2		3		5	8	7
7	4	1			8	9	6	
	2	8		6	5	1	7	
	6		7	1		4		8
1	3	9	2	8	4	7	5	6
	8	5	6		1	3		4
			5			8		2

متوسط

				3				
						7	4	3
	3	7	6					2
					3	4		6
7				5		9	3	
		2	9			1		
9			8		5	6		
6	7					2	8	
2	8			6		3		

سخت

		1						2
		4		1				8
			4					1
					4			
		6	1	8				
		7	6			8		
			5					
			8					3
			2		7			8



گردشگری

«ژرنه»: تنها روستای ارمنی نشین کشور ۳۰/

از «تکیه شاهزاده خانم صفوی» چه می دانید؟ ۳۱/

مروری روی شکل گیری «تکیه دزاشیب» ۳۲/

قدیمی ترین سکونتگاه انسان در ایران کجاست؟ ۳۳/

کشف شهر تاریخی اوچان و پایتخت تابستانی ایلخانان ۳۴/

استرداد پرتو مظفرالدین شاه در دستور کار قرار گرفت ۳۶/

کدام کشور اروپایی بیش تر به گردشگری متکی است؟ ۳۸/

کارگاه

[۲۹]

ماهنامه داخلی شرکت عقاب افشان

شماره ۸۹ - مرداد ماه ۱۴۰۱

اسکاتیا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

w w w . o g h a b e f a n . i r . c o m



«زرنه»؛ تنهاروستای ارمنی نشین کشور

است، به طوری که به‌عنوان یکی از روستاهای هدف گردشگری اداره میراث فرهنگی محسوب می‌شود. جمعیت این روستا تحت تأثیر ییلاق و قشلاق است، به طوری که در تابستان جمعیت روستای زرنه بیشتر می‌شود.

وی ادامه داد: روستای زرنه در ۸ کیلومتری شهر بوئین میاندشت قرار دارد و جاده مواصلاتی آن آسفالت و از کیفیت نسبتاً مناسبی برخوردار است. ۳۵ خانوار در این روستا زندگی می‌کنند و کل جمعیت آن ۱۰۲ نفر و شغل ساکنان آن دامداری و کشاورزی است.

مسئول نمایندگی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان بوئین میاندشت، خاطر نشان کرد: در کل اقداماتی را برای شناساندن بهتر روستای زرنه انجام داده‌ایم، اما با توجه به اینکه تنها چند سال است که بوئین میاندشت، شهرستان شده، در سال‌های گذشته اقدامات مؤثری برای معرفی این روستا نشده است.

سه‌روزه به روستای زرنه می‌آمدند. جشن انگور و عید قربان از دیگر اعیاد ارمنیان این روستا است.

مسئول نمایندگی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان بوئین میاندشت گفت: البته عید قربان مسیحیان روستای زرنه متفاوت با عید قربان مسلمانان است که طی آن مسیحیان ۴۰ روز روزه می‌گیرند و از گوشت در این مدت استفاده نمی‌کنند. به مناسبت به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع) که طبق اعتقادات آنان برای مردم و در راه اعتلای بشریت قربانی و به صلیب کشیده شده، این روز را عید قربان نامیده‌اند و چیزی تحت عنوان سوگواری ندارند.

«زرنه»؛ تنهاروستای ارمنی نشین کشور

فرهادی تصریح کرد: یکی از ظرفیت‌های گردشگری روستای زرنه وجود بیشه‌زار «پلیستون» است که جاذبه طبیعی محسوب می‌شود. در کل روستای زرنه دارای جاذبه‌های گردشگری زیادی

مسئول نمایندگی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان بوئین میاندشت گفت: روستای تاریخی و دیدنی «زرنه» تنها روستای ارمنی نشین کشور است، اما هنوز به درستی از ظرفیت‌های گردشگری آن استفاده نشده است. جواد فرهادی درباره روستای زرنه که در شهرستان بوئین میاندشت قرار دارد، اظهار کرد: روستای زرنه تنها روستای ارمنی نشین کشور است که تمام ساکنان آن ارمنی و مسیحی هستند. در این روستا یک کلیسای تاریخی به نام «غوکاس» با قدمت ۲۵۰ سال وجود دارد که تاکنون چندبار مورد مرمت قرار گرفته است و هنوز هم از این کلیسا ارمنیان این روستا برای دعا و جشن گرفتن اعیاد استفاده می‌کنند. وی افزود: ارمنه این روستا چهار عید بزرگ دارند که هر کدام از این اعیاد مراسم خاص خود را دارد. یکی از آیین‌های این روستا مراسم «آب پاشان» است که تا قبل از کرونا حتی از خارج کشور برای انجام این مراسم

از «تکیه شاهزاده خانم صفوی» چه می‌دانید؟



نخستین تکیه در تهران را یک شاهزاده خانم صفوی بنا کرد و روی این اساس، به تکیه «خانوم» معروف بود. در برخی منابع تاریخی اشاره شده که خواهر شاه طهماسب صفوی، سنت ساخت تکیه را در تهران بنیان گذاشت.

به گزارش ایسنا، منابع و کتاب‌های تاریخ روند شکل‌گیری و گسترش تکیه‌های تهران را بیشتر به دوران قاجار نسبت می‌دهند، اما به نظر می‌رسد قدمت نخستین تکیه در تهران به دوران صفویان می‌رسد. در آن دوره تهران روستای کوچکی در شمال ری بود و از زمان شاه طهماسب صفوی به سمت شهری شدن پیش رفت.

شاه طهماسب صفوی برای زیارت، زیاد به ری سفر می‌کرد و به دلیل رفت‌وآمدهای زیادی که به تهران داشت، دورتادور آن را حصار، برج و بارو کشید. با کشیدن حصار، تهران به شهری کوچک و در آن دوره امن، تبدیل شد. خواهر شاه طهماسب در آن زمان مدرسه، حمام و تکیه در اطراف «چال میدان» که بیشتر تهرانی‌ها در اطراف آن محله زندگی می‌کردند، ساخت و از همان زمان، گذری در محله چال میدان شکل گرفت که تا سال‌های زیادی تهرانی‌های اصیل به آن «گذر خانوم» می‌گفتند. مدرسه، حمام و تکیه آن محله نیز به همین نام معروف بود.



مکانی برای سوگواری اهل بیت (ع) به‌ویژه در ماه محرم تبدیل شد. قبل از این، تکایا مکانی برای آداب و عبادات صوفیان بود. از آنچه در منابع ذکر شده به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین تکیه تهران «تکیه خانم» یا «تکیه خانوم» نام داشت.

اطلاعات چندانی از این تکیه در دست نیست؛ این‌که چرا خواهر شاه برای تهران تکیه ساخت، اما مسجد ساخت، جای بحث فراوان دارد و این‌که در فرهنگ و حکومت مردسالار آن روز ایران، زنی عهده‌دار تأمین چنین مرکزی شده نیز درخور تأمل است. به هر حال نخستین تکیه تهران را که در منابع تاریخی بدان اشاره شده می‌توان به دوره صفوی نسبت داد.

افغان‌ها به تهران خراب شد. بعد صاحب دیوان در جای آن حسینیه‌ای بنا کرد که اکنون مدرسه‌ای معروف به فرهنگ در همان محل است. موقوفات مربوط به این تکیه عبارت است از سه باب دکان، مسجد، گذر و حمام خانم و تکیه به مساحت ۳۰۰ متر در بخش ۹ عولاجان (اودلاجان).

در منابع تاریخی جدیدتری آمده است: حمام خانوم بعدها تخریب شده و امروز حمام «قبله» در چهارراه سیروس را به عنوان حمام خانوم می‌شناسند.

احمد مسجدجامعی - عضو سابق شورای شهر - در یکی از تهرانگردی‌هایش درباره تکیه خانم، گفته بود: «از زمان صفویان کارکرد تکیه‌ها در ایران دگرگون شد و به

از تکیه «خانوم»، معماری، مراسم و آیین‌هایی که در آن برگزار می‌شد، اطلاعات زیادی در منابع تاریخی وجود ندارد و در انگشت شمار منابع تاریخی به وجود این تکیه در زمانی که حصار تهران کشیده شد، اشاره‌ای شده است. روایت است این تکیه در اطراف بازارچه «نایب‌السلطنه» در خیابان پانزده خرداد کنونی واقع شده بود.

در کتاب «تاریخ تهران» به نوشته حجت حسینی بلاغی نیز آمده است: «اولین بنایی که پس از تکمیل بنای باروی شاه طهماسب در تهران ایجاد شده است تکیه، مدرسه و حمام خانم است که برحسب امر خواهر شاه طهماسب بنا شده است. از این آثار، فقط تکیه و حمام باقی است، اما مدرسه خانم در حمله

مروری روی شکل‌گیری «تکیه دزاشیب»



قدیمی هنوز هم میزبان مراسم‌های با شکوه عزاداری در ایام محرم است. همچنین هر روز نماز ظهر و شب در این حسینیه برپا می‌شود.

اما سقف کنونی این تکیه قدیمی در دهه هفتاد توسط استاد «محمود کاظمی» ساخته شده است. «تکیه دزاشیب» با همان سروشکل

تکیه دزاشیب (سیدالشهدا) یکی از تکیه‌های قاجاری محله شمیران است. قدمت آن در حدود ۱۲۰ سال تخمین زده می‌شود و یکی از تکیه‌های قدیمی شهر تهران به شمار می‌آید که همچنان نقش عزاخانه را دارد.

«تکیه دزاشیب» سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. گفته می‌شود این تکیه که ابتدا مسجد کوچکی بوده در دوران ناصرالدین شاه قاجار با همت مردم محله و رضاقلی خان مجدالممالک - از رجال قاجار - به ساختمان کنونی تبدیل شده است. ساختمان تکیه شامل دو تالار و تعدادی طاق‌نمای دو طبقه است. در گذشته هر یک از طاق‌نماهای تکیه در اختیار یکی از طایفه‌های دزاشیبی بود و هر طایفه پیش از آغاز محرم طاق‌نمای مخصوصش را زینت می‌داد و اسباب و وسایل پذیرایی و چایی در این طاق‌نماها آماده می‌کردند. بعد از پایان عزاداری، طاق‌نماهای ضلع غربی تکیه را باز می‌کردند و تکیه به یک بازارچه محلی تغییر کاربری می‌داد. در این تکیه، کتبه‌های قرآنی و روایت «نادعلی» و ترکیب‌بند محتشم کاشانی و اسباب و ابزارهای عزاداری، مانند علامت و طوق وجود دارد که زیبایی‌های آن را دوچندان کرده است.

در تالار شاه‌نشین آن با طاق‌نماهای مختلف، یک حوض مرمری وجود دارد و در یکی از این طاق‌نماها نخل قدیمی تکیه که جایگزین اولین نخل «تکیه دزاشیب» است، قرار دارد. در گذشته نخل‌گردانی یکی از آیین‌های عزاداری تکیه دزاشیب بود که این روزها دیگر خبری از آن نیست و فقط به صورت نمادین در روز عاشورا در فضای تکیه نخل را به گردش درمی‌آورند. در اوایل دوره پهلوی دوم، به همت حاج محمدعلی عباسی معروف به حاج یخچالی برای این تکیه که تا آن زمان سقف نداشت، سقف شیروانی ساخته می‌شود،



قدیمی ترین سکونتگاه انسان در ایران کجاست؟

کرد: نتایج مقدماتی حاکی از سنی فراتر از ۴۰۰ هزار سال برای نهشته‌های فرهنگی محوطه غار قلعه کرد است که این سن، غار قلعه کرد را مبدل به قدیمی ترین سکونتگاه بشر در ایران کرده است.

وی با بیان اینکه سن یاد شده در کنار دست‌افزارهای سنگی به دست آمده از این غار، حاکی از این است که غار قلعه کرد، پیش از انسان نئاندرتال نیز محل سکونت گونه‌های دیگر انسانی همچون انسان هایدلبرگ و یا احتمالاً نوعی از انسان راست قامت بوده است، گفت: تاکنون دو نوع اسب پیش از تاریخی منقرض شده، گوزن، خرس قهوه‌ای و کرگدن در بقایای جانوری به دست آمده از این محوطه شناسایی شده است. وحدتی نسب با اشاره به اینکه بودجه کاوش‌های یادشده توسط اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین فراهم شده است، گفت: سه فصل کاوش در غار قلعه کرد به روشنی حاکی از این امر است که این محوطه حداقل نیازمند ۱۰ سال کاوش مستمر است.

این محوطه در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ توسط هیئت مشترک ایران و فرانسه در حالی پایان یافت که بیشترین زمان کاوش صرف خواناسازی گودال‌های ایجاد شده توسط حفاران غیرمجاز شد.

این باستان شناس مهمترین دستاورد فصل دوم کاوش غار قلعه کرد را کشف دندان کودک انسان نئاندرتال با قدمت ۱۵۵ هزار سال پیش اعلام کرد که هم‌اکنون در موزه قزوین برای بازدید عموم قرار دارد و تصریح کرد: وقفه‌ای ۳ ساله در کاوش به خاطر وقوع کرونا، این فرصت را به پژوهشگران داد تا مطالعات سن‌سنجی مطلق را با روش‌های متنوعی انجام دهند.

وحدتی نسب گفت: به دلیل قدمت بالای مواد فرهنگی غار قلعه کرد، انجام سن‌سنجی به روش معمول کربن ۱۴ که تنها تا گستره ۴۵۰۰۰ سال امکان‌پذیر است، در این غار ممکن نبود از همین رو از دو روش تشدید چرخش الکترون (ESR) و اورانیوم/توریم استفاده شد.

سرپرست هیئت باستان‌شناسی اظهار

سرپرست هیئت باستان‌شناسی و کاوش در غار قلعه کرد آوج در استان قزوین گفت: نتایج مقدماتی حاکی از سنی فراتر از ۴۰۰ هزار سال برای نهشته‌های فرهنگی محوطه این غار قلعه است که این سن، غار قلعه کرد را مبدل به قدیمی ترین سکونت‌گاه بشر در ایران کرده است.

سومین فصل از کاوش مشترک تیم ایران و فرانسه در غار قلعه کرد آوج واقع در استان قزوین به سرپرستی مشترک حامد وحدتی نسب از دانشگاه تربیت مدرس و ژیل بریون از موزه انسان‌شناسی پاریس با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در حال انجام است.

حامد وحدتی نسب سرپرست هیئت باستان‌شناسی ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ با اعلام این خبر گفت: غار قلعه کرد از زمره مهم‌ترین محوطه‌های پارینه‌سنگی در ایران و خاورمیانه است که قبلاً توسط باستان‌شناسان استان قزوین مورد شناسایی و مطالعه مقدماتی قرار گرفته بود.

وی افزود: نخستین و دومین فصول کاوش

کشف شهر تاریخی اوجان و پایتخت تابستانی ایلخانان



گرفته است، گفت: در چهار فصل بررسی حدود ۷۰۰ محوطه تاریخی با استفاده از مستندات مهم و توصیف‌های ارائه شده از شهر اوجان در متون تاریخی و جغرافیایی بخصوص تصویری که نصح مطراچی نقاش سلطان سلیمان عثمانی از این شهر ارائه کرده است، محل دقیق شهر تاریخی اوجان توسط هیأت باستان‌شناسی دانشگاه تهران در بررسی باستان‌شناسی منطقه اوجان در سال ۱۳۹۲ مورد شناسایی و مکان‌یابی قرار گرفت. ولایتی با یادآوری اینکه کار مطالعاتی و بررسی منطقه به مدت ۱۰ سال طول کشیده است، خاطرنشان کرد: در این ۱۰ سال دهستان‌ها و مناطق مختلفی مورد بررسی و کاوش قرار گرفتند تا اینکه پس از بررسی دقیق و روشمند و مکان‌یابی توسط هیأت باستان‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۵، شناسایی و تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی اوجان با کاوش گمانه‌هایی در محدوده شهر که با آشکار شدن لایه‌های فرهنگی و معماری و بستر شهر موقعیت گمانه بعدی را روشن می‌کرد ادامه پیدا کرد و هیأت باستان‌شناسی در تابستان ۱۳۹۵ با دریافت مجوز از میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی و پژوهشگاه وزارت میراث فرهنگی با حفر ۴۲ گمانه عرصه و حریم شهر را در غرب جاده آسفالته روستاهای دهستان اوجان غربی معین کرد. وی به کشف برخی اشیاء در این محوطه (شامل ظرف شکسته فقاع ایلخانی با تزئینات سنگ

شهر تاریخی اوجان کاملاً مدفون در خاک است که با تلاش‌ها و پژوهش‌های انجام شده از سوی هیأت باستان‌شناسی دانشگاه تهران، بخشی از شهر از جمله قلعه حکومتی، کاوش و از دل خاک بیرون آورده شده و اکنون حفاظت از آن برعهده اداره کل میراث فرهنگی آذربایجان شرقی است. سرپرست این تیم باستان‌شناسی درباره این کشف تاریخی گفت: با توجه به اسناد و شواهد تاریخی که درباره این شهر و قلعه حکومتی ایلخانان وجود داشت، کار مطالعاتی و بررسی منطقه را از سال ۱۳۸۵ آغاز کردیم و تیم تحقیقاتی ما تا سال ۱۳۹۵ مشغول مطالعه و بررسی منطقه بودند و توانستند در چند مرحله کاوش، یافته‌های ارزشمندی به دست آورند. ولایتی افزود: در این بررسی و کاوش حدود ۹۵ هکتار از محوطه شهر تاریخی اوجان از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی و کاوش میدانی گروه پژوهشی دانشگاه تهران قرار گرفت. وی درباره چگونگی کشف شهر تاریخی اوجان توسط هیأت باستان‌شناسی دانشگاه تهران، اظهار داشت: اولین پژوهش دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ با انجام فصل اول بررسی روشمند باستان‌شناسی دو دهستان شرقی منطقه عمومی اوجان (شهرستان بستان‌آباد امروز) آغاز شد. عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران با بیان اینکه این کشف تاریخی با بررسی بیش از ۷۰۰ محوطه تاریخی منطقه صورت

پژوهشگران باستان‌شناس دانشگاه تهران پس از ۱۰ سال بررسی و کاوش میدانی، موفق به کشف شهر تاریخی اوجان و پایتخت تابستانی ایلخانان در استان آذربایجان شرقی شدند.

گروه پژوهشی باستان‌شناسی دانشگاه تهران به سرپرستی دکتر رحیم ولایتی عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی موفق شدند پس از ۱۰ سال بررسی و کاوش میدانی، شهر تاریخی اوجان را شناسایی و بخشی از ارگ حکومتی آن را از دل خاک بیرون بکشند.

اوجان یکی از شهرهای استان آذربایجان شرقی در دوره سلجوقیان و ایلخانان مغول بوده که در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن مقطع نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است، به طوری که غازان خان پادشاه مشهور و فرهنگ‌دوست مغول در دوره ایلخانی در این شهر ساخت و سازهایی انجام داده و آن را «دارالاسلام» نامید.



ده پهلوان به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حین پروژه میدانی از قبیل روش بررسی و کاوش میدانی، مستندنگاری، ثبت و ضبط دقیق یافته‌های باستان‌شناسی، آشنایی با دوربین‌های نقشه‌برداری، شناخت بقایای جانوری، انسانی و گیاهی اشاره کرد.

به سبک معماری صفوی باز شده است. دکتر ده پهلوان رییس مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران نیز از تغییر رویکرد این مؤسسه در کاوش‌های آموزشی باستان‌شناسی خبر داد.

وی به یافته‌های اخیر باستان‌شناسان دانشگاه تهران در منطقه اوجان اشاره کرد و گفت: تا سال قبل بیشتر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی مؤسسه باستان‌شناسی متمرکز در دشت قزوین بود اما از امسال گروه باستان‌شناسی تغییر رویکردی را با هدف تربیت و آموزش دانشجویان در شرایط جغرافیایی مختلف و پروژه‌های میدانی متنوع باستان‌شناسی داشته است.

رییس مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران تصریح کرد: تمام تلاش ما در مؤسسه این است که آموزش دانشجویان باستان‌شناسی در سطح دانشگاه تهران باشد و دانشجویانی را تربیت کنیم که از توانایی‌های لازم برای همکاری با هیأت‌های باستان‌شناسی بین‌المللی و داخلی برخوردار باشند.

ده پهلوان به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حین پروژه میدانی از قبیل روش بررسی و کاوش میدانی، مستندنگاری، ثبت و ضبط دقیق یافته‌های باستان‌شناسی، آشنایی با دوربین‌های نقشه‌برداری، شناخت بقایای جانوری، انسانی و گیاهی اشاره کرد.

ده پهلوان با تاکید روی رویکرد فعالیت‌های مؤسسه باستان‌شناسی در همه نقاط ایران به یافته‌های اخیر پژوهشگران دانشگاه تهران در منطقه اوجان اشاره کرد و افزود: استان آذربایجان شرقی و منطقه بستان‌آباد از حیث میراث فرهنگی یک منطقه بسیار غنی است و اگر مؤسسه باستان‌شناسی بتواند روی فعالیت در این منطقه تمرکز داشته باشد دستاوردهای پژوهشی بسیاری خواهد داشت و ضمن اینکه دانشگاه تهران می‌تواند از پایگاه ملی باستان‌شناسی شهر اوجان برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و تربیت دانشجویان باستان‌شناسی بهره‌مند شود.

فیروزه) اشاره کرد و اظهار داشت: این کاوش به لحاظ معماری بسیار مهم است، هر چند سفالینه‌ها و اشیایی نیز در این منطقه کشف شده‌اند اما آنچه که این کاوش را با اهمیت می‌کند ارزش معماری و آثار معماری این شهر و قلعه حکومتی ایلخانان است.

وی افزود: علاوه روی شناسایی ۴ قبرستان اسلامی از دوره سلجوقیان و ایلخانان و معاصر در محدوده عرصه شهر، شناسایی ارگ و قلعه حکومتی شهر به عنوان بزرگترین بنای باقیمانده از زمان تأسیس شهر که در دوره ایلخانان مرمت و بازسازی شده است دارای اهمیت است. همچنین شواهدی از دو برج آرامگاهی از دوره سلجوقی و ایلخانی و محل دستکندی در جبهه غربی شهر به دست آمده است که احتمالاً کارکرد غار معبد بودایی دوره ایلخانی داشته است.

سرپرست هیأت باستان‌شناسی دانشگاه تهران با تشریح وضعیت و معماری بنای کشف شده، گفت: در این دوره از کاوش‌ها یک مجموعه معماری متشکل از برج مدور و دیوارهای بیرونی بنایی بزرگ قلعه یا ارگ حکومتی نمایان شد.

ولایتی با توضیح اقدامات انجام شده در سال ۱۴۰۱ گفت: تصور ما از فضای داخلی قلعه این بود که روی اساس نمای بیرونی انتظار داشتیم که فضای داخلی قلعه حکومتی متشکل از چند اتاق با دیوار سنگی با ملاط گچ باشد ولی بعد از شروع کاوش و آواربرداری و پیدا شدن ستون‌ها با پایه مربع، مشخص شد فضای داخلی قلعه از یک تالار ستون‌دار بزرگ تشکیل شده است.

وی یادآور شد: روی اساس منابع مکتوب در دوره سلجوقیان و ایلخانان، ورودی قلعه در جبهه شرقی بوده است اما پس از کاوش این بخش در عمق ۳۰ سانتی‌متری بخش بزرگی از ستون دروازه با گچ‌بری و مقرنس کاری بیرون آمد که پس از ادامه کاوش مشخص شد که در دوره صفویه ورودی شرقی قلعه پس از یک زلزله شدید و تخریب گسترده قلعه با یک دیوار سنگی به سبک صفوی بسته شده و در مقابل از جبهه غربی ورودی دیگری

حراجی کریستیز باید اعلام می‌کند

استرداد پرتره مظفرالدین شاه در دستور کار قرار گرفت



مدیرکل موزه‌های وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: پرتره مظفرالدین‌شاه در فاصله سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۶۱، از مجموعه کاخ گلستان خارج و بعدها از طریق قاچاق به خارج از کشور منتقل و به فروش رفته است که مطابق با قوانین بین‌المللی، اقدام برای بازگرداندن آن در دستور کار قرار گرفته است.

مرتضی ادیب زاده با انتشار تصویری از پرتره مظفرالدین‌شاه قاجار اثر استاد کمال‌الملک در حساب کاربری خود در اینستاگرام و به منظور شفاف‌سازی موضوع در خصوص این اثر و بررسی چگونگی خروج این اثر از کاخ گلستان و متعاقب آن، فروش در حراج کریستیز لندن در سال ۲۰۰۰، نوشت: به اطلاع می‌رساند طی روزهای اخیر بررسی جامعی روی روی دفاتر اموالی کاخ گلستان متعلق به سال‌های ۱۳۱۲، ۱۳۱۷ و ۱۳۶۱ صورت گرفت.

مدیرکل موزه‌های میراث فرهنگی افزود: روی اساس نتایج بررسی‌ها، نام تابلو و مشخصات دقیق آن از جمله ابعاد (همراه با قاب) در دفتر سال ۱۳۱۲ ثبت شده است، اما جزو اموال بنای موسوم به خوابگاه (اندرونی ناصرالدین شاه) ثبت شده است و نه کاخ اصلی و تالار برلیان. وی تصریح کرد: به نظر می‌رسد پیش از سال ۱۳۱۲ تابلوهایی شاهان قاجار در اوایل دوره پهلوی اول از تالار آینه خارج شده و به بنای خوابگاه منتقل شده‌اند و در دفتر سال ۱۳۱۷ مجدداً این تابلو جزو اموال انتقالی از خوابگاه به کاخ گلستان ثبت شده است.

ماجرای پرتره مظفرالدین‌شاه در گلستان چه بود؟

به گزارش ایرنا، مدتی پیش یک فعال رسانه‌ای در فضای مجازی با اشاره به مستندات دو نفر از تاریخ‌پژوهان دوره قاجار، تصویری از پرتره مظفرالدین‌شاه را منتشر کرد و با استناد به سخنان دو کارمند سابق موزه (که هیچ نام و نشانی از آنها عنوان نشده) مدعی شد «پرتره رنگ و روغن مظفرالدین‌شاه قاجار اثر شاخص کمال‌الملک که در تالار برلیان کاخ گلستان قرار داشته در سال ۱۳۷۸ از این کاخ خارج و در حراج کریستیز لندن، در ۲۳ فروردین ماه ۱۳۷۹ (یازدهم آپریل سال ۲۰۰۰) به مبلغ ۴۴ هزار و ۶۵۰ پوند انگلیس فروش رفته است».

در پرتره مظفرالدین‌شاه، شاه قاجار یونینفرم مخصوص به تن کرده که با مدال‌هایی زینت بخشیده شده است. او کلاه سیاه پَر داری جواهرنشانی به سر دارد و درحالی که سبیل‌هایش را تاب داده، به روبه‌رو خیره شده است. اطلاعات این تابلورنگ روغن در وب‌سایت حراجی کریستیز موجود است که در آن نوشته شده که تابلو اثری از کمال‌الملک است، در سمت چپ پایین تابلو نیز امضایی از کمال‌الملک - نقاش ایرانی - دیده می‌شود. قدمت نقاشی سال ۱۳۱۹ هجری قمری / ۱۹۰۱-۲ میلادی اعلام شده است. در حراجی سال ۲۰۰۰ میلادی، قیمت برآورد شده برای

مدیرکل موزه‌ها خاطر نشان کرد: در دفاتر سال ۱۳۶۱ که مربوط به وزارت فرهنگ و هنر وقت است، هیچ نشانی از نام تابلو مذکور نیست. ادیب زاده افزود: قطعاً تابلو متعلق به کاخ گلستان است و در فاصله سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۶۱، از مجموعه کاخ خارج و بعدها از طریق قاچاق به خارج از کشور منتقل و به فروش رفته است.

مدیرکل موزه‌ها تأکید کرد: در حال حاضر، آنچه حائز اهمیت است، خروج غیر قانونی اثر است. از این رو این اداره کل روی اساس وظیفه ذاتی خود و مطابق با قوانین بین‌المللی، اقدام لازم جهت بازگرداندن اثر مذکور را در دستور کار قرار داده است.

وی در توضیح نکات ارائه شده افزود: تصمیم به ساخت عمارت خوابگاه ناصری در جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۳ ق اتخاذ شد. در تاریخ ۹ رجب سال ۱۳۰۴ ق ساخت بنا به اتمام رسید و شاه به این عمارت نقل مکان کرد.

در دوره رضاشاه جزو اموال تحویل شده وزارت دارایی در آمد و مدت‌ها محل حوزه وزارتی بود. این ساختمان تا سال ۱۳۳۵ پا روی جا بوده است و مستندات تصویری نیز در این ارتباط وجود دارد. خوابگاه ناصری در اوایل سال ۱۳۴۰ یعنی دوره پهلوی دوم تخریب می‌شود.

«در تالار برلیان؛ تابلویی از مظفرالدین شاه نداشتیم. اصلاً تابلوی ایرانی نداشتیم و تمام تابلوها خارجی هستند. این تابلوها هم اکنون هم در تالار برلیان هستند. اگر چنین اثری وجود داشته و نامی از آن در اسناد آورده نشده باشد، بحث جداگانه‌ای است. از سال ۱۳۵۰ که در کاخ گلستان بودم چنین تابلویی در عمارت برلیان نبوده است.»

سیدمحمد بهشتی عضو شورای عالی میراث‌فرهنگی و گردشگری، رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی نیز در گفت‌وگویی درباره ادعاهای مطرح شده، بیان کرد: اگر کسی سندی مبنی روی اینکه پرتره مظفرالدین شاه گم شده و در حراج کریستیز به فروش رفته است، ارائه کند، سازمان میراث فرهنگی به راحتی می‌تواند شکایت کند. کشور ما عضو کنوانسیون استرداد اموال فرهنگی است و اگر اثری از میراث فرهنگی کشور ما در هر کجای دنیا عرضه شود، سازمان میراث فرهنگی می‌تواند به پلیس اینترپل شکایت کند تا اثر را توقیف به کشور مبدا بازگرداند. این آثار به راحتی از طریق شکایت به کشور بازگردانده می‌شوند، همان‌طور که سال‌های قبل از موزه‌های ما آثاری به خارج از کشور منتقل شده بودند که به موزه‌های ما مسترد شدند.

وی تاکید کرده است: چنانچه در یکی از دفاتر اموال ثبتی، نامی از این تابلو، ثبت شده باشد و مشخص شود که این اثر از کاخ گلستان خارج شده است، روی اساس مستندات برای استرداد آن اقدام می‌کنیم و پرونده اینترپل را تشکیل می‌دهیم.

مرتضی ادیب‌زاده مدیرکل موزه‌ها و اموال تاریخی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها اعلام کرد که «کارشناسان در مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان در حال بررسی اسناد و مدارک و دفاتر ثبت اموال تا سال ۱۳۱۷ خورشیدی هستند. دفتری هم به سال ۱۳۱۲ مربوط می‌شود که اگر چه اموال ثبت شده در دفتر سال ۱۳۱۷ به آن وارد شده است، اما در حال بررسی دفتر سال ۱۳۱۲ هم هستند و روی تمام اسناد کار می‌کنند.

تصاویر منتشر شده که هنوز اصالت سنجی هم نشده اند، سندی که نشا دهد اولاً چنین تابلویی در کاخ برلیان بوده و اینکه چه زمانی از دیوار پایین آمده یا خارج شده در مجموعه وجود ندارد.

امامی درباره عکس‌های منتشر شده گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عکس مربوط به دوران بعد از انقلاب نیست، زیرا در این دوران حتی در دوران قبل از آن در دوره پهلوی دوم عکس‌ها رنگی منتشر می‌شده در حالی که عکس‌های منتشر شده سیاه و سفید است. این عکس حتی اگر اصالت هم داشته باشد، مربوط به دوره قاجار است و با دوربین آنالوگ و به صورت سیاه و سفید گرفته شده است.

وی تصریح کرد: در بررسی‌های دقیق اولیه همین عکس‌ها با تصویر پرتره میان اثر فروخته شده با عکس تالار برلیان تفاوت‌هایی وجود دارد، تزیینات مربع شکل طلایی که در تابلوی منسوب به کریستیز دیده می‌شود، که در تصویر تالار برلیان اصلاً وجود ندارد. حتی قاب بیضی شکلی که در تصاویر دیده می‌شود، فرق دارد. با همه مواردی که درباره این تصاویر در این چند روز مطرح شده، ما بررسی‌هایی را آغاز کردیم تا صحت بودن یا نبودن و سرانجام تابلوی موجود در عکس‌ها را کشف کنیم.

امامی تصریح کرد: هیچ‌یک از امنای اموال ما چنین اثری را از اولین امین اموال کاخ گلستان که پس از انقلاب بوده است تاکنون چنین اثری را ثبت نکرده‌اند که اکنون بگوییم این اثر گم شده است. از سال ۱۳۶۱ هم که اموال شماره‌گذاری و فهرست می‌شوند، این اثر جزو آثار کاخ گلستان نبوده است اما ما فهرستی داریم که مربوط به دوره پهلوی است و قرار است طی چند روز آینده این فهرست را بررسی کنیم و مطمئن شویم که آیا این اثر در دوره پهلوی وجود داشته است یا خیر؟

احمد دزواره‌ای رئیس مجموعه کاخ گلستان (در سال‌های اوایل انقلاب تا ۱۳۸۶) همان روز انتشار چنین اخباری درخصوص خروج تابلوی پرتره مظفرالدین شاه در سال ۱۳۷۸ از کاخ گلستان کذب دانست و توضیح داد

فروش این تابلو، رقمی بین ۱۲ تا ۱۸ هزار پوند انگلیس بود، اما در نهایت به مبلغ ۴۴ هزار و ۶۵۰ پوند فروخته شد.

کارشناسان و مدیران میراث فرهنگی و کاخ گلستان نیز با رسانه‌های مختلف گفت‌وگو کردند.

آفرین امامی مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی گلستان در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها توضیح داد که «از همه چهارده امین اموال کاخ گلستان درخصوص وجود چنین تابلویی در فهرست اموال تحویلی به آنها پرس‌وجو شده است، چنین اثری و تابلویی از پرتره مظفرالدین شاه در فهرست تحویلی هیچ یک از این امین اموال‌ها نبوده است. البته در بررسی اسناد مرکز اسناد کاخ گلستان هستیم این قابلیت وجود دارد، آثار دوره پهلوی ردیابی شود. مسؤولان کاخ گلستان بررسی‌های لازم درباره بودن یا نبودن این پرتره را انجام می‌دهند که اساساً آیا چنین تابلویی در اموال دوره پهلوی بوده وجود داشته است؟»

وی افزود: باید به این نکته توجه کرد که در دوره قاجار رسم بوده برخی آثار هنری را هدیه می‌دادند، اگر تحقیقات نشان دهد که این تابلو در میان اموال دوره پهلوی هم نبوده است می‌توان این احتمال را هم در نظر گرفت که ممکن است در دوره قاجار وجود داشته اما به دوره پهلوی نرسیده است، این در حالی است که در وهله اول باید اصالت عکس و تصویر آن تایید شود.

امامی بیان کرد: بررسی‌ها نشان می‌دهد که از زمانی که کاخ گلستان ابواب جمعی داشته و آثار به امنای اموال تحویل داده شده است، تابلو پرتره مظفرالدین شاه در هیچ کدام از فهرست‌های ابواب جمعی کاخ گلستان نبوده است. البته این مجموعه از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ توسط گروهی اداره و آثار شماره‌گذاری شدند، در آن سال‌ها کاخ گلستان در زمره وزارت فرهنگ و هنر و آثار ملی نبود و بخشی از اداره دارایی بود.

مدیر مجموعه جهانی کاخ گلستان افزود: امین اموال جدید، فهرست‌های خود را از امین اموال قبلی تحویل می‌گیرند روی اساس

کدام کشور اروپایی بیش‌تر به گردشگری متکی است؟



سایر نقاط قاره اروپا این ارقام امسال افزایش خواهد یافت؛ چراکه بسیاری از کشورها با افزایش شمار بازدیدکنندگان مواجه هستند. آمارهای مربوط به سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد این ارقام کاهش پیدا کرده است. گردشگری در ایرلند فقط ۱.۲ درصد از کل اقتصاد کشور را دربر می‌گیرد و در لهستان نیز کمتر از ۳ درصد.

محبوب‌ترین کشورهای اروپا هر ساله میلیون‌ها گردشگر جذب می‌کنند، این درحالی است که این کشورها کمتر از همسایگانشان به این گردشگران متکی هستند.

فرانسه محبوب‌ترین کشور اروپا از نظر گردشگری است؛ چراکه پیش از همه‌گیری ویروس کرونا سالانه ۹۰ میلیون نفر به این کشور سفر می‌کردند. این درحالی است که «مونته‌نگرو» کمی بیشتر از ۲.۵ میلیون گردشگر جذب کرده است.

گردشگران برای شهرهای فرهنگی، منظره‌های زیبا و غذای لذیذ فرانسه به این کشور سفر می‌کنند، اما پیش از همه‌گیری کرونا، گردشگری کمتر از یک‌دهم از تولیدات ناخالص داخلی فرانسه را در برمی‌گرفت و در سال ۲۰۲۱ این رقم ۶.۵ درصد اعلام شد.

در سال ۲۰۱۹، «کرواسی» نیز در رتبه دوم کشورهای اروپایی با بیش‌ترین وابستگی اقتصادی به صنعت گردشگری قرار گرفت. در سال ۲۰۱۹، حدود یک‌چهارم از تولیدات ناخالص داخلی «کرواسی» به گردشگری اختصاص داشت. این آمار در سال ۲۰۲۱ به ۱۶.۱ درصد کاهش یافت.

پیش از همه‌گیری ویروس کرونا، صنعت گردشگری در بیش از یک‌پنجم تولیدات ناخالص داخلی یونان، ایسلند و آلبانی سهم داشت. هم‌اکنون این آمار در هر یک از این کشورها به کمتر از یک‌ششم رسیده است.

از طرفی، در سال ۲۰۱۹ برخی از کشورها به مقدار بسیار کم از نظر اقتصادی به صنعت گردشگری متکی بودند. این کشورها همچنین از زمان لغو محدودیت‌های مرزی، در جذب گردشگر ناموفق بوده‌اند.

در سال ۲۰۱۹، ایرلند ۴.۲ درصد از تولیدات ناخالص داخلی را از صنعت گردشگری تامین کرد. این آمار برای لهستان ۴.۸ درصد و برای روسیه ۵ درصد بود.

در سال ۲۰۲۱، گردشگری ۳.۷ درصد از تولیدات ناخالص داخلی کشور روسیه را به خود اختصاص داد، اما انتظار می‌رود این رقم در سال جاری بیش‌تر کاهش پیدا کند، اما در

گردشگران اجازه پیدا کرده‌اند به سراسر اروپا سفر کنند، اما «مونته‌نگرو» بیش از سایر نقاط اروپا آغوش خود را به روی گردشگران باز کرده است؛ چراکه گردشگری بیش از ۲۵ درصد از درآمد این کشور را دربرمی‌گیرد.

به گزارش ایسنا به نقل از یورونیوز، «شورای جهانی سفر و گردشگری»، کشورها اروپایی که پیش از شیوع ویروس کرونا و حتی در وضعیت فعلی، از نظر اقتصادی بیش‌تر به صنعت گردشگری متکی هستند را معرفی کرد.

این مقایسه با بررسی تولیدات ناخالص داخلی هر کشور صورت گرفته است. در سال ۲۰۱۹، در کشور کوچک «مونته‌نگرو» صنعت گردشگری نزدیک به یک‌سوم از تولیدات ناخالص داخلی کشور را دربرمی‌گرفت و اکنون ۲۵.۵ درصد از تولیدات ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است.

از زمانی که محدودیت‌های مسافرتی مربوط به همه‌گیری ویروس کرونا کاهش پیدا کرد، مقام‌های کشورهای مختلف تلاش می‌کنند گردشگران را جذب کنند. در کشورهایی که اقتصاد آن‌ها به شدت به حضور گردشگران متکی است، جذب گردشگر یک امر ضروری است.

فرهنگ و هنر

هوشنگ ابتهاج در «سایه» ۴۰/

«هادی و هدی» در زمان خودش تازه بود/۴۲

چرا فیلم‌های اندکی درباره آزادگان ساخته شده است/۴۴

حضور مافیادراقتصاد موسیقی ایران/۴۸

آدم‌هایگر عاشق نیستند!/۵۰

کارگاه

[۳۹]

ماهنامه داخلی شرکت عقاب افشان

شماره ۸۹ - مرداد ماه ۱۴۰۱

اسکایا

علم و فناوری

کریستال

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

هوشنگ ابتهاج در «سایه»



دلش نمی‌خواست شناخته شود ولی می‌گفت قسمت زیادی از آن‌چه را می‌خواهد بگوید بلد است بگوید، یعنی راه‌حلی برای گفتن آن پیدا کرده است؛ «سایه» اما به قول شفیعی کدکنی در چکاد بلندی ایستاده بود که به انکار دیگران نیازی نبود.

«من (امیر هوشنگ) تنها پسر «آقاخان» ابتهاج و «فاطمه رفعت» به‌شمار می‌رفتم. بعد از من سه تا دختر به‌دنیا آمدند و ضمناً یک پسر هم قبل از من، نیامده رفت. خیلی برای خانواده‌ام اهمیت داشتم و خیلی عزیز کرده، خودسر، خودرأی، لوس و از خودراضی بار آمده بودم! تا دوازده سیزده‌سالگی من، اگر کسی حال مرا از مادرم می‌پرسید، زارزار گریه می‌کرد و می‌گفت که یک پسر دارم که آن‌همه دیوانه است. هرچه می‌گفتند: خانم‌جان! پسر بچه‌ها این‌طورند و بزرگ می‌شوند، خوب و عاقل می‌شوند، می‌گفت که دیگر کی می‌خواهد عاقل شود؟»

الخط خودش منتشر کردیم.

امیر هوشنگ ابتهاج، متخلص به سایه، متولد ششم اسفند ۱۳۰۶ در شهر رشت بامداد چهارشنبه ۱۹ مردادماه ۱۴۰۱ پس از ۹۵ سال زندگی درگذشت. این شاعر نخستین اثرش به نام «نخستین نغمه‌ها» را در سال ۱۳۲۵ منتشر کرد. از دیگر آثار او به «سراب»، «سایه‌مشق»، «شبگیر»، «زمین»، «چند برگ از یلدا»، «تا صبح شب یلدا»، «یادگار خون سرو» و... را می‌توان اشاره کرد. یکی از معروف‌ترین سروده‌های او «ارغوان» است که در قالب آثار موسیقایی هم عرضه شده است. او نخستین فرزند فاطمه رفعت و میرزا آقاخان ابتهاج و تنها پسر خانواده بود. می‌گفت تا نوزده‌سالگی در رشت زندگی کرده؛ در خانه‌ای ابتدای محله استادسرای رشت؛ جایی که قرار بود موزه و «بنیاد شعر و غزل سایه» شود، اما یک روز جمعه در فروردین سال ۱۳۹۸ برای همیشه ویران شد. دختر امیر هوشنگ ابتهاج خوشحال بود که می‌خواهند خانه را به نام «سایه» برای شعر، فرهنگ و هنر نگاه‌دارند، می‌گفت: «دوخانه از «سایه»، یکی خانه مادری در رشت که «سایه» در آن به‌دنیا آمده و اولین شعرهایش را در آن سروده و دیگری «خانه ارغوان» در تهران به یادگار مانده است.» اما حالا یکی از آن دوخانه به‌طور کامل تخریب شده و دیگری هم در تملک و

خیلی اذیت‌کننده و آزارگر بودم. یک بچه کوچک‌تر از خود را با طناب می‌بستم و از درخت آویزان می‌کردم. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه عنصری که در ضلع جنوبی باغ سبزه‌میدان بود، گذراندم؛ بعد مرا گذاشتند مدرسه قآنی که پشت خانه ما در سبزه‌میدان و آن طرف در ته کوچه بود، بعد از آن‌جا برای کلاس هشتم به مدرسه شاپور که کلاس‌های چهارم و پنجم متوسطه را آن‌جا خواندم. در مورد من می‌گفتند که: او در پی آموختن و یادگرفتن است اما در درس و کار مدرسه چندان کوشا و ساعی نیست و زیاد به آن توجه نشان نمی‌دهد. آشپزی، گلدوزی، خیاطی، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، ورزش (کشتی و وزنه‌برداری) هر کدام در دوره‌ی علاقه من را به خود جلب می‌کرد. یکی از آن چیزهایی که خیلی برایم جالب بود، آشپزی بود. در همان هشت - ده‌سالگی برای غذا پختن و یادگرفتن حرص می‌زدم و همواره از درس گریزان بودم. چنان‌که هنگامی که به تهران آمدم و در مدرسه تمدن نام‌نویسی کردم، در آن‌جا کلاس پنج متوسطه را رد شدم، بعد هم دیگر به مدرسه نرفتم و درس خواندن را رها کردم». آن‌چه در بالا آمد، بخشی از زیست‌نامه خودنوشت «سایه» است که در سی و چهارمین شماره از نشریه «حافظ» (شهریور ۱۳۸۵) با یک شعر از او منتشر شد و ما به‌رسم

فرزندانش در آن زندگی کند. خانه براساس طرحی از مهندس ابتکار ساخته شد. او شوهر عمه ابتهاج بود و به همین سبب شاعر این امکان را پیدا کرد تا در تمام مراحل ساخت خانه نظارت مستقیم داشته باشد. به‌ویژه که همزمان با ساخت ابتهاج خانواده خود را به آنجا منتقل کرد و به همراه آن‌ها در همان خانه نیمه‌ساز سکونت کرد.» (مرتضی رحیم نواز، نویسنده و کارشناس ارشد ادبیات فارسی)

خانه ارغوان در محدوده خیابان فردوسی، هرچند سال ۱۳۸۷ ثبت ملی شده، اما روی دیوارهای آجری قرمز رنگ آن نه از نام و نشان هوشنگ ابتهاج خبری است و نه موزه و بنیاد شعری همنام سایه در آن بنا شده است. خانه دوطبقه خیابان انوشیروانی فردوسی به همراه درخت ارغوان، سال‌هاست در تملک شرکت سیمان تهران قرار دارد. اگرچه ستون شعر ابتهاج مستحکم است و شعر او از «ارغوان» تا «سپیده» در این سرزمین جاری و خاطره‌انگیز است، اما اکنون در جغرافیای ایران، نشان و ردپای «سایه» را سخت می‌توان پیدا کرد؛ برخلاف ارزشی که در دنیا برای نام‌آوران ادبیات و هنر قائل می‌شوند و دست‌کم از خانه، کافه، کوچه و یا گوشه‌ای از شهر زادگاهشان سهمی به نام آن‌ها باقی‌مانده است.

اسناد و مدارک متعلق به این خانه تکمیل شود، دست‌کم به یک دست‌نوشته از آقای ابتهاج نیاز داریم تا تعلق این خانه به خانواده ابتهاج ثابت شود.»

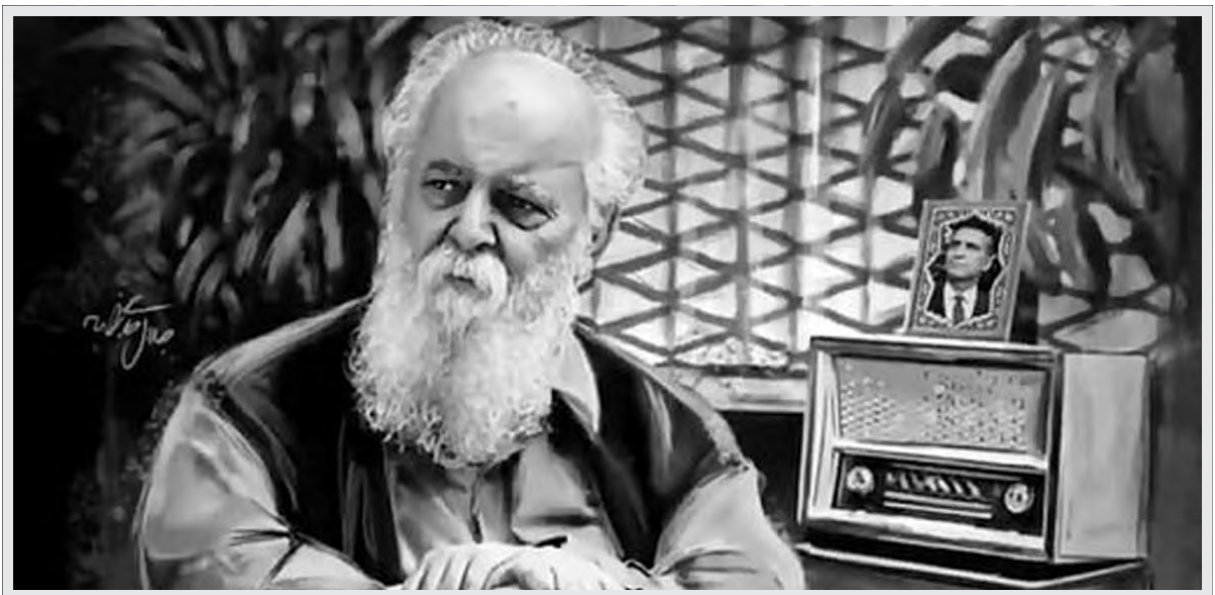
خانه هوشنگ ابتهاج در تهران که در تملک شرکت سیمان تهران است

به گزارش ایسنا، خانه ارغوان منزل شخصی هوشنگ ابتهاج در تهران است که تا سال ۱۳۶۴ و پیش از مهاجرت به آلمان در آن زندگی می‌کرد. روایت‌های این خانه متعدد است، در مفصل‌ترین شرح درباره آن نوشته‌شده که «زمین خانه بخشی از املاک سیروس فرمانفرمائی‌ان بود که پس از مدتی آن را به منوچهر هرمز فراگوزلو فروخت و توسط او بعدها به رهن بانک پارس درآمد. بانک در جریان واگذاری املاک وثیقه‌ای خود این خانه را در سال ۱۳۴۳ به احمدعلی ابتهاج واگذار کرد. او نیز دفتر مرکزی کارخانه سیمان تهران را در آن ساخت. هوشنگ ابتهاج به دعوت عمومی خود مدتی در شرکت سیمان تهران مسؤول حسابداری بود، برای مدتی نیز سمت مدیرکل شرکت را روی عهده داشت. در همین زمان بود که در بخشی از محوطه شرکت، خانه‌ای بنا کرد تا به همراه همسر و

تصرف شرکت سیمان تهران است. خانه رشت وقتی خراب شد که انتظار برای ثبت آن در فهرست آثار ملی می‌رفت. اواخر بهار سال ۱۳۹۶ بود که همشهری‌های هوشنگ ابتهاج از احتمال تخریب خانه کودکی او خبر دادند. آن هم زمانی که شورای شهر رشت برای خرید این خانه مصوبه داده و شهرداری رشت ملزم شده بود آن خانه را بخرد مشروط روی این‌که به لحاظ ثبتی خانه متعلق به استاد ابتهاج باشد. قرار بود خانه کودکی ابتهاج «بنیاد شعر و غزل سایه» شود.

میراث فرهنگی گیلان وعده داده بود خانه را در فهرست آثار ملی ثبت می‌کند. حتی مدیر آن گفته بود: «ثبت خانه ابتهاج مراحل آخر را می‌گذرانند. ما با مالک فعلی خانه صحبت کردیم تا به ما فرصتی بدهد این خانه خریداری شود. استاندار گیلان هم وارد این موضوع شده است و می‌خواهد به هر نحوی که شده خانه را حفظ، ثبت و نگهداری کنیم.»

اما در آبان‌ماه سال ۱۳۹۶ فرهاد نظری - مدیرکل وقت دفتر ثبت آثار تاریخی - اعلام کرد: پرونده خانه «ابتهاج» ناقص است. او گفته بود: «در نامه‌ای به اداره کل میراث فرهنگی استان گیلان درخواست کرده‌ایم تا



سوسن مقصدلو:

«هادى و هدى» در زمان خودش تازه بود



صدایپیشه مجموعه عروسكى «هادى و هدى» گفت: اصلاً فكر نمى‌كردم، هادى و هدى كار ترسناكى باشد اما اخيراً يكى از دهه شصتى‌ها به من گفت كه تصوير اين عروسك‌ها در پس‌زمينه‌اى سپاه بسيار ترسناك بود. سوسن مقصدلو با اشاره به اين نكته كه تصور مخاطب از يك مجموعه با تصور سازندگان لزوماً در يك راستا قرار نمى‌گيرد، بيان كرد: اصلاً فكر نمى‌كردم هادى و هدى كار ترسناكى باشد، اما اخيراً يكى از دهه شصتى‌ها با من صحبت مى‌كرد و به من گفت تصوير اين عروسك‌ها در پس‌زمينه‌اى سپاه بسيار ترسناك بود؛ از شنيدن اين حرف بسيار تعجب كردم اما بعد ديدم كه درست است و اين نمايش از ديد يك بچه مى‌تواند بسيار ترسناك باشد. گوينده مجموعه عروسكى هادى و هدى ادامه داد: مجموعه هادى و هدى سال ۱۳۶۴ ساخته شد؛ (هادى و هدى مجموعه عروسكى است كه در دهه ۶۰ از شبكه دو سيما در قالب برنامه كودك پخش شد).

خانه خودشان صدا را ضبط مى‌كردند چرا كه كار تلفنى بود و شخصيت‌ها باهم صحبت مى‌كردند و سپس تك‌تك براى من مى‌فرستادند. وى افزود: سعى كردم از هنرمندان پيش‌كسوت كه مردم از صداى آنها خاطره دارند، استفاده كنم و پس از آن مقدارى پادكست از قصه‌هاى كهنى ايرانى ضبط كردم كه آنها هم در دنياى مجازى منتشر شد.

مقصدلو ادامه داد: مجموعه‌اى براى بچه‌ها به اسم خانه آبنباتى كار كردم كه شبكه پويا آن را پخش مى‌كرد و اين روزها دوباره باز پخش مى‌شود؛ خانه آبنباتى مجموعه‌اى مفيد براى بچه‌ها بود كه آنها دوست داشتند و اميدوارم اين دست‌كارهاى كه براى بچه‌ها انجام مى‌شود، ادامه پيدا كند.

اين هنرمند گفت: پس از آن چند فيلم کوتاه و سريالى به نام بى‌نشان را كار كردم كه اين روزها در حال پخش است.

بازيگر مجموعه تلويزيونى قصه‌هاى تابه‌تا(مريضه برومند ۱۳۷۳-۷۴) در پاسخ به اين پرسش كه چرا به كار در حوزه كودك علاقه داشته است، گفت: بخشى از كار در حوزه كودك اتفاق است و بخشى هم به كاراكثر و صدا و فيزيك يك بازيگر ربط پيدا مى‌كند؛ ضمن اين كه من هم مانند بسيارى از آدم‌ها بچه‌ها را دوست دارم و احساس مى‌كنم كه مى‌شود خلاقيت زيادى در اين عرصه به خرج داد. كار كودك فانترى‌هاى زيادى دارد و

بازيگر مجموعه گلاب بپاش (سعيد نيك پور ۱۳۶۴) در پاسخ به اين پرسش كه آيا در تمام اين سال‌ها واكنشى مطرح نشده است كه نشان دهد كودكان دهه ۶۰ از برخى مجموعه‌هاى تلويزيونى مى‌ترسيدند، گفت: احتمالاً چنين گلايه و شكايته نبوده كه اين كارها انجام مى‌شده است و گر نه اگر بد بود و بازخوردهاى بدى داشت پخش نمى‌شد.

وى افزود: البته هادى و هدى آن زمان به نظرم كارى قابل دفاع و نو بود و اردشير کشاورزى (كارگردان اثر) و تيمى كه جمع شده بودند ديگر تكرر نمى‌شوند، چرا كه آدم‌هاى قدرى در كار خود بودند منتها در هر كارى چاله‌هاى هست كه بايد بررسى و به‌درستى پر شوند و اين‌گونه است كه پيشرفت صورت مى‌گيرد. هر كارى پس از آن بايد آسيب‌شناسى و روى آن فكر شود كه اين كار را كرديم و موفق بود و نمره ۲۰ گرفت براى اين كه بهتر شود چه بايد كرد؟

بازيگر سريال خانه ما (مسعود كرامتى ۱۳۷۹) در توضيح زندگى اين روزهاى خود گفت: اين روزها مانند بسيارى از هنرمندان در حال استراحت هستم، بيشتر در راديو مشغول كارم و قبل از عيد كارهاى انجام مى‌دادم كه در فضاى مجازى قابل انعكاس باشد. مجموعه داستانى داشتيم به نام درام‌هاى تلفنى كه آن را با كمك چيزى حدود ۴۰ هنرمند به شكل صوت درآوردم يعنى به اين شكل كه به دليل كرونا آن‌ها در

امروز این است که اینها دیگر به آن صورت نیست یا اگر هم هست کم‌رنگ است.

مقصود لو تاکید کرد: شاید ترجیح می‌دهند کارهای ارزان بسازند. این که برای کاری مدت طولانی تمرین و هماهنگی شود زمان و انرژی بسیاری را می‌گیرد تا کاری که صرفاً یک مجری است و یک پلاتو و نیم ساعت یا یک ساعت کاری را ضبط می‌کنند و تمام می‌شود.

وی افزود: پیش‌تر آدم‌ها در کاری که انجام می‌دادند متخصص بودند و هر چیزی سر جای خودش بود. آدم‌ها تمرین می‌کردند و تجربه داشتند. تمرین موضوع مهمی است و یک‌دست بودن گروه بسیار مهم‌تر است تا آدم‌هایی کنار هم قرار بگیرند که ربطی به هم دیگر ندارند. احساس می‌کنم ضعف اصلی در کارهای امروز ما این موارد است.

هنرپیشه مجموعه زیر گنبد کبود (بهرام شاه‌محمدلو ۱۳۶۶) تصریح کرد: چون بچه کوچک است احساس می‌کنند که همه چیز آن باید کوچک باشد و اگر بخواهند سریالی برای بزرگسال بسازند تلاش می‌شود همه چیز سطح بالا گرفته شود اما وقتی مربوط به کودک می‌شود همه چیز پایین می‌آید. در صورتی که حساسیت‌های کار کودک بیشتر است و باید برای تولید و تهیه آن کار کارشناسی صورت گیرد و چند متخصص کنار هم قرار گیرند.

این هنرمند اضافه کرد: همه چیز به کارشناسی اثر بازمی‌گردد. وقتی یک کار کودک می‌خواهد ساخته شود، تیمی که از روان‌شناس، جامعه‌شناس، مربی کودک و تمام آدم‌هایی که تخصص در کار کودک دارند باید دور هم جمع شوند.

بازیگر فیلم سینمایی بی‌پولی (حمید نعمت‌الله ۱۳۸۶) یادآور شد: امروز نمونه‌هایی داریم که در نمایش خانگی پخش می‌شوند؛ کار خانم برومند و آقای طهماسب. این‌ها آدم‌هایی هستند که بسیار در کارشان قدرند. حتی این کارها را هم یک تیم باید بررسی کند که آیا کار درستی در حال وقوع است؟ یعنی هر کاری که انجام می‌شود چه برای کودک و چه برای بزرگسال باید روی آن کار صورت گیرد و تحقق شود و بسیاری از آدم‌هایی که در رشته‌های هنر یا علوم انسانی تحصیل می‌کنند در تز پایان‌نامه علت موفقیت یا عدم موفقیت یک اثر را بررسی کنند.

وی افزود: همه اینها مال زمانی است که سیستم درستی وجود داشته باشد که آدم‌ها دور هم جمع شوند و بخواهند کار درست را انجام دهند امروز وضعیت به صورتی هست که جمع کردن چهار نیرو در کنار هم دیگر کار بسیار سختی است.

این بخشی است که کار در این حوزه را برای من دوست‌داشتنی کرده است.

وی افزود: کارهای طنز و کودک برای من بسیار دلچسب هستند به همین دلیل اولین کارهایی که از سال ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ انجام دادم کار کودکان بود و پس از آن هرازگاهی کار کودک انجام داده و در کنارش کار بزرگسال و تئاتر و سینمای و تلویزیون و رادیو.

مقصود لو گفت: خلاقیت جزئی از ذات هنر است و دست هنرمند برای کار هنری شاید بیش از دیگران باز باشد.

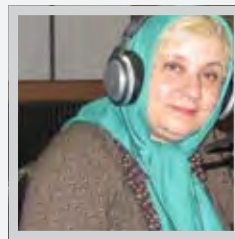
بازیگر مجموعه تلویزیونی پیامک از دیار باقی (سیروس مقدم ۱۳۸۶) اظهار داشت: تفاوت کار کودک با بزرگسال این است که فانتزی دارد و کارهای بسیاری را می‌توان در آن انجام داد. عروسک امکانات بی‌نظیری دارد و کارهایی را می‌کند که انسان با محدودیت‌های فیزیکی‌اش امکان انجام آن را ندارد. به همین دلیل دست آدم برای این که رفتارهای متنوع‌تری را انجام دهد، باز است.

هنرپیشه تئاتر خانه برنارد آلبا (۱۳۵۹) در توضیح شرایط امروز تولید برنامه و محتوا برای کودکان گفت: صادقانه کارهای کودکان را امروز (به‌رغم زحمات بسیاری که کشیده می‌شود) دوست ندارم و به نظر می‌آید که این کارها از طریق دادو فریاد و سوت و ... صرفاً یک هیجان کاذب را به بچه‌ها می‌دهند. این‌ها موضوعاتی است که دست‌کم برای نسل ما که به شکل دیگری زندگی می‌کردیم، اصلاً خوشایند نیست. به‌اضافه این که اکثر کارها پلاتو-مجری است و این هم خوشایند نیست.

وی ادامه داد: زمان ما وقتی می‌خواستیم برای کودکان کار کنیم دست‌کم سه ماه تمرین می‌کردیم، مثلاً برای هادی و هدی مدت‌ها طول کشید که متن نوشته شد و پس از آن زمانی طولانی تمرین کردیم و بعد از تمرین صداها را ضبط می‌کردیم و پس از آن تمرین با عروسک‌ها انجام می‌شد و همه اینها در کنار هم قرار می‌گرفت. گروه‌ها و آدم‌ها یک‌دست بودند و کسانی که واقعاً تخصص کار کودک داشتند کار می‌کردند. مشکل کارهای



تفاوت کار کودک با بزرگسال این است که فانتزی دارد و کارهای بسیاری را می‌توان در آن انجام داد. عروسک امکانات بی‌نظیری دارد و کارهایی را می‌کند که انسان با محدودیت‌های فیزیکی‌اش امکان انجام آن را ندارد. به همین دلیل دست آدم برای این که رفتارهای متنوع‌تری را انجام دهد، باز است



چرا فیلم‌های اندکی درباره آزادگان ساخته شده است؟



«همه جای دنیا وقتی می‌خواهند گونه‌های سینمایی را دسته‌بندی کنند، در زیرگروه ژانر تریلر، آثار دلهره‌آور و حادثه‌ای به فیلم‌هایی با موضوع زندان می‌پردازند. این فیلم‌ها به موضوع زندان، درگیری میان زندانیان، روابط میان زندانیان و به‌خصوص دغدغه همیشگی زندانیان یعنی گریختن از چهاردیواری اجباری اشاره می‌کنند. خیلی از مخاطبان سریال «فرار از زندان» را دیده‌اند که مضمون اصلی و التهاب‌آور آن همین نقشه‌کشیدن برای فرار است. البته در میان آثار سینمایی جهان و ایران نمونه‌هایی از این گونه فیلم‌ها بسیار است. در سینمای جهان اگر بخواهیم مثال بزنیم، می‌توان به آثار ماندگاری مانند «قطار افسارگسیخته»، «حفره»، «فرار بزرگ»، «بازداشتگاه شماره ۱۷»، «پرنده‌باز آلکاتراز»، «مسیر سبز» و «راه‌رفتن مرد مرده» اشاره کرد و البته مشهورترین و خاطره‌انگیزترین فیلم در این ژانر «پاپیون» است که بازی استیو مک‌کوئین و داستین هافمن و سرانجام تلخ‌وشیرین این دو شخصیت در این فیلم در خاطر فیلم‌بازان حرفه‌ای مانده است.»

برای این امر می‌توان دلایلی هم برشمرد. احتمالاً یکی از مهم‌ترین این دلایل، هراس از لوکیشن تکراری و محدودیت محیط اردوگاه‌های اسرای جنگی باشد اما مروری روی فیلم‌های درخشان زیرگونه فیلم‌های زندان و اسارت نشان می‌دهد اگر قصه دارای ظرفیت‌های لازم و قابل اتکا باشد و کارگردان کار خود را بلد باشد، این هراس دلیل ندارد. نکته دیگر هم این است که به نظر می‌رسد برای بسیاری از سینماگران ایرانی سینمای دفاع مقدس با توپ و تفنگ و ژانر سینمای جنگی تعریف شده است. به همین دلیل فیلم‌هایی که در یک اردوگاه و بین چند اسیر جنگی می‌گذرد، کشش زیادی برایشان نداشته باشد. این دغدغه با مروری روی چند فیلم موفق سینمای ایران درباره اسرای جنگی که از ظرفیت ژانرهای دیگر مانند کمدی، ملودرام و جاسوسی استفاده کرده‌اند، برطرف می‌شود و اگر سینماگران بتوانند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند، ساخت فیلم‌های جذاب در این موضوع هم در دسترس است. با این اشاره مروری می‌کنیم روی فیلم‌هایی که در طول سال‌های اخیر با موضوع اسرای ایرانی ساخته شده‌اند.

زندان دوله تو

روزنامه جام جم نوشت: این فیلم که سال ۱۳۶۳ ساخته شده، از نخستین فیلم‌هایی است

در سینمای ایران نیز شاهد فیلم‌هایی از این گونه بوده‌ایم که دو فیلم «جرم» و «اعتراض» مسعود کیمیایی با دیالوگ‌های ویژه این کارگردان مؤلف بیشتر از هر فیلم دیگری به ذهن می‌آید اما در این ژانر شاهد ظهور گونه‌ای ویژه هستیم که به بیان ماجراهایی می‌پردازد که در فضای زندان‌ها و اردوگاه‌های دشمن می‌گذرد. تفاوت عمده این فیلم‌ها با آثار معمول در سینمای زندان، تفاوت شخصیت‌هایی است که در زندان گرفتار آمده‌اند. اگر در فیلم‌های معمول زندان، زندانی‌ها آدم‌هایی خلافکار و نادرستند، زندانیانی که به اسارت دشمن درآمده‌اند، انسان‌هایی ارزش‌مدار، مقاوم و دارای ویژگی‌های مثبتی هستند که مورد اقبال و توجه مخاطبان قرار دارند و مخاطب، آنان را نه انسان‌هایی زندانی بلکه قهرمانانی در بند می‌بینند. البته این را هم باید اضافه کنیم که نسبت میان فیلم‌های مرتبط با آزادگان به نسبت مجموع فیلم‌های تولیدشده در گونه دفاع مقدس، اندک است. این در حالی است که حداقل در حوزه ادبیات دفاع مقدس، مجموعه‌ای گرانسنگ از خاطرات رزمندگان گردآوری و منتشر شده است که بسیاری از آنان پتانسیل لازم را برای تبدیل شدن به فیلم‌هایی ماندگار دارند و متأسفانه سینمای ایران نتوانسته است از ظرفیت دراماتیک داستان‌های دوران اسارت رزمندگان به‌خوبی بهره‌مند شود.

را ارائه داده است. بازی پورعرب در نقش فرمانده اسیری که عراقی‌ها در به‌در دنبال شناسایی و تخلیه اطلاعات او هستند و تلاش او برای حفظ اسرار نظامی، پیچیدگی‌های خاصی دارد که او توانسته است این نقش را به‌خوبی ایفا کند. امتیاز دیگر این فیلم، موسیقی متن آن است که ساخته بابک بیات بود. این چهره بزرگ و موثر موسیقی امروز ایران برای ساخت موسیقی این فیلم و فیلم شبیه خورشید در آن سال سیمرغ بلورین گرفت.

پرواز از اردوگاه

یک سرگرد خلبان ایرانی که اطلاعات مهمی دارد، به دست نظامیان عراقی اسیر می‌شود. عراقی‌ها او را به زندان اسرای عادی منتقل می‌کنند. این افسر عالی‌رتبه سعی می‌کند با همکاری دیگر اسرا از اردوگاه عراقی‌ها فرار کند اما غافل از اینکه این نقشه فرار از سوی خود عراقی‌ها طرح‌ریزی شده است.

این داستان فیلم «پرواز از اردوگاه» به کارگردانی حسن کاریخش و بازی جمشید هاشم‌پور است. یک فیلم که باید بیشتر آن را در دسته فیلم‌های اکشن قرار داد. داستانی سرشار از پلان‌های موتورسواری، هنرهای رزمی و در زمره فیلم‌های جنگی متداول دهه ۷۰ است که یک افسر ایرانی، یک گردان عراقی را با دست خالی تار و مار می‌کرد. این فیلم به نویسندگی سیدمحمدرضا عالی‌پیام و بازی میرمحمد تجدد، مجید میرزاییان، علی نظری، علیرضا عالی‌پیام، علی توکلی، فریدون مالکی، احمد صافی، احمد، میرفریعی و سیروس صابر در زمان خود فیلم نسبتاً موفق بود اما خیلی زود از ذهن‌ها فراموش شد.

بوی پیراهن یوسف

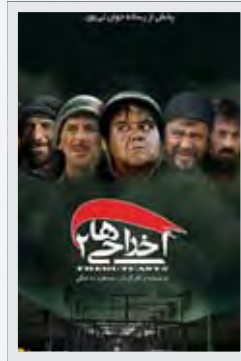
احتمالاً هر وقت نامی از فیلم‌های دفاع مقدس در خصوص آزادگان به زبان می‌آید، اولین و مهم‌ترین فیلمی که به ذهن می‌رسد، «بوی پیراهن یوسف» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیاست. دایه‌غفور (علی نصیریان) با وجود همه مدارکی که ثابت می‌کند پسرش یوسف در جنگ شهید شده، هنوز هم فکر می‌کند او زنده است. از سوی دیگر شیرین (نیکی کریمی) هم چشم‌انتظار برادرش خسرو است. دایه‌غفور لجوجانه نمی‌خواهد شهادت پسرش را باور کند و معتقد است او هنوز زنده است. تا اینکه سرانجام آزادگان به کشور بازمی‌گردند اما در پایان داستان مشخص می‌شود یوسف زنده است و شیرین، خسرو خود را از دست داده است.

فصل‌های مهمی از فیلم به ورود آزادگان به میهن اختصاص دارد که به پرسش‌های تماشاگران و افراد منتظر پاسخ

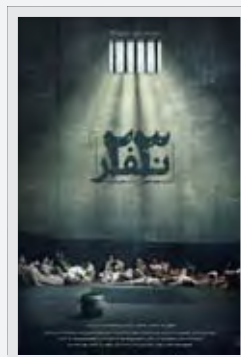
که به موضوع اسرای ایرانی می‌پردازد و ویژگی خاص آن در میان آثار تولیدشده در این حوزه این است به اسرای می‌پردازد که به دست گروه‌های تجزیه‌طلب در درگیری‌های کردستان اسیر شده‌اند. این فیلم به اسارت گروهی از نیروهای جهاد سازندگی در اوایل انقلاب به دست اعضای گروهک حزب دموکرات کردستان ایران می‌پردازد. این افراد پس از دستگیری و شکنجه به دست اعضای این گروه به زندان «دوله‌تو» منتقل می‌شوند. این نیروها که به‌شدت به انقلاب معتقدند می‌توانند حتی یک درجه‌دار ضد انقلابی را با خود همراه کنند و سرانجام گروهک یادشده مجبور به فرار از منطقه می‌شود اما سرانجام زندانیان انقلابی رهایی نیست؛ چرا که جنگنده‌های ارتش عراق در یک جنایت تاریخی زندان دوله‌تو را بمباران و زندانیان را قتل عام کنند. این فیلم که روی اساس یک رویداد واقعی ساخته شده است، محصول سال ۱۳۶۳ به کارگردانی و نویسندگی رحیم رحیمی‌پور است. موسیقی متن این فیلم کار کامبیز روشن‌روان است که در سومین دوره جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن را برای او به همراه آورد. عبدالرضا اکبری، علی امیدوار، امین خرم‌دل و احمدرضا درویش از جمله بازیگران این فیلم هستند که اگر چه در دهه ۶۰ و ۷۰ به دلیل پخش چندین باره از صداوسیما در ذهن مخاطبان مانده بود، امروز ارزش تاریخی آن بیشتر از ارزش هنری آن است.

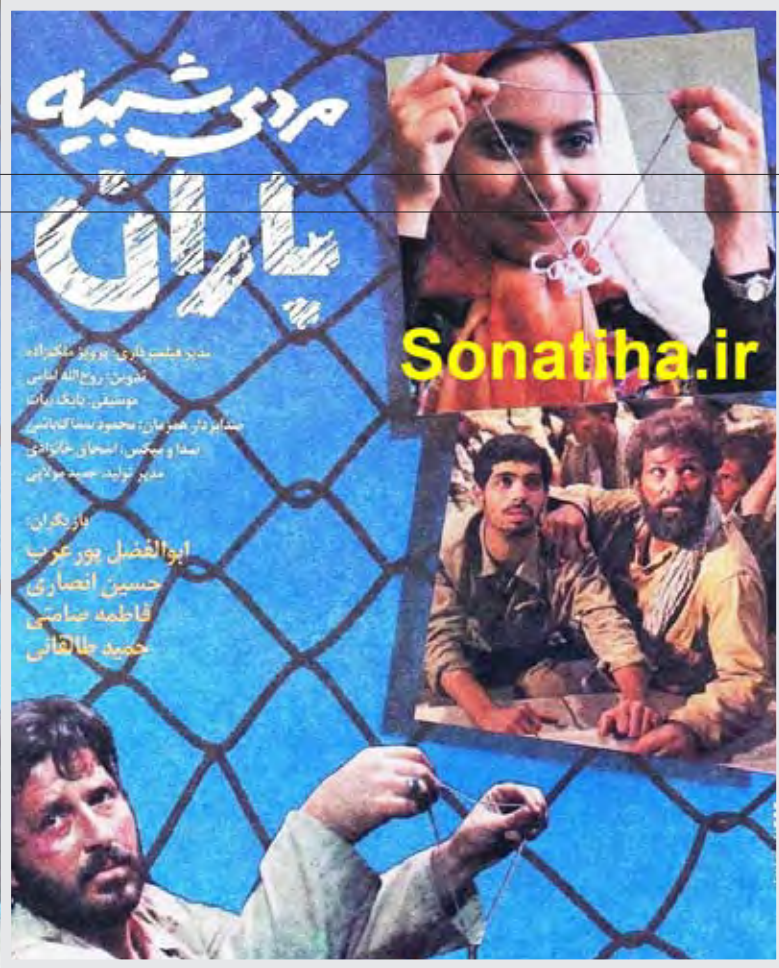
مردی شبیه باران

سعید سهیلی در تئاتر و فیلمسازی مشهد، چهره شناخته‌شده‌ای بود اما با ساختن «مردی شبیه باران» در سال ۱۳۷۵ خود را در قامت یک سینماگر حرفه‌ای مطرح کرد و فیلمش به عنوان یک فیلم اول، استانداردهای قابل توجهی داشت؛ به‌خصوص اینکه ابوالفضل پورعرب در نقش منصور قاسمی یکی از فرماندهان برون‌مرزی سپاه که در جریان عملیات اسیر شده است، در این فیلم یکی از مهم‌ترین و موثرترین بازی‌های خود



سعید سهیلی در تئاتر و فیلمسازی مشهد، چهره شناخته‌شده‌ای بود اما با ساختن «مردی شبیه باران» در سال ۱۳۷۵ خود را در قامت یک سینماگر حرفه‌ای مطرح کرد و فیلمش به عنوان یک فیلم اول، استانداردهای قابل توجهی داشت؛ به‌خصوص اینکه ابوالفضل پورعرب در نقش منصور قاسمی یکی از فرماندهان برون‌مرزی سپاه که در جریان عملیات اسیر شده است





می دهد. موسیقی به یادماندنی مجید انتظامی از امتیازات این فیلم است که علاوه روی «از کرخه تا راین» در این فیلم هم با او همکاری کرده است. نکته جالب درباره این فیلم، بازی خود حامی کیا در یکی از سکانس های فیلم است. علی نصیریان در این فیلم یکی از بازی های به یادماندنی اش را انجام داده است. عجیب این است که داوران جشنواره فیلم فجر، حمیدرضا تاج دولتی، بازیگر نقش یوسف را که حضور کوتاهی در بخش های پایانی فیلم داشت نامزد دریافت بهترین بازیگر نقش مکمل مرد کردند و روی بازی ماندگار و زیبای علی نصیریان چشم بستند.

کیمیا

یکی دیگر از فیلم های مهم در این گونه آثار سینمایی را احمدرضا درویش در سال ۱۳۷۳ ساخت. فیلم او به سویی دیگری از ماجرای اسارت توجه داشت؛ مصائبی که بعد از اسارت برای برخی آزادگان پیش آمده بود. جدانشدن از روند معمول زندگی، بی خبری و بی نشان بودن، دور بودن از تغییر و تحولات زمانه و مسائلی مانند آن، آزادگان را در موقعیت جدیدی قرار می داد که خود این موقعیت، دارای بار دراماتیک بود. «کیمیا» جزو موفق ترین فیلم هایی است که تمرکز خود را روی زندگی یک آزاده پس از دوران اسارت و در زمان آزادی او قرار داده است. انگار این اسیر تازه رها شده وقتی وارد جامعه ای دگرگون شده و خانواده ای از دست رفته می شود، دوباره در زندانی دیگر اسیر شده است. نقش اصلی فیلم یعنی رضا رضایی منش را خسرو شکیبایی بازی می کند، نقشی پرتنش، سخت و پر فراز و نشیب با لحظاتی احساسی که مانند بسیاری از کارهای شکیبایی، منتج به یک بازی ماندگار و خاطره ساز شده است.

چنان که گفتیم داستان فیلم به موقعیت جدیدی مربوط است که آزاده تازه آزاد شده با آن روبه رو شده است. او که قبل از اسارت، همسرش را برای زایمان به بیمارستان برده، وقتی بعد از پایان جنگ به کشور بازمی گردد، پی می برد که همه اعضای خانواده اش به

جز فرزندش را از دست داده است. تکاپوی او برای یافتن کیمیا، فرزند گم شده اش و بعد راضی کردن او به جداشدن از مادر خوانده اش، داستان پرتنش فیلم را ایجاد می کند. این فیلم به جز کارگردانی خوب احمدرضا درویش و بازی زیبای خسرو شکیبایی، مجموعه کم نظیری از جلوه های ویژه، تدوین و موسیقی را هم با خود دارد.

نفوذی

یکی دیگر از موضوعات مرتبط با مباحث مربوط به آزادگان، موضوع نفوذ ستون پنجم در صفوف اسرای ایرانی برای تخلیه اطلاعاتی و یارگیری است که احمد کوری و مهدی فیوضی در «نفوذی» دست روی همین موضوع گذاشته اند. این فیلم از معدود فیلم های اقتباسی در این موضوع است. کوری و فیوضی، موضوع فیلم خود را روی اساس خاطرات عباس حسینمردی از آزادگان جنگ تحمیلی انتخاب کرده اند. خاطرات این آزاده در کتاب «حکایت زمستان» نوشته سعید عاکف گردآوری شده و آن را داوود امیریان به صورت طرح فیلم به کوری داده است.

داستان فیلم به دستگیری و بازجویی از فریدون کیان فر، یک اسیر جنگی تازه آزاد شده (با بازی امیر جعفری) به دست نیروهای اطلاعاتی و امنیتی ایران بازمی گردد. او متهم به عضویت در سازمان منافقین و همدستی در شهادت گروهی از اسیران است. ماموران اطلاعاتی به سرپرستی یک مامور عالی رتبه (با بازی جمشید هاشم پور) شروع به جمع آوری اطلاعات از زندگی کیان فر می کنند و به همین دلیل بخش قابل توجهی از فیلم به صورت فلاش بک پیش می رود. جسارت مطرح کردن موضوع نفوذ منافقین در بین اسرای

یکی دیگر از فیلم های مهم در این گونه آثار سینمایی را احمدرضا درویش در سال ۱۳۷۳ ساخت. فیلم او به سویی دیگری از ماجرای اسارت توجه داشت؛ مصائبی که بعد از اسارت برای برخی آزادگان پیش آمده بود. جدانشدن از روند معمول زندگی، بی خبری و بی نشان بودن، دور بودن از تغییر و تحولات زمانه و مسائلی مانند آن، آزادگان را در موقعیت جدیدی قرار می داد که خود این موقعیت، دارای بار دراماتیک بود

نویسندگی نرگس آبیاری و تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی و ابوذر پورمحمدی محصول سال ۹۲ به صورت مستقیم به مسأله آزادگان مرتبط نیست اما در آن ورود آزادگان به کشور به خوبی به تصویر کشیده شده است.

داستان این فیلم که احتمالاً بیشتر مخاطبان، آن را دیده و لحظات حسی آن را به یاد دارند به زندگی سرشار از انتظار مادر یک مفقودالاثر می‌پردازد. الفت مادر یونس جوانی که در عملیات والفجر مقدماتی مفقود شده‌است، در انتظار خبری از فرزندش سال‌ها، رادیویی را به کمر می‌بندد تا اگر پیامی از پسرش از رادیو عراق شنید، آن لحظه را از دست ندهد. با ورود آزادگان، الفت در به‌در به جست‌وجوی نشانی از پسرش می‌گردد و سرانجام این‌سبب خوف و رجا، ادامه انتظار و چشم به راهی اوست که با کشف معجزه‌آسای باقیمانده پیکر یونس، داستان این فراق به پایان می‌رسد. مریدا زارعی برای یکی از بهترین بازی‌های تاریخ بازیگری سینمای ایران، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را از سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر دریافت کرد. شیبا ۱۴۳ را باید یکی از بهترین فیلم‌های دفاع مقدس دانست که روی خلاف بسیاری از فیلم‌های این‌گونه، روایت و نگاهی زنانه دارد و به جای تمرکز روی موضوع جنگ به صورت مستقیم، رنج‌های انسانی ناشی از جنگ به خصوص مقاومت و صبر دامنه‌دار مادران ایثارگران را به خوبی به نمایش گذاشته است.

۲۳ نفر

یکی از آخرین فیلم‌های ساخته‌شده در موضوع آزادگان و دفاع مقدس، فیلم ۲۳ نفر به کارگردانی مهدی جعفری است که ۲۳ هنرمند نوجوان از سراسر ایران در آن بازی کرده‌اند. این فیلم سال ۹۷ و در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. داستان این فیلم هم‌اقتباسی از خاطرات آزادگان است. نکته‌ای که این فیلم را در بین دیگر فیلم‌ها با موضوع آزادگان، ممتاز می‌کند، توجه آن به مقاومت آزادگان نوجوان در اسارتگاه‌های رژیم بعث است؛ نوجوانانی بی‌ادعا که برای دفاع از وطن‌شان راهی جبهه شده و به اسارت نیروهای عراقی درآمده بودند. کم‌سن و سال بودن این اسرا، رژیم عراق را به فکر استفاده تبلیغاتی از این آزادگان انداخت. اسرای نوجوان اما با شعور و آگاهی بی‌نظیری، همه نقشه‌های دشمن را ناکام گذاشتند و نه از تهدید دشمن ترسیدند و نه وعده‌های پوشالی‌اش. ۲۳ نفر که برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی در جشنواره فیلم فجر شده‌است، از یک جنبه خاص خاطر‌انگیز شده‌است. هنگام ساخت این فیلم، سردار شهید قاسم سلیمانی در روز کلیدخوردن تصویربرداری از این فیلم، در میان عوامل ساخت این فیلم حاضر شد و با صمیمیت و مهربانی با آنان گفت‌وگو کرد که قاب تصویرهای این دیدار، جاودانه و خاطره‌ساز شد.»



ایرانی، به این اثر امتیاز ویژه‌ای داده است اما فیلم ضعف‌هایی هم دارد. مهم‌ترین ضعف آن حدس‌زدن پایان خوش آن است. نکته دیگر این است که فیلم در رفت‌وآمد میان حال و گذشته نتوانسته است یکدستی خود را حفظ کند. بازی خوب امیر جعفری یکی از نکات برجسته فیلم است.

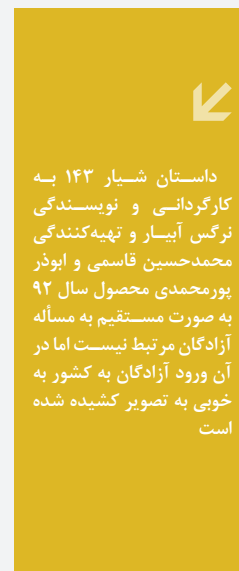
اخراجی‌ها ۲

«اخراجی‌ها ۲» از یک منظر در سینمای مرتبط با آزادگان استثناست: استفاده از تلفیق گونه‌های فیلم کمدی و جنگی برای نزدیک‌شدن به سوژه آزادگان. بعد از کارگردانی و نویسندگی فیلم پرفروش «اخراجی‌های ۱» مسعود دهنمکی تصمیم گرفت با تهیه‌کنندگی حبیب‌الله کاسه‌ساز قسمت دوم آن فیلم را بسازد. این فیلم به عنوان آکران نوروزی ۱۳۸۸ بروی پرده سینماها و با فروش عجیب هشت میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی، رکوردهای فروش را در تاریخ سینمای ایران جابه‌جا کرد. همچنان برخی سکانس‌های این فیلم در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود.

داستان این فیلم هم گوشه‌چشمی به ماجرای خیانت گروهک منافقین دارد. این گروه، هوایی‌های خانواده‌های رزمندگان را که عازم مشهد هستند، می‌ربایند و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند که با درخواست پناهندگی از صدام حسین یک شکست حیثیتی برای ایران رقم بزنند. همان‌طور که مشخص است آنها زیر بار نمی‌روند و با خواندن سرود «ای ایران» اشک در چشم مخاطبان خود می‌نشانند. این فیلم یکی از فیلم‌های کم‌نظیر از نظر مجموعه بازیگران بود. دهنمکی نشان داد مخاطب ایرانی، سلیقه و سینمای مطلوب آنان را می‌شناسد و موفق شد فیلمی درباره آزادگان بسازد که به جای اشک و گریه و صحنه‌های شکنجه، تلفیقی از خنده و ستایش روحیات حماسی رزمندگان بود.

شیبا ۱۴۳

داستان شیا ۱۴۳ به کارگردانی و



حضور مافیا در اقتصاد موسیقی ایران



پدرام درخشانی - نوازنده سنتور و آهنگساز - می‌گوید که مردم عمدتاً موسیقی را برای دو حس شادی و غم طلب می‌کنند تا به این وسیله در زمان شادی، شادی خود را افزون کنند و در شرایطی که غمی وجودشان را فرا گرفته موسیقی غمگین گوش می‌دهند؛ گویی که بخواهند نمک روی زخمشان بپاشند. او در گفت‌وگو با ایسنا نخستین دلیل را سیستم ضعیف آموزش موسیقی در ایران و آغاز نشدن آموزش موسیقی از سن کم برای افراد، می‌داند.

درخشانی ادامه می‌دهد: مردم ما علاقه زیادی به موسیقی دارند ولی فرهنگ شنیداری آنها پایین است. البته زمانی که افراد از سن پایین تحت آموزش موسیقی قرار نمی‌گیرند و اگر هم قصد یادگیری موسیقی را داشته باشند، از نوجوانی یا جوانی شروع می‌کنند، پس سلیقه موسیقی امروز مردم امری طبیعی است.

این هنرمند در ادامه روند آموزش موسیقی در ایران را با کشورهای پیشرفته مقایسه می‌کند و می‌گوید که در آن کشورها به علت آموزش موسیقی به افراد از کودکی، مغز آنها با موسیقی پرورش پیدا می‌کند، در نتیجه به علت آمادگی که به مغز داده شده پذیرای موسیقی پیچیده هم خواهند بود.

اثر گذار موسیقی پرداخته می‌شود و عمده مردم تنها به دو جنبه سطحی شاد و غمگین بودن موسیقی توجه می‌کنند؛ این در حالی است که موسیقی دارای جنبه‌های مختلف و شاخ و برگ‌های زیاد است، علوم زیادی چون ریاضی، فیزیک، شیمی به آن ربط پیدا می‌کنند و حتی می‌توان خیلی از علوم را با موسیقی آموزش داد. او ادامه می‌دهد: ارتباط با موسیقی به واسطه دو جنبه شادی و غم، نگاهی سطحی و زودگذر است و بیشتر هم از طریق ارتباط کلامی برقرار می‌شود؛ مخاطبی که به دنبال موسیقی باکلام است به یک قطعه موسیقی گوش می‌دهد و مسئله مهم برای او نزدیک بودن محتوای ترانه به مسائل ذهنی اش است که اگر اینگونه باشد، خیلی سریع با کار ارتباط برقرار می‌کند.

هر چیزی به جای خود

این مسأله را با درخشانی مطرح می‌کنیم که آیا پایه ادبیات محور و شاعر خیز ایران ارتباطی با تمایل مردم به موسیقی باکلام دارد؟ پاسخ می‌دهد: موسیقی جای خودش را دارد و شعر هم جای خود را. انسان به هر حوزه‌ای از هنر که توجه نشان می‌دهد باید براساس درک خود با آن ارتباط برقرار کند؛ همانگونه که یک نقاشی را بدون اینکه توضیحی داشته باشد براساس برداشت خود می‌فهمد. این مسأله درباره موسیقی

او درباره علت استفاده از کلمه «پیچیده» برای موسیقی بی‌کلام توضیح می‌دهد: زمانی که موسیقی بی‌کلام گوش می‌دهید، باید از آوای سازها و ارتباطی که بین آنها وجود دارد لذت ببرید و موسیقی را درک کنید؛ کاری که با ذهن آشفته و پرورش نیافته ممکن نیست.

برای درک هنر مطالعه داشته باشید

او ادامه می‌دهد: هر چقدر که سطح یک رشته هنری بالاتر باشد، مطالعه بیشتری برای درک آن لازم است؛ زیرا ممکن است مخاطب بدون هیچ آگاهی قبلی به تماشای مثلاً یک اپرا بنشیند ولی محتوا و ساختار برایش پیچیده باشد و درکی از آن نداشته باشد. در چنین مواردی هر چقدر هم موسیقی بخواهد به این مخاطبان نزدیک شود، آنها را به وجد بیاورد و حس خوبی منتقل کند، آنها باز هم درک چندانی نخواهند داشت. گرچه که اگر مخاطب درباره اپرا مطالعه کرده باشد، موسیقی، تئاتر، طراحی لباس، طراحی کاراکتر و ... را بشناسد، این اطلاعات موجب می‌شود که از اجرا لذت ببرد.

در ایران فقط به دو جنبه از موسیقی توجه می‌شود

این نوازنده سنتور در توضیح علت، این نکته را عنوان می‌کند که در ایران کمتر به جنبه‌های

تبعیضی که موسیقی گرفتار آن شده!

«در ایران کمتر شاهد فعالیت ارکسترهای موسیقی کلاسیک و حتی موسیقی ایرانی هستیم که این مسئله باعث شده خوراک کمتری در این نوع موسیقی به مخاطب ارائه شود. ارتباط این مسئله با ساختار سلیقه موسیقایی کنونی مردم چیست؟»

این آهنگساز پاسخ می‌دهد: در ایران تبعیض زیادی در موسیقی وجود دارد و برخی گروه‌ها با اینکه شاید کیفیت لازم را هم نداشته باشند، مرتب کنسرت می‌دهند، گرچه گروه‌های موسیقی حرفه‌ای شاید طی سال یک بار هم به روی صحنه نروند.

او درباره علت این امر توضیح می‌دهد که راه موسیقی در ایران توسط چند نفر، مشخص می‌شود و آنها براساس سود مالی خود تصمیم می‌گیرند که موسیقی چه مسیری را طی کند که البته انتخابشان راه ساده‌تر و بی‌دردتر است که زودتر به سوددهی مالی برسند.

درخشانی ادامه می‌دهد: در کشورهای همسایه دولت‌ها از ارکسترها و گروه‌های موسیقی ملی حمایت می‌کنند. دولت ایران هم باید ضمن حمایتی که خودش از ارکسترها و گروه‌های موسیقی ایرانی و نواحی نشان می‌دهد، موجی را در جهت حمایت‌های خصوصی راه بیندازد. پدram درخشانی فراگیری موسیقی را از ۱۰ سالگی با ساز سنتور نزد اساتیدی چون شادروان سیروس ساغری، سعید نعیمی‌منش، مسعود رضایی‌نژاد و محمد آذری فرا گرفت.

او دوره‌های تکمیلی و حرفه‌ای سنتور را نزد اساتیدی چون فرامرز پایور، پرویز مشکاتیان، پشنگ کامکار و مسعود شناسا گذرانده است.

درخشانی با گروه‌های «دستان» به سرپرستی محمدعلی کیانی نژاد، «مثنوی» به سرپرستی شادروان شهریار فریوسفی، «دالاهو» به سرپرستی مسعود حبیبی، «افشارستان» به سرپرستی میلاد درخشانی و... همکاری داشته است. این نوازنده و آهنگساز در فستیوال‌هایی چون فستیوال هنر ایران در دوسلدورف آلمان ۱۳۷۰، و... شرکت کرده است.

این نوازنده سنتور پاسخ می‌دهد: این امر زمانی صدق می‌کند که وضعیت هنری جامعه در سطح عالی باشد؛ در حال حاضر کنسرت‌ها هنوز قوت سابق را به خود نگرفته‌اند که بخواهیم درباره باکلام یا بی‌کلام بودن آنها تصمیم بگیریم. البته استفاده از خواننده بد نیست، تخصص خود من موسیقی بی‌کلام است و دوست دارم با سازها حرفم را بزنم ولی گاهی از خواننده‌ها هم استفاده می‌کنم. ولی در صورت استفاده از خواننده در کارم، به عنوان یک ساز به او نگاه می‌کنم و صدای او باید در موسیقی حل شود و برای مخاطب جالب باشد.

مردم حوصله سابق را ندارند

از این هنرمند علت این امر را جویا می‌شویم که حتی تا دهه ۸۰ اگر یک آلبوم موسیقی ایرانی منتشر می‌شد، در کنار قطعات باکلام، چند قطعه هم بی‌کلام بود ولی چرا آن ساختار امروزه تغییر کرده است؟

درخشانی عنوان می‌کند: زندگی‌ها و دوره زمانه عوض شده و مانند گذشته نیست. امروزه مردم آنقدر مشغله دارند که وقت نمی‌کنند یک آلبوم ۶۰ دقیقه‌ای را گوش کنند، ترجیح می‌دهند که یک قطعه خوب یک یا دو دقیقه‌ای را در اپلیکیشن‌های مختلف گوش دهند یا ببینند. مردم حتی از حواشی موسیقی بیشتر لذت می‌برند تا اینکه بخواهند به اصل موسیقی بپردازند.

او ادامه می‌دهد: ۲۰ سال پیش زمانی که یک آلبوم موسیقی منتشر می‌شد، مردم با ذوق و شوق کار را تهیه می‌کردند ولی از زمانی که گوشی‌های هوشمند به بازار آمده و اینترنت به صورت گسترده در اختیار مردم قرار گرفته، سلیقه موسیقایی جامعه و همه چیز در موسیقی تغییر کرده است؛ از روش پخش موسیقی گرفته تا برگزاری کنسرت‌ها و سبک آثاری که اجرا و ضبط می‌شود. به نظر من زمانی که با کاست موسیقی گوش می‌دادیم، خیلی قشنگ‌تر بود و گویی فرصت بیشتری برای شنیدن موسیقی و پرداختن به جزئیات داشتیم.

هم صدق می‌کند و فهم آن به مترجم یا کلام نیاز ندارد، بلکه باید از خود موسیقی و ارتباطی که بین سازها برقرار شده لذت برد.

او توضیح می‌دهد: شاید در ایران از یک قطعه موسیقی لذت ببریم و شعر آن برای ما مفهوم عمیقی داشته باشد، ولی اگر همان قطعه در یک کشور همسایه اجرا شود، کلام برای شنونده بی‌اهمیت و بی‌معنی خواهد بود؛ چون زبان را نمی‌فهمد، می‌خواهد بداند موسیقی و صداها چه می‌گویند، پس تنها چیزی که باقی می‌ماند موسیقی است.

این هنرمند همچنین بیان می‌کند که «موسیقی باید کار خود را انجام دهد و به هیچ چیزی نیازی ندارد» و تأکید می‌کند که «در یک قطعه موسیقی خواننده باید در نقش یک ساز عمل کند و هماهنگی خوبی بین سازهای دیگر ایجاد کند.»

«اگر قرار باشد از شعر لذت ببریم می‌توانیم در شب شعر شرکت کنیم؛ در آنجا شاعرها جمع می‌شوند، شعر خود را می‌خوانند و ما هم می‌توانیم از هنر آنها در سرودن شعر لذت ببریم.»

او ادامه می‌دهد: به دلیل اینکه جامعه و کشور ما مهد شعر و شاعری است، ارتباط شعر با موسیقی برای مردم مهم است و البته این ارتباط می‌تواند برای آنها خیلی هم لذت‌بخش باشد ولی در کشورهای دیگر اینگونه نیست و اگر بخواهیم به موسیقی یک نگاه بین المللی داشته باشیم باید در نظر بگیریم که موسیقی کار خودش را می‌کند و به مترجم و کلام نیازی ندارد و اگر از خواننده هم استفاده می‌شود باید در نقش یک ساز عمل کند.

هنرمند با مردم همراه شود یا نه؟

«چرا هنرمندانی که زمینه کاری شان موسیقی بی‌کلام است، در کنسرت‌هایشان به سمت استفاده از خواننده‌ها می‌روند؟ آیا درست است که هنرمند صرفاً برای جذب مخاطب از خواننده استفاده کند و خوراکی را به مخاطب ارائه دهد که او می‌خواهد؟ یا هنرمند باید سعی داشته باشد سلیقه مخاطب را با محتوای درست و ارزشمند همگام کند؟»



مجید انتظامی:

آدم‌ها دیگر عاشق نیستند!

سازنده سمفونی‌های خرمشهر و مقاومت در یادبود جنگ ایران و عراق، گفت: آن زمان صف بنزین و تخم مرغ بود؛ برای بچه‌ها شیر پیدا نمی‌کردم چرا که جنگ بود اما همه عاشق بودند و این مشکلات برایمان مهم نبود.

سازنده موسیقی متن فیلم سینمایی عقاب‌ها (ساموئل خاچیکیان ۱۳۶۳) ادامه داد: امروز خیلی چیزها مهم شده است چون آدم‌ها دیگر عاشق نیستند. فیلم‌ها و موسیقی‌ها هم همینطور است؛ به همین دلیل موسیقی‌ای تولید نمی‌شود که روی دل شما اثر کند. چرا امروز فیلمی ساخته نمی‌شود که بتوان با آن زندگی کرد؟ برای این که آن عشق کمرنگ شده است.

سازنده سمفونی ایثار در یادبود جنگ ایران و عراق در پاسخ به این پرسش که چرا این سمفونی با روح و روان مخاطب ارتباط برقرار می‌کند، گفت: ایثار واژه‌ای بین‌المللی است و در تمام رنگ‌ها و نژادهای بشری (سیاه پوستان، سرخپوستان، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و...) معنی و مفهوم دارد؛ یعنی همه ملل اسوه‌ها و اسطوره‌هایی دارند که برای جامعه‌شان ایثار کرده‌اند.

وی افزود: در مملکت ما هم گروهی بودند که به معنای واقعی کلمه ایثار کردند آن آدم‌ها در دهه ۶۰ زمانی که با دست خالی به جنگ همه دنیا رفتند حقیقتاً ایثار کردند. انتظامی خاطر نشان کرد: در این جنگ بمب شیمیایی را آلمان‌ها به عراق می‌دادند، تجهیزات دیگری را انگلیس‌ها و آمریکایی‌ها هم اطلاعات جنگی ما را در اختیارشان قرار می‌دادند و ایثارگران ما در این نبرد با دست خالی با این‌ها می‌جنگیدند.

وی افزود: دلم می‌خواهد اگر قرار است موسیقی بسازم برای کاری تکان دهنده و نو باشد؛ کاری که اندیشه‌ای نو را در خود دارد؛ فیلمی که اتفاقی تازه بیافریند اما این اتفاق تاکنون نیفتاده است.

برنده سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن فیلم برای اژانس شیشه‌ای (ابراهیم حاتمی‌کیا ۱۳۷۶) اظهار داشت: من دلی حرف می‌زنم به همین دلیل به شما می‌گویم که تا کنون و در این مدت کاری ندیده‌ام که بشود روی آن تمرکز کرد.

انتظامی یادآور شد: دلم نمی‌خواهد در این سن بنشینم و کارهای گذشته را تکرار کنم.

برنده سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن جشنواره فیلم فجر برای فیلم دیوانه‌ای از قفس پرید (احمدرضا معتمدی ۱۳۸۱) در پاسخ به این پرسش که آیا سینمای امروز با سینمای چند دهه پیش تفاوت بسیاری دارد، گفت: به نظر شما سینمای امروز ما با سینمای دهه ۶۰ فرقی ندارد؟

انتظامی اظهار داشت: آن سینما هم به لحاظ مضمون و هم ذهنیت آدم‌های سینمای متفاوت و بزرگی بود؛ در حقیقت آدم‌های آن سینما آدم‌های بزرگی بودند.

برنده سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن جشنواره فیلم فجر، گفت: سینمای دهه ۶۰ هم به لحاظ مضمون و هم ذهنیت آدم‌های سینمای متفاوت و بزرگی بود، سینمایی که آدم‌هایش عاشق بودند؛ چرا امروز فیلمی ساخته نمی‌شود که بتوان با آن زندگی کرد؟ مجید انتظامی در پاسخ به این پرسش که چرا سال‌هاست دیگر موسیقی متن سینمایی تولید نمی‌کند، گفت: در این سال‌ها چند موسیقی متن برای ساخت به من پیشنهاد شد؛ آمدند و صحبت کردند اما سن من دیگر سنی نیست که بخوام رج بزنم به همین دلیل باید آن کار، کاری باشد که خوشم بیاید که متاسفانه فیلم‌هایی که به من مراجعه کردند برایم جذاب نبودند.

سازنده موسیقی متن بوی پیراهن یوسف (ابراهیم حاتمی‌کیا: ۱۳۷۴) در توضیح این موضوع که چه فیلمی از نظر وی ارزش ساخت موسیقی دارد، بیان کرد: فیلمی که حرفی برای گفتن داشته باشد و حرفی نو را بزند اما فیلم‌هایی که سراغم آمدند حرف تازه‌ای برای گفتن نداشتند و موسیقی هم اگر می‌گذاشتیم ناچار بودیم که از موسیقی‌های گذشته رج بزنیم.

سلامت

چطور از کوره در نرویم و صبوری کنیم؟ ۵۲/۴

با صندلی تان قهر کنید! ۵۵/۵۵

کدام نان بیشترین ارزش تغذیه‌ای را دارد؟ ۵۶/۴۵

آیا باید از بیماری آبله میمون بترسیم؟ ۵۸/۴



چطور از کوره در نرویم و صبوری کنیم؟



اضطراب و افسردگی این روزها بالاست و هر دو وضعیت با عصبانیت مرتبط است. من روانشناسم و از مراجعانم بسیار می‌شنویم که از کوره دررفته و به اطرفیان‌شان ضربه زده‌اند.

احساس ترس، تحریک‌پذیری یا غم بسیار آزاردهنده است. حرکات کلامی و جسمانی در هنگام بروز خشم ممکن است آرامش موقتی به همراه بیاورد اما در نهایت این کار به روابط ما و آدم‌هایی که برایشان اهمیت قائلیم آسیب می‌زند و به مراتب حس‌مان را بدتر می‌کند.

در حالی که پیشگیری از تبدیل شدن درد به خشم کار سختی است اما خبر خوب آن است که ما می‌توانیم پاسخ به احساسات‌مان را تغییر دهیم.

و خشم شما تا چه حدی به خودتان و دیگران صدمه زده است. خیلی مهم است پیش از آنکه مسیر تغییر رفتار را در پیش بگیرید به این نکته واقف باشید.

برای این کار من پنج استراتژی به مراجعانم معرفی می‌کنم که در اینجا آنها را با شما هم به اشتراک می‌گذارم:

۱. برای آنکه مهربانانه با دیگران برخورد کنید ابتدا با خودتان مهربان باشید

آدم‌های خوب وقتی حس می‌کنند به دلیل خشم آنی به عزیزان‌شان آسیب زده‌اند، حس بدی پیدا می‌کنند و این حس به حس شرم منتهی می‌شود و شرم، نیز باعث می‌شود ما سرمان را زیر برف فرو ببریم تا از مواجه شدن با واقعیت پرهیز کنیم. پس در وهله نخست باید بپذیرید که همه انسان‌ها اشتباه می‌کنند. این کار به دفع انکار کمک می‌کند.

فهرستی از پیامدهای رفتارهای خشمگینانه‌ای که در قبال عزیزان‌تان داشتید، تهیه کنید. اگر مطمئن نیستید رفتار خشمگینانه‌تان چه تأثیری روی آنها داشته است، از خودشان سؤال کنید. سپس خودتان را بررسی کنید. وقتی خشمگین می‌شوید چه احساسی پیدا می‌کنید؟ آیا با خشمگین شدن به اهدافی که مد نظر دارید می‌رسید؟ آیا رفتار خشمگینانه‌ای که نسبت به عزیزان‌تان دارید با همسر، دوست، والد، رئیس، همکار، همسایه یا خویشاوندی که دوست دارید باشید، همخوانی دارد؟ پاسخ‌ها به شما نشان می‌دهند که عصبانیت

۲. محرک‌های خشم و احساساتی که در زیر لایه‌ها وجود دارند را شناسایی کنید

فهرستی از موقعیت‌هایی که در آن ناگهان از کوره دررفتید را تهیه کنید. آیا بیش‌تر وقتی عصبانی شده‌اید که خسته و گرسنه از کار به خانه رسیده‌اید؟ آیا نقطه ضعف‌تان زمانی است که حس می‌کنید طرد شده و مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اید؟ شاید فرزندپروری سهل‌انگارانه‌تر همسران است که باعث می‌شود انتقادهایی خشمگینانه و تندوتیز نسبت به همسر و فرزندان‌تان داشته باشید.

شناسایی این محرک‌ها برای پیش‌گیری و اصلاح بافتارهایی که در آن‌ها تنش و خشم به وجود می‌آید مفید است. برای مثال اگر حس می‌کنید همیشه صحبت کردن درباره موضوعات چالش‌برانگیز در بافت خانه منجر به عصبانیت و خشم زیاد می‌شود، سعی کنید این گفتگوها را در فضای عمومی و در حال قدم‌زدن انجام دهید. یا اگر حس می‌کنید مزاحمت کسی وقتی غمگین هستید می‌تواند باعث خشمگین شدن‌تان بشود، از او درخواست کنید بگذارد مدتی تنهایی و

کار به خودتان برسید. برای مثال، هر جایی می‌توانید بروید و اطمینان حاصل کنید که تا کم‌شدن شدت خشم‌تان در آن جا می‌مانید.

برای آنکه با سرعتِ بیش‌تری به وضعیتِ خونسردی برگردید، تنفس خود را آرام کنید. برای اینکار باید تا ۴ ثانیه دم بگیرید و با ۸ ثانیه بازدم کنید و به جای تنفس از قفسه سینه، تنفس عمیقِ دیافراگمی داشته باشید. یا می‌توانید فعالیت‌های دیگری را امتحان کنید که شواهد علمی از آنها حمایت می‌کنند. برای مثال من به مراجعانم می‌گویم که ورزش شدید بکنند، از ۱۰۰ شروع کنند و ۷ تا ۷ تا به عقب بیایند یا اسم حیواناتی را که با یک حرف خاص شروع می‌شود، نام ببرند.

هم‌چنین می‌توانید خودتان را در نقطه تفریحی مورد علاقه‌تان تصور کنید و علاوه روی مناظر، سعی کنید بویها و صداها را نیز تصور کنید. شما کم‌کم یاد می‌گیرید هر زمانی که در موقعیتی با قابلیتِ برافروختنِ خشم قرار داشتید، این راهکارهای آرامش‌بخش را به صورتِ خودکار انجام دهید.

۵. روی خلافِ میل عمل کنید

یک توصیه رایج در هنگام عصبانیت وجود دارد: وقتی عصبانی هستی به چیزی مشت بزن، به چیزی لگد بزن یا چیزی را بشکن تا شدت عصبانیت کاهش پیدا کند و احتمال درگیر شدن با طرف مقابل کم‌تر شود، اما

رسیدن به ساحل آرامش موج‌سواری کنید، دو استراتژی‌ای که در ادامه می‌گویم را اول انجام دهید.

۴. رفتارهای جایگزین را تمرین کنید

به‌جای فریاد زدن، ناسزا گفتن یا نشان دادن خشم به شکل‌های فیزیکی، موقعیت را ترک کنید. این کار را باید در نخستین لحظه‌ای که حس خشم روی شما ظاهر می‌شود انجام دهید و از قبل باید برنامه‌ای برای عذرآوردن به دلیل ترک موقعیت داشته باشید و بگویید در آن لحظه کجا می‌روید.

می‌توانید به دوستان و خانواده از قبل خبر دهید که در حال کار کردن روی رفتارتان هستید و ممکن است مجبور باشید ناگهان یک موقعیت را ترک کنید. عذرخواهی برای رفتن به دستشویی یا تماس اضطراری همیشه روشی عالی برای حذف سریع خودتان از یک موقعیت است.

اگر انتخابی دارید، بهتر است از محیط بسته بیرون بروید، زیرا این فواید را دارد: منظره جدیدی برای متمرکز شدن دارید، می‌توانید از آرامش‌بخشی طبیعت و حضور عابران برای خونسردی استفاده کنید که همه این‌ها احتمال عمل کردن روی اساس خشم و عصبانیت را کاهش می‌دهد.

اگر این گزینه را ندارید، بهتر است از قبل برنامه‌ای داشته باشید تا در خانه یا محل

خلوت داشته باشید.

بسیاری از مراجعانم شگفت‌زده می‌شوند وقتی به آنها می‌گویم که خشم اغلب یک احساس ثانویه است که حس اولیه دیگری را می‌پوشاند. سعی کنید بفهمید کدامیک از این موارد شامل اضطراب، افسردگی، پشیمانی، درد یا نامیدی در زیر لایه‌های خشم خودش را پنهان کرده است. اگر چنین بود، سعی کنید ابتدا با آن احساس اولیه کنار بیایید.

۳. گوش به‌زنگ باشید تا علائم اولیه جسمانی خشم را شناسایی کنید

این راز متوقف کردن خشم ناگهانی در لحظه است. توجه کنید در لحظات ابتدایی شکل‌گیری موج خشم چه اتفاقی در بدن‌تان می‌افتد. هر دوره خشمی با واکنش‌گریز یا جنگ آغاز می‌شود. آیا در ناحیه شکم یا قفسه سینه انقباض حس می‌کنید؟ حس گرفتگی دارید؟ حس می‌کنید دندان‌ها یا مچ دست‌تان قفل شده است؟ حس می‌کنید دهان‌تان خشک شده است؟ ضربان قلب‌تان بالا رفته است؟ حتماً متوجه باشید که کدامیک از این حس‌ها در لحظات نخست بروز خشم در شما ظاهر می‌شوند.

سپس روی موج خشم موج‌سواری کنید و تلاش کنید تا به لحاظ استعاری به ساحل آرامش برسید. در روان‌شناسی خشم به شکل موج اقیانوس تشبیه می‌شود و افکار و شناخت ما در برابر این موج همان تخته موج‌سواری است. این موج‌های احساسی گاهی بسیار مرتفع هستند به نحوی که شناخت ما در برابر آن‌ها بسیار ناچیز و کوچک است. به هر حال افراد باید بتوانند روی این موج‌ها موج‌سواری کنند و خودشان را به ساحل آرامش برسانند. من همیشه به مراجعانم می‌گویم یکی از بارهایی که خشمگین شدن را به خاطر بیاورند و موج‌سواری روی احساسات را روی آن وضعیت بارها و بارها تمرین کنند. مشخص شده که اگر ما روی مبنای حس دلخوری و ناراحتی عمل نکنیم، عصبانیت و خشم طولانی نخواهد شد. اگر حس کردید که نمی‌توانید روی موج احساسات‌تان تا



آن احساس برای تان معنا پیدا می کند و دیگر دریا حس تان قضاوت نمی کنید. با خودتان و احساسی که دارید مهربان باشید. با خودتان بگویید: «مشخص است که چرا این احساس را دارم، این حس به دلیل ... است.» وقتی نامی برای احساس تان گذاشتید و به آن اعتبار دادید، می توانید وارد مرحله بعدی، که مرحله اشتیاق است بشوید.

قدم سوم: دستان اشتیاق ... همین طور که در حال خواندن این کلمات هستید، کف دو پای خود را روی زمین بگذارید و با کمری صاف بنشینید. بعد، دو دستتان را در حالی که کف آن ها رو به بالاست از خودتان دور کنید. اجازه دهید که شانه ها از گوش ها فاصله بگیرد و رها شود. شکم تان را بیرون بدهید و رها کنید. چه حسی دارید؟

حالت بدنی دستان اشتیاق، یکی از خنثی ترین و طبیعی ترین حالت های بیانی بدن است. به خاطر داشته باشید که پیام رسانی بین ذهن و بدن دوسویه است. این حالت بدنی به مغزتان پیام می دهد که برای تجربه جدید آماده هستید.

قدم چهارم: مانترای اشتیاق. همان طور که حالت بدن تان در وضعیت دستان اشتیاق است، آن کلمه ای که احساس لحظه تان را توصیف می کند، به ذهن بیاورید. همان طور که در این موقعیت هستید، در ذهن و با صدای بلند بگویید: «من مشتاقم که این حس ... را در این لحظه تجربه کنم.» این مانترا را سه بار تکرار کنید.

مکث: اکنون چه حسی دارید؟ آیا تجربه تان تغییر کرد؟ یا مثل قبل هستید؟ ضعیف تر شدید یا قوی تر با تمرین متوجه می شویم که مبارزه کردن با موج های مرتفع احساس به نفع مان نیست و فقط با موج سواری روی این احساسات از طریق آگاهی به لحظه اکنون است که می توانیم مؤثرترین پاسخ ها را به جذر و مد زندگی بدهیم.

منبع: CNN&WESTSIDE DBT

نویسندگان:

Lara Fielding & Jelena Kecmanovic

آن ممکن است به شما آسیب فیزیکی وارد شود، از او آرام بپرسید چه اتفاقی افتاده است. اگر این پرسش، آتش خشم آن ها را فروخته تر کرد، سعی کنید فضا را ترک کنید و دیگر هیچ سوالی از آن ها نپرسید، زیرا آن ها فعلاً آماده پاسخ گویی نیستند.

اگر در واکنش به عصبانیت آنها، شما هم عصبانی شدید و حس کردید میل دارید که مقابله به مثل کنید، از استراتژی های بالا برای مهار خشم استفاده کنید. زمانی که طرفین رابطه در اوج خشم هستند، هیچ گفت و گویی مؤثر نخواهد بود.

چند توصیه برای موج سواری روی موج های مرتفع احساس

لارا فیلدینگ، روان شناس بالینی است که برای موج سواری روی احساسات چندین گام را توصیه کرده است:

قدم اول: مکث کنید. به احساس تان نام بدهید. توجه تان را از محیط بیرون گرفته و به درون خودتان متمرکز شوید و احساسی که در آن لحظه تجربه می کنید را نام گذاری کنید. این کار شاید در گفتن آسان باشد، اما اغلب در عمل سخت است. ممکن است در آن لحظه چندین احساس را با هم تجربه کنید، اما باید فقط یک نام به احساس تان بدهید و آن احساسی است که در آن لحظه روی شما غلبه دارد. با خودتان بگویید: «در حال حاضر در حال تجربه احساس ... (خشم، ترس، غم، اضطراب و...) هستم.»

قدم دوم: به احساس تان اعتبار بدهید. هر احساسی به دلیلی در شما رخ می دهد. از خودتان این پرسش ها را بپرسید: ۱. آیا آدم های دیگر هم در چنین موقعیتی چنین احساسی را تجربه می کنند؟ ۲. آیا ممکن است این حس ناشی از یک مسئله زیستی مثل کم خوابی، خستگی، سرماخوردگی یا .. باشد؟ ۳. آیا اتفاقی در گذشته من افتاده که باعث می شود در چنین موقعیتی چنین احساسی داشته باشم؟

نکته اینجاست که به محض اینکه شما دلیل احساسی که دارید را کشف می کنید،

این توصیه به رغم معروفیت، درست نیست. دانشمندان دریافته اند که شما هر قدر رفتار خشمگینانه تری از خودتان بروز بدهید، روی شدت خشم و عصبانیت خودتان می افزاید و در واقع خشم خودتان را تقویت می کنید. در عوض، هر چه مهربان تر و آرام تر رفتار کنید، آتش خشم را بیش تر فرومی نشانید.

بنابراین، نخست تشخیص دهید که چه زمانی ناراحتی تان تبدیل به خشم می شود و بعد به عمد در جهت عکس این احساس رفتار کنید. اگر حس می کنید که میل دارید صدای تان را بلند کنید، آگاهانه صدای تان را پایین بیاورید و آهسته تر صحبت کنید. اگر میل به اخم کردن دارید، لیخند بزنید. اگر حس می کنید می خواهید ناسزا بگویید، زبان تان را گاز بگیرید. اگر حس می کنید می خواهید با مشت های گره کرده به فرد مقابل حمله کنید، سعی کنید که کف دست های تان را روی ران های تان بگذارید و ماهیچه ها را آرام کنید.

اگر کسی نسبت به ما خشمگین شد چه کنیم؟

ممکن است در حال حاضر این پرسش در ذهن تان ایجاد شده باشد که اگر هدف خشم کسی بودید، چه باید بکنید. وقتی کسی به شما یورش می آورد و حس می کنید که هر



با صندلی تان قهر کنید!



[۵۵]

ماهنامه داخلی شرکت عقاب افشان

شماره ۸۹ - مرداد ماه ۱۴۰۱

ایجاد شده‌اند، برگشت پذیر هستند. اگر به این عارضه دچار شدید می‌توانید با انجام برخی تمرین‌های ورزشی مانند پیلاتس، ستون مهره‌ها را به وضعیت طبیعی بازگردانید.

راهکارهای ساده برای پشت‌میز نشین‌ها
* برخی از کارهایتان را ایستاده انجام دهید.

* هر ۳۰ دقیقه حرکتی به بدن‌تان بدهید و حرکات کششی انجام دهید.

* لم ندهید و صندلی را به سمت میزتان بکشید

* سر و گردن‌تان را به حالت خنثی، به طوری که به جلو و عقب خم نشوند، نگه دارید.

* ارتفاع میز را نسبت به قد خودتان تنظیم کنید

* سعی کنید هر روز مقداری پیاده‌روی کنید

* به جای استفاده از آسانسور از راه‌پله استفاده کنید.

عضلات یا وضعیت نامناسب بدن است. با توجه به موقعیت خاص ناحیه کمری، نشستن طولانی‌مدت می‌تواند منجر به آسیب دیسک بین‌مهره‌ای بخش تحتانی کمر شود.

بدن ما باید به طور مداوم در حرکت باشد؛ چرا که عضلات در اثر عدم تحرک، اکسیژن و مواد مغذی کمتری از خون دریافت می‌کنند. برای همین باید بعد از هر ۳۰ دقیقه وضعیت بدنی خود را به طور مرتب و متوالی تغییر دهیم.

در تحقیقات جدید ثابت شده کسانی که به مدت یک یا دو ساعت به طور پیوسته می‌نشینند دو برابر کسانی که این مدت را با حرکت همراه می‌کنند در معرض خطر ابتلا به درد کمر هستند.

افزایش بیش از حد انحنای فوقانی پشت از شایع‌ترین نوع گوزپشتی است که به دلیل وضعیت نامناسب یا قوز کردن ایجاد می‌شود. اغلب گوزپشتی‌هایی که روی اثر رعایت‌نکردن بهداشت حرکتی و نشستن‌های طولانی‌مدت

هر چه در طول روز کمتر بنشینیم، شانس ما برای زندگی سالم بیشتر خواهد بود. نشستن طولانی‌مدت در هر صورتی مانند نشستن پشت میز، پشت فرمان یا جلوی صفحه نمایش مضر است. زمانی که مدت زیادی پشت میز می‌نشینیم، به مرور در اندام‌های پشتی، فشار و درد احساس خواهیم کرد. این فشار از انتهای جمجمه تا استخوان خاجی را درگیر می‌کند. در این حالت مهره‌های کمر به مراتب تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند و انعطاف خود را از دست می‌دهند. نشستن ساعت‌های طولانی در طول روز، علاوه روی آسیب به مفاصل و استخوان‌ها و ایجاد گردن درد، کمر درد، زانودرد، به هم‌ریختگی ساختار قامتی، پوکی استخوان و کاهش توان قلبی و عروقی زمینه‌ساز بیماری‌های مختلف جسمی و روحی است.

حتی اگر یک بار هم به درد کمر دچار شده باشید حتماً می‌دانید کمر درد تا چه اندازه طاقت‌فرساست. دلیل بیشتر کمر دردها ضعف

اسکایا

فناوری اطلاعات

گزارشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

کدام نان بیشترین ارزش تغذیه‌ای را دارد؟



نان در سراسر دنیا، یک غذای اصلی محسوب می‌شود که حاوی کربوهیدرات، فیبر، روغن، املاح و برخی ویتامین‌هاست؛ اما همین نان هم انواع مختلفی دارد و بسته به شیوه پخت و مواد به کار رفته در آن می‌تواند ارزش بیشتر یا کمتری پیدا کند.

گندم از غنی‌ترین غلاتی است که در طبیعت یافت می‌شود و اغلب ویتامین‌های گروه B و مواد معدنی از جمله آهن، کلسیم، منیزیم و روی در این نعمت الهی وجود دارد. یک دانه گندم از سه قسمت اصلی به نام‌های سبوس، آندوسپرم و جوانه تشکیل شده است.

سبوس خارجی‌ترین لایه دانه است که امروزه فواید آن روی هیچ‌کس پوشیده نیست و روی اساس مطالعات مختلف هیچ ماده غذایی جهت تسهیل و بهبود عملکرد دستگاه گوارش با سبوس برابری نمی‌کند.

معمولاً در تهیه نان از آرد گندم استفاده می‌کنند، چون میزان گلوتن آن بسیار زیاد است. گلوتن یک ترکیب پروتئینی است که سبب حالت اسفنجی، پف کردن خمیر و تردی نان می‌شود.

محتوای گلوتن نان می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل بیات شدن نان مورد توجه باشد. وجود گلوتن روی نرمی و کش آمدن بافت محصول نهایی تأثیر دارد و یکی از راه‌های تشخیص مرغوبیت آرد میزان گلوتن آن است.

ارزش غذایی نان

هر بزرگسال با مصرف روزانه ۳۰۰ گرم نان می‌تواند نزدیک به ۵۰ درصد انرژی، بیش از ۶۰، تیامین و نیاسین، ۳۰-۴۰، کلسیم و ۸۰، آهن مورد نیاز روزانه خود را تأمین کند. همچنین ۴۵ درصد، پروتئین مورد نیاز برای سطح متوسط جامعه و به میزان ۶۰ درصد برای فقرا، از طریق مصرف نان به دست می‌آید.

روش صحیح نگهداری نان

نان سالم ویژگی‌هایی دارد که نبود هر کدام از آن‌ها می‌تواند کیفیت و ارزش غذایی نان را زیر سؤال ببرد. نان سالم کاملاً پخته و برشته است اما سطح آن باید فاقد هرگونه نشانه‌ای از سوختگی باشد. یک نان خوب، بافت نرم و یکنواختی دارد، عطر و طعم آن مقبول است، به راحتی بریده می‌شود و زود بیات نمی‌شود. چیدن نان‌های داغ روی هم منجر به کپک‌زدگی، بیات‌زدگی و فساد زودرس نان می‌شود که ضایعات نان و بیماری‌های گوارشی را افزایش می‌دهد. بهترین روش برای نگهداری نان این است که اجازه دهیم تا پس از پخت به دمای اتاق برسد و سپس در بسته‌های پلاستیکی در فریزر نگهداری کنیم. اما قرار دادن نان در یخچال به دلیل کریستاله شدن سلول‌های آبی آن بیات شدن نان را تسریع می‌کند. یادتان باشد در هنگام خرید نان‌های صنعتی

بسته‌بندی شده به برجسب تغذیه‌ای آن نگاه بیندازید و به نشان سازمان غذا و دارو و نشانگرهای سلامت آن توجه داشته باشید.

انواع نان

به‌طور کلی نان‌ها به دودسته تقسیم می‌شوند: ۱- نان سفید یا همان نان گندم، پرکالری‌ترین نان است. بخش اعظم این نان حاوی کربوهیدرات ساده است و به سرعت سبب افزایش قند خون پس از مصرف می‌شود. این نان برای افراد با مشکل اضافه‌وزن و یا بیماری زمینه‌ای دیابت مضر است و باید نان قهوه‌ای (نان سبوس‌دار) جایگزین آن شود.

۲- نان سبوس‌دار یا قهوه‌ای، نان تهیه‌شده از آرد حاوی سبوس است. سبوس با ایجاد احساس سیری منجر به مصرف وعده‌های غذایی کمتر می‌شود. از طرفی فیبر موجود در این نان منجر به بهبود عملکرد و رفع مشکلات گوارشی می‌گردد و عمل دفع را تسهیل می‌کند. سبوس نان که سرشار از ویتامین‌های گروه B می‌باشد باعث تنظیم قند خون، کلسترول و چربی می‌شود و در یک کلام، بهترین نان برای همه افراد، به‌ویژه افراد دارای اضافه‌وزن و دیابتی‌هاست. در این نان‌ها پس از فرآیند تخمیر، اسید فیتیک آن تخریب، کلیه مواد موجود در آن آزاد و جذب بدن می‌گردد. اسید فیتیک یا فیتات «هگزافسفات اینوزیتول (IP6)»

سبوس استریل نشده یا دامی در پخت نان استفاده می‌شود.

نان‌های حجیم

این نوع نان‌ها که از آرد گندم سفید یا سبوس گرفته تهیه می‌شوند بافتی یکنواخت و ضخامتی مناسب دارند. همچنین پوسته آن تردی خوبی دارد و برای تهیه انواع ساندویچ مناسب است. در هر برش ۳۰ گرمی از نان صنعتی (شیرین نشده) حدود ۷۵ کیلوکالری انرژی وجود دارد. نان‌های صنعتی به دلیل تولید در کارگاه‌ها و کارخانه‌های بهداشتی به دلیل مکانیزه بودن و دخالت کمتر نیروی انسانی بهداشتی تر هستند. اما در رقابت با نان‌های سنتی به دلیل فرهنگ و ذائقه خاص مردم ایران در سفره‌های آن‌ها راه نیافته‌اند. در پخت نان‌های صنعتی معمولاً زمان تخمیر بیشتر است. همه قسمت‌های این نان‌ها حتی خمیرشان قابل استفاده است، بنابراین نان‌های حجیم هیچ دورریزی ندارند. مغزی ترین قسمت نان حجیم، مغز آن است که به‌اشتباه دور ریخته می‌شود.

علیرغم سفید بودن آرد این نان‌ها می‌توان با افزودن مواد مختلف از جمله آرد جو و آرد گندم، یا آرد سیب‌زمینی و پروتئین سویا به آن‌ها و حتی استفاده از سبزیجات و دانه‌های روغنی در پخت آن‌ها، نان ارزش غذایی بسیار بیشتری خواهد داشت. در صورتی که با آرد سبوس‌دار و تقریباً کامل تهیه شوند دارای ارزش تغذیه‌ای بالا و هضم آسان خواهند بود.

محاسن نان سنگک

فیبر زیاد این نان برای دستگاه گوارش سودمند است. علاوه روی آن از بسیاری از امراض و عوارض عروقی، گوارشی و سرطان جلوگیری می‌کند و یک نان سنتی مطلوب برای بیماران دیابتی به حساب می‌آید. همچنین نان سنگک از نظر استفاده نمک در ترکیبات آن با نسبت یک گرم به ازای هر صد گرم نان، از کیفیت بهتری نسبت به سایر نان‌ها برخوردار است.

نان سنگک

غنی‌ترین نان از نظر تغذیه‌ای است که حاوی بیشترین میزان سبوس است. میزان سبوس گیری مجاز از آرد این نان ۷ درصد است و تقریباً آرد آن کامل و سبوس‌دار به حساب می‌آید. به همین دلیل رنگ آن تیره‌تر و هضم آن کمی طولانی‌تر است. بنابراین دارای خاصیت سیرکنندگی بیشتری است. ۱۰۰ گرم این نان حاوی ۲۵۸ کالری و بهترین نان تولیدی از نظر وجود ویتامین‌ها، مواد معدنی و پروتئین‌های ضروری بدن است. این نان تقریباً کامل است و تقریباً تمام املاح و ویتامین‌های خود را حفظ کرده است.

نان لواش و تافتون

آرد این نان‌ها نسبت به سنگک از سبوس پایین‌تری برخوردار بوده و در ۱۰۰ گرم آن‌ها ۲۸۳ تا ۲۹۳ کالری نهفته است. معمولاً میزان جوش شیرین و نمک موجود در این نان‌ها بیشتر و میزان سبوس گیری از این آرد مصرفی ۱۲ درصد است. فقدان تخمیر کامل و طولانی در برخی از نان‌های لواش و تافتون، به همراه استفاده از جوش شیرین که به شدت قلیایی بوده و سبب تخمیر سریع می‌شود منجر به بروز عوارضی نظیر کم‌خونی، پوکی استخوان، سوءهاضمه، افسردگی، بی‌حالی، افزایش فشارخون، سوزش جدار داخلی معده و سوء جذب آهن و کلسیم در بدن می‌شود.

نان بربری

بیشترین درصد سبوس گیری از آرد نان بربری و به میزان ۱۸ درصد است و در واقع سفیدترین آرد از نان‌های سنتی محسوب می‌شود. در هنگام تهیه این نان مقداری سبوس به آن اضافه می‌شود که تا حدی این کمبود سبوس جبران شود، اما این عمل زبان‌بارترین اقدام و آفتی برای سلامتی است. از آنجاکه آرد باید مستقیماً در تولید نان مورد استفاده قرار گیرد و هرگونه افزودنی مانند سبوس، غیرقانونی و غیربهداشتی بوده و نباید مورد مصرف قرار بگیرد، زیرا گاهی اوقات از

ذخیره اصلی فسفر در دانه‌های گیاهی است. هنگامی که دانه‌ها در حال جوانه زدن هستند فیتات تخریب می‌شود و فسفر برای استفاده توسط گیاه جوان آزاد می‌شود. فیتات خواص مهارکنندگی و ضد تغذیه‌ای دارد. این اسید در مجاورت عناصری مانند کلسیم، آهن و روی با آن‌ها ترکیب شده و موجب کمبود و نقصان این عناصر در بدن می‌شود. نان‌های تیره (حاوی سبوس بیشتر) ارزش غذایی بالاتری نسبت به نان‌های سفید و روشن دارند. خوردن نان سبوس‌دار مانع از جذب سریع قند و چربی در خون می‌گردد.

خطرات ناشی از مصرف سبوس فله

در هنگام سبوس گیری از آرد‌ها، سبوس مازاد آن به‌عنوان دورریز از کارخانه خارج می‌شود؛ در نتیجه دقت و حساسیت لازم در زمینه بهداشتی را نخواهد داشت و انواع آلودگی شیمیایی، میکروبی و قارچی را داراست. معمولاً این سبوس‌های فله‌ای به مصرف دام می‌رسد که از نظر میکروبی برای انسان قابل مصرف نیست. خوردن نان‌های حاوی این نوع سبوس سموم شیمیایی را وارد بدن کرده و موجب بیماری سرطان می‌شود. علاوه روی این، انواع آلودگی‌های قارچی و کپکی که در سبوس‌های فله‌ای با دامی موجود است موجب افزایش بیماری‌های کبدی و کلیوی شده است. رواج مصرف سبوس در کشور نتیجه تبلیغات نادرست و بیش‌از حد است که به دنبال آن سبوس را ماده شفابخشی شناخته‌اند؛ در حالی که سبوس در کشور ما به‌ویژه در پخت نان‌های با تخمیر کامل، نه‌تنها سودمند نیست بلکه زیان‌آور است. علاوه روی این؛ در رابطه با ارزش غذایی نان‌هایی با پخت طولانی‌مدت مانند سنگک و بربری و نان‌های حاوی سبوس مازاد، به دلیل تشکیل آکریلامید از نظر تغذیه‌ای و بهداشتی سلامت خود را تا حدی از دست می‌دهند. مواد ناشسته‌ای زمانی که در مقابل حرارت زیاد قرار بگیرند و برشته شوند، ماده‌ای به نام آکریلامید تولید می‌کنند که در فرایند سلولی ایجاد اختلال می‌کند و می‌تواند منجر به سرطان شود.

پاسخ به ۱۴ سؤال مهم درباره آبله میمون

آیا باید از بیماری آبله میمون بترسیم؟



الهه جعفرزاده
خبرنگار

روز سه شنبه ۲۵ مرداد ماه، اولین مورد آبله میمون در ایران شناسایی شد. بیمار یک زن ۳۴ ساله ساکن جنوب غرب اهواز است که پس از مثبت شدن نتیجه آزمایشش، در قرنطینه قرار گرفت. شناسایی این مورد با همکاری شخص مبتلا و خانواده او از طریق مشاهده ضایعات پوستی بیمار صورت گرفته است؛ بیمار بلافاصله قرنطینه شده و با تأیید آزمایش‌های اولیه و نهایی، در حال طی کردن دوره بیماری خود در منزل است.

آبله میمون چیست؟

ضایعات پوستی در ناحیه تناسلی یا مقعدی باشد).

چند روز بعد، تاول‌های پوستی ظاهر می‌شود که شبیه آبله مرغان است. بثورات پوستی ممکن است از صورت شروع شود و به تدریج در سایر نقاط بدن گسترش یابد.

از زمان ابتلا به عفونت تا بروز علائم چقدر طول می‌کشد؟

آبله میمون مدت‌زمان کمون (نهفتگی) طولانی دارد. این بدان معناست که پس از قرار گرفتن در معرض ویروس ممکن است بین ۴ تا ۲۱ روز طول بکشد تا بیماری ایجاد شود.

طول درمان بیماری چقدر است؟

ضایعات پوستی یک یا دو هفته بعد خشک می‌شوند و روند بهبودی ادامه می‌یابد. در مجموع، عفونت آبله میمون دو تا چهار هفته طول می‌کشد.

افراد آلوده پس از بهبودی تمام ضایعات پوستی‌شان دیگر ناقل نیستند و در این مرحله، ویروس قابلیت سرایت به دیگران را ندارد.

تشخیص آبله میمون چگونه صورت می‌پذیرد؟

به گفته محققان متخصص اپیدمیولوژی

آبله میمون عفونتی است که توسط ویروسی مشابه ویروس آبله [که اکنون ریشه‌کن شده است] ایجاد می‌شود. این بیماری در برخی از کشورهای آفریقایی شایع بوده، اما هر از گاهی هم در مناطق دیگر شیوع پیدا کرده است. سازمان بهداشت جهانی به تازگی، وضعیت اضطراری بهداشتی جهانی برای این ویروس اعلام کرد زیرا آبله میمون از طریق تعاملات اجتماعی و تماس‌های نزدیک میان افراد در بسیاری از کشورها گسترش یافته است.

آبله میمون چگونه منتقل می‌شود؟

این بیماری از طریق تماس نزدیک و قرار گرفتن در معرض قطرات تنفسی، ضایعات پوستی یا مایعات بدن فرد آلوده منتقل می‌شود. انتقال ویروس همچنین می‌تواند از طریق جفت از مادر به جنین (که می‌تواند منجر به آبله میمون مادرزادی شود) یا طی تماس نزدیک در حین تولد و پس از تولد رخ دهد.

آبله میمون چه علائمی دارد؟

علائم اولیه آبله میمون شامل تورم غدد لنفاوی، تب، دردهای عضلانی و ضایعات پوستی است که ممکن است در ابتدا با آبله مرغان یا حتی بیماری‌های مقاربتی اشتباه گرفته شود (اگر

چگونه از ابتلا به ویروس آبله میمون جلوگیری کنیم؟

بهترین راهها برای جلوگیری از ابتلا به آبله میمون عبارتند از:

- از تماس نزدیک با افراد آلوده یا وسایل شخصی آنها خودداری کنید.
- دست‌های خود را به طور مکرر و کامل بشویید.

• هنگام مراقبت از فرد مبتلا به آبله میمون یا فردی که علائم بیماری را داراست، از ماسک و دستکش استفاده کنید.

اگر در معرض ویروس قرار گرفتید، چه اقداماتی لازم است؟

طبق گفته CDC، افرادی که در معرض فرد یا حیوان آلوده قرار گرفته‌اند، باید وضعیت سلامت خود را به مدت سه هفته پس از قرارگیری در معرض ویروس، تحت نظر داشته باشند. برای نظارت کافی ست دمای بدن خود را دو بار در روز اندازه بگیرید؛ اگر تب، لرز،

کرده است، شدت کمتری نسبت به سویه‌ای دارد که در حوضه کنگو رخ می‌دهد. سویه‌ی فعلی شبیه به آنچه در کشورهای غرب آفریقا دیده می‌شود، است؛ این سویه تا کنون باعث بیماری خفیف در اکثر افراد آلوده به ویروس شده است.

آیا آبله میمون قابل درمان است؟

اگرچه بسیاری از موارد ابتلا خود به خود برطرف می‌شوند، اما افرادی که شدت بیماری در آنها بیشتر است، می‌توانند با داروهای ضد ویروسی درمان شوند. ممکن است از درمان‌های آبله نیز استفاده شود، اگرچه داده‌های مربوط به اثربخشی آنها برای این بیماری محدود است. مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها (CDC) پیشنهاد می‌کند که افراد مبتلا به بیماری آبله میمون در سطح شدید، بیمارانی که سیستم ایمنی ضعیفی دارند، کودکان زیر ۸ سال و زنان باردار باید پس از مشورت با پزشک برای درمان ضد ویروسی اقدام کنند.

دقیق‌ترین و بهترین روش برای تشخیص آبله میمونی تهیه نمونه از تاول‌های پوستی ایجاد شده است. این نوع آزمایش باید توسط پرسنل تخصصی و از طریق انجام تست PCR در آزمایشگاه انجام شده و ایمنی افراد به طور کامل رعایت شود. به این صورت که از سطح ضایعه نمونه برداشته می‌شود و آزمایش ویروس‌شناسی برای تشخیص آبله انجام می‌گیرد.

این ویروس برخلاف کرونا تشخیص اختصاصی چندانی ندارد؛ چرا که تست‌های مبتنی روی آنتی ژن و آنتی بادی برای تشخیص این ویروس کارساز نیست. بنابراین نمی‌توان از طریق نمونه خون راهی برای شناسایی این بیماری پیدا کرد.

آیا ویروس آبله میمون انواع مختلفی دارد؟

بله، دو گونه آبله میمون وجود دارد؛ سویه‌ای که در چندین کشور در غرب آفریقا بومی است و در سال ۲۰۲۲ در خارج از آفریقا شیوع پیدا



کنند؛ اما در حال حاضر به طور گسترده در دسترس نیستند و بیشتر برای جلوگیری از ایجاد بیماری در افرادی که در معرض ویروس قرار گرفته‌اند استفاده می‌شوند. واکسن آبله نیز ایمنی و محافظت در برابر ویروس آبله میمون ایجاد می‌کند. بیماری آبله میمون ممکن است افرادی را که هرگز علیه آبله واکسینه نشده‌اند، بیشتر تحت تأثیر قرار دهد. برنامه واکسیناسیون آبله در سال ۱۹۷۲ در ایالات متحده پایان یافت. اخیراً سازمان غذا و داروی آمریکا واکسن‌هایی برای پیشگیری از آبله میمون از جمله واکسن دوگانه‌ی Jynneos را تأیید کرده است.

اثر بخشی واکسن‌ها زمانی بهتر است که بلافاصله پس از قرار گرفتن در معرض ویروس (در عرض چهار روز) تزریق شوند؛ در این صورت می‌توانند شدت بیماری را کاهش دهند. جامعه پزشکی تزریق واکسن را اول از همه برای کسانی که در تماس نزدیک با فرد آلوده بوده‌اند توصیه می‌کند. همچنین، داروهای ضد ویروسی نیز در حال آزمایش و بررسی هستند تا مشخص شود که آیا در کاهش علائم، بی‌خطر و مؤثر هستند یا خیر.

همه‌گیر شدن آبله میمون به چند دلیل بعید است: اول اینکه ویروس آبله میمون جدید نیست. معمولاً ویروس‌های جدید و ناشناخته تبدیل به معضل همه‌گیری می‌شوند. دوم، واکسن‌ها و داروهایی که می‌توانند به کاهش تأثیر این بیماری کمک کنند، در حال حاضر در دسترس هستند. در نهایت، از آنجایی که انتقال آبله میمون نیاز به تماس فرد به فرد دارد، کمتر از سایر ویروس‌ها (مانند SARS-CoV-۲، که عامل ایجاد کووید-۱۹ است) بین تعداد زیادی از افرادی که تماس فیزیکی نزدیک ندارند، شیوع پیدا می‌کند.

کدام گروه بیشتر در معرض ابتلا به آبله میمون هستند؟

آبله میمون ممکن است در کودکان خردسال شدیدتر باشد، به خصوص اگر وضعیت تغذیه ضعیفی داشته باشند. در سال‌های گذشته موارد مرگبار، عمدتاً در میان کودکان آفریقایی رخ داده است.

آیا واکسن می‌تواند با آبله میمون مقابله کند؟ واکسن‌ها می‌توانند از آبله میمون جلوگیری

تورم غدد لنفاوی یا ضایعات پوستی جدید داشتید، فوراً خود را قرنطینه کنید. اگر فقط لرز و تورم غدد داشتید اما تب یا بثورات پوستی نداشتید، به مدت ۲۴ ساعت در خانه قرنطینه شوید. اگر در این مدت دچار تب شدید، بهتر است به پزشک مراجعه کنید. اگر تب نداشتید اما بعد از ۲۴ ساعت همچنان لرز ادامه پیدا کرد یا غدد متورم شدند، برای تشخیص بهتر با پزشک خود تماس بگیرید یا به مراکز درمانی مراجعه کنید. اگر هم علائمی مشاهده نکردید، می‌توانید به زندگی عادی خود ادامه دهید. نکته قابل توجه این است که در این دوره‌ی سه هفته‌ای از اهدای خون یا سلول و بافت، شیردهی به نوزاد و حتی اهدای عضو خودداری کنید.

آیا آبله میمون کشنده است؟

بله می‌تواند کشنده باشد. برخی از گونه‌های آبله میمون دارای نرخ مرگ و میر از ۱٪ تا ۱۰٪ [بر اساس داده‌های موجود] در برخی از کشورهای آفریقایی هستند.

آیا آبله میمون نیز مانند کرونا به یک همه‌گیری جهانی تبدیل خواهد شد؟





ورزش

مقصر کیست؛ تحریم‌ها یا مدبران فوتبالی و غیر فوتبالی؟ ۶۲/۹
رفت و برگشتی که کار اسکوچیچ را دشوار کرد ۶۴/۶
آیا لیگ برتر فوتبال ایران به اهدافش رسیده است؟ ۶۶/۹
جام، عشق و پوئن هزار! ۶۸/۱
کاپیتان تیم ملی ایران در جام جهانی کیست؟ ۷۰/۹

اسکایا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

پول و سرمایه ایرانی‌ها که به پای مربیان خارجی دور ریخته می‌شود

مقصر کیست؛ تحریم‌ها یا مدیران فوتبالی و غیرفوتبالی؟



استقلالی‌ها چندی پیش صبح‌شان را با یک شوک میلیاردی آغاز کردند. آندره‌آ استراماچونی، سرمربی سابق استقلال، پس از ماه‌ها کش‌وقوس موفق شد در دادگاه بین‌المللی ورزش هم آبی‌پوشان پایتخت را محکوم کند. دادگاه بین‌المللی ورزش (CAS) پس از چند بار تعویق در صدور حکم پرونده شکایت آندره‌آ استراماچونی از استقلال و در مقابل، اعتراض آبی‌ها به رأی صادره از سوی فیفا در نهایت حکم نهایی این پرونده را اعلام کرد. حکم ابتدایی فیفا که جریمه یک میلیون و ۳۰۰ هزار دلاری بود از سوی دادگاه عالی ورزش تأیید شد. ضمن اینکه با احتساب دیرکرد و سایر هزینه‌ها باشگاه استقلال باید یک میلیون و ۴۰۰ هزار دلار به این مربی ایتالیایی بپردازد. جریمه‌ای بیشتر از ۴۰ میلیارد تومان.

گرامت سنگین برای کمتر از نیم فصل

استراماچونی سه سال پیش هدایت استقلال را روی عهده گرفت و پس از شروع ضعیف، نتایج خوبی را کسب کرد و به مربی محبوب هواداران تبدیل شد. «استرا» موفق شد در لیگ نوزدهم استقلال را پس از ماه‌ها به صدر جدول لیگ ایران برساند؛ صدرنشینی‌ای که خیلی تلخ شد و این مربی به دلیل عدم دریافت مطالبات خود در پایان هفته سیزدهم ایران را ترک کرد و دیگر برنگشت. استراماچونی که به فیفا شکایت کرده بود، توانست با ارائه ادله کافی علیه استقلال حکم بگیرد و در آبان‌ماه سال ۱۳۹۹ با رأی فیفا، باشگاه استقلال به پرداخت یک میلیون و ۳۰۰ هزار یورو جریمه شد. استقلالی‌ها با توجه به جدایی ناگهانی سرمربی ایتالیایی خود، درخواست اعمال تجدید نظر از سوی دادگاه بین‌المللی ورزش را داشتند که در این پرونده شکست خوردند. حالا با حکم صادرشده در صورت عدم پرداخت مطالبات سرمربی ایتالیایی، با توجه به حکم فیفا و تأیید دادگاه بین‌المللی ورزش، خطر کسر امتیاز و بسته شدن پنجره نقل‌وانتقالاتی، آبی‌ها را تهدید می‌کند.

گرامت پشت غرامت

پرداخت غرامت به استراماچونی تنها بدهی سنگین فوتبال ایران در این سال‌ها نبوده است.

پرسپولیس در یک دهه اخیر به مانوئل ژوزه، برانکو ایوانکوویچ و گابریل کالدرون غرامت‌های سنگین داده است. از حکم سنگین مارک ویلموتس علیه تیم ملی هم تنها چند هفته گذشته است؛ حکمی که ایران را با یک غرامت سه میلیون و ۲۰۰ هزار یورویی روبه‌رو کرد. تراکتور هم در این سال‌ها بارها چنین احکام سنگینی را پیش روی خود دیده است. در پرونده ویلموتس، برانکو، کالدرون و استراماچونی شباهت‌هایی دیده می‌شود. این مربیان چند ماهی حقوق خود را دریافت نکردند. طبق قوانین فیفا یک مربی اگر دو ماه حقوق دریافت نکند می‌تواند قراردادش را فسخ و کل مبلغ قرارداد را مطالبه کند. مدیران ایرانی در واقع با تأخیر در پرداخت، شرایط فسخ قرارداد و دادن غرامت سنگین را ایجاد کردند؛ مدیرانی که تحریم‌ها و نبود امکان انتقال پول را دلیل تأخیر پرداخت دستمزد مربیان‌شان عنوان می‌کنند. استراماچونی قراردادی دوساله با استقلال داشت و به همین دلیل موفق شد کل مبلغ قراردادش را مطالبه کند. معمولاً پس از محکوم شدن تیم‌های ایرانی در فیفا، مدیران هزینه زیادی برای شکسته شدن رأی در دادگاه عالی ورزش می‌کنند که به غیر از مورد ویلموتس هرگز در آنجا هم به جایی نرسیدند و تنها هزینه وکلای دو طرف و جریمه دیرکرد نصیبشان شده است.

نیست و به زودی حکم دستیاران استراماچونی نیز ابلاغ می‌شود و غرامت استقلال به حدود ۵۰ میلیارد تومان خواهد رسید. در این میان مشخص نیست که این مبلغ سنگین از چه محلی پرداخت خواهد شد. روی خلاف شایعات استقلال نمی‌تواند این جریمه را از بورس پرداخت کند. سمیعی در این باره گفت: «بر خلاف گفته‌ها این پول را نمی‌توانیم از بورس پرداخت کنیم. مبلغ حاصله از فروش آتی سهام مستقیم به خزانه واریز می‌شود و ربطی به پرداخت بدهی‌های استقلال ندارد. پول قبلی نیز صرف سرمایه‌گذاری بلندمدت شده تا از منافع حاصله برای باشگاه هزینه شود. سیاست باشگاه این است که با تلاش شبانه‌روزی و سرعت هر چه بیشتر، نقل و انتقالات را به پایان برساند ولی هم‌زمان هم به فکر پرداخت این مبلغ هستیم و باید بهترین راهکار را پیدا کنیم.»

این فصل چند سرمربی خارجی به لیگ ایران اضافه شده‌اند و باید دید چند پرونده دیگر به پرونده‌های متعدد فوتبال ایران در فیفا اضافه خواهد شد.

ولی آنها مستقل کار می‌کردند و ما فقط از آنها گزارش کار می‌گرفتیم. تا اینکه به جلسه آنلاین رسیدیم و از ما درخواست کردند یک سری شهود پیدا کنیم از جمله پزشکان تیم و پزشکان یک بیمارستان. ما همه این افراد را در جلسه آنلاین حاضر کردیم اما مهم‌ترین شاهد که می‌توانست در جلسه رأی را به نفع استقلال تغییر دهد، آقای فتحی، مدیرعامل سابق، بود. متأسفانه ایشان بنا به دلایلی در جلسه شرکت نکردند. همان زمان به وزیر ورزش وقت گزارش دادیم که این یک مسئله ملی بوده و شخصی نیست ولی ایشان به هر دلیلی در جلسه شرکت نکردند. به قول وکلای خارجی، این امر به ضرر آنها تمام شد و مهم‌ترین شاهدشان در جلسه را از دست دادند.»

استقلال با خطر بسته‌شدن پنجره نقل و انتقالاتی روبه‌روست و به همین دلیل باید سریعاً بازیکنان مدنظرش را به خدمت بگیرد.

به نظر می‌رسد استقلال حدود ۲۰ روز برای پرداخت این جریمه ۴۲ میلیارد تومانی وقت داشته باشد. ضمن اینکه این تمام ماجرا

آیا فقط تحریم مقصر است؟

درست است که تحریم بانکی عامل اصلی پرداخت‌نشدن حقوق مربیان و ایجاد شرایط فسخ قرارداد عنوان می‌شود اما سؤال اصلی این است که چرا مدیرانی که می‌دانند مشکل انتقال پول وجود دارد چنین قراردادهایی با مربیان و بازیکنان خارجی بستند و می‌بندند. از طرفی همیشه این خطر وجود دارد که یک سرمربی با دریافت نکردن مطالباتش به دنبال فسخ قرارداد برود و مدیران باید از ایجاد شرایطی که بند فسخ فعال شود جلوگیری کنند که در این سال‌ها بارها دیده شده در این زمینه دوراندیشی نشده است. بستن قراردادهای دوساله و بلندمدت هم ریسک دیگری اضافه می‌کند.

در پرونده استراماچونی و شکست استقلال، موارد دیگری هم مطرح شده است. معاون حقوقی باشگاه استقلال می‌گوید که عدم حضور امیرحسین فتحی مدیرعامل سابق آبی‌ها در جلسه دادگاه CAS، یکی از عوامل صدور رأی سنگین علیه این باشگاه بوده است. فرشید سمیعی در این باره گفت: «ما در این مدت تلاش کردیم به این و کلا کمک کنیم



رفت و برگشتی که کار اسکوچیچ را دشوار کرد



همین الان هم خیلی دیر شده است. وقتی که برای انجام کاری دیر شده باشد خیلی کارها را دیگر نمی‌توان انجام داد اما حداقل این است که در زمان باقیمانده می‌شود برخی مشکلات را مدیریت کرد. ماجرای نیمکت تیم ملی فوتبال ایران به یکی از حل‌نشده‌ترین مسائل فوتبال ایران تبدیل شده بود. اسکوچیچ پس از سلسله وقایع متعدد از کار برکنار شد و آن استوری‌های ناهماهنگ و تفرقه‌افکن هم شرایط را بدتر کرد. اما در ادامه باز هم همه چیز به هم ریخت و دراگان اسکوچیچ دوباره سرمربی تیم ملی شد. حالا اسکوچیچ است و یک بازه زمانی کمتر از سه ماه. توقع زیادی است اگر فکر کنیم اسکوچیچ می‌تواند در این مدت زمان کمتر از سه ماهه جادو کند. او کار خیلی سختی دارد؛ سخت و پیچیده و البته بسیار حساسیت‌برانگیز. چه چالش‌هایی پیش روی او قرار دارد؟

در یک طرف ماجرا قرار گرفتند و طارمی، جهانبخش و چند بازیکن دیگر یک طرف دیگر ماجرا. اگر این اسمش تفرقه و اختلاف نیست، پس چیست؟ به هر حال اسکوچیچ در این برهه حساس پیش از هر چیزی باید با این مجموعه تناقض‌ها از اخلاقی‌ها و اختلافات کنار بیاید و سعی کند با همه ارتباط برقرار کند. دود ماندگاری این اختلافات پیش از هر کسی به چشم خود اسکوچیچ می‌رود و این اصلاً برای او و برنامه‌هایش خوب نیست.

چالش اول: با هم دوست باشیم
نخستین چالش اسکوچیچ این است: برقراری ارتباط با بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران؛ به خصوص ستاره‌های اصلی همچون سردار آزمون، مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش و چند تای دیگر. شانس اینجا با او یار نیست. اخیراً بازی‌های اینستاگرامی و انتشار استوری‌های بحث‌برانگیز در رابطه با حمایت از اسکوچیچ شکاف عمیقی بین ستاره‌های تیم ملی ایجاد کرده بود. در واقع سردار آزمون و یک سری بازیکن دیگر



چالش چهارم: آماده برای حمله به اسکوچیچ

این درست است که اسکوچیچ تیم ملی را به سریع‌ترین صعود تاریخ فوتبال ایران به جام جهانی رهنمون کرد اما در تمام مدت اخیر کسی معرفی شده که در حد و اندازه تیم ملی نیست و باید جای خود را به دیگری می‌داد. رفت و برگشت به نیمکت تیم ملی کار را برایش سخت کرد. اگر می‌رفت و فرد دیگری به جای او روی نیمکت می‌نشست مخالفان اسکوچیچ کمتر می‌شدند که هیچ حتی ممکن بود تعریف و تمجید از او را شروع کنند. فاصله انتقاد و تعریف و تمجید در فوتبال ایران به اندازه یک تار موست. کافی است که اسکوچیچ قدم کج بردارد یا با تیم ملی بد نتیجه بگیرد یا هر اتفاق بد دیگری هم بیفتد. همه چیز حی و حاضر است تا حمله‌ای همه‌جانبه به سمت اسکوچیچ صورت گیرد. او روزهای بسیار سختی را پیش روی خود دارد. به‌راستی در تاریخ فوتبال ایران کدام‌یک از سرمربیان ملی را سراغ دارید که تا این اندازه تحت فشار باشد؟



به هر حال اسکوچیچ در این برهه حساس پیش از هر چیزی باید با این مجموعه تناقض‌ها از اخلاق‌ها و اختلافات کنار بیاید و سعی کند با همه ارتباط برقرار کند. دود ماندگاری این اختلافات پیش از هر کسی به چشم خود اسکوچیچ می‌رود و این اصلاً برای او و برنامه‌هایش خوب نیست.

چالش دوم: پیش‌بردن برنامه

کدام برنامه؟ کدام بازی تدارکاتی؟ تیم ملی فوتبال ایران در میان تیم‌های صعودکننده به جام جهانی یکی از بدترین موقعیت‌ها را از لحاظ آماده‌سازی جهت حضور در رقابت‌های جام جهانی دارد. روزهای فیفا برای برگزاری دیدارهای دوستانه یکی پس از دیگری از دست می‌رود و از سویی دیگر بازی‌های تدارکاتی نیز در ماه‌های گذشته با شرایط عجیبی روبه‌رو شدند. این دیدارها مدام منتفی می‌شد و برگزاری دیدار دوستانه با الجزایر نهایت تلاش فدراسیونی‌ها بود. اسکوچیچ خوب می‌داند در این فرصت باقیمانده، تیم تحت هدایتش سهم بسیار اندکی از دیدارهای دوستانه فوتبال در سطح جهان خواهد داشت. بنابراین باید سعی کند در فرصت باقیمانده به بهترین شکل ممکن تئمه به اصطلاح برنامه‌های موجود در تیم ملی فوتبال ایران را به‌خوبی اجرا کند. یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های پیش رو دیدارهای تدارکاتی با اروگوئه و سنگال است.



چالش سوم: ارتباط با رسانه‌ها و مردم

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران این پتانسیل را دارد تا به‌سرعت به سیل اصلی انتقادات تبدیل شود. پس حداقل کاری که اکنون می‌تواند انجام بدهد این است که از تمام چیزهایی که قابل پیش‌بینی است جلوگیری کند. هم از لحاظ رفتار و هم از لحاظ انضباط، حاشیه‌ها و به‌خصوص نتیجه‌گیری تیم ملی فوتبال ایران باید کلی تدبیر و مدیریت داشته باشد در غیر این صورت به‌سرعت کلی هجوم و انتقاد برابر خود می‌بیند. اسکوچیچ واقعاً باید استاد باشد که در چنین شرایط بسیار حساسی ارتباط خوب با رسانه و هواداران فوتبال را بلد باشد. واقعیت این است که در ماجرای رفت و برگشت به تیم ملی شرایط برای او خیلی سخت‌تر شد و اکنون انتقادات و مخالفان بیشتری را پیش روی خود می‌بیند.



آیا لیگ برتر فوتبال ایران به اهدافش رسیده است؟

شده و این همان آرزویی است که هنوز در فوتبال ایران محقق نشده است. لیگ برتر ایران پس از ۲۱ دوره فعالیت همچنان از دولتی و صنعتی بدون هیچ گونه نگرانی قرار دادهای چند میلیارد تومانی با باز یکنان و مربیان شان امضا می کنند و کسی هم به این سؤال مهم جواب نمی دهد که چرا باید بودجه دولت و صنایع بزرگ کشور پای فوتبال ایست هار یخته شود؟ باشگاه داری خصوصی در ایران در

لیگ قبلی می بیند، او با همان صراحت لهجه همیشگی عنوان کرد که هیچ، فقط شماره پشت پیراهن ها لاتین شده است! هم اکنون در آستانه بیست و دومین دوره لیگ برتر باز هم می توان پاسخ مرحوم حجازی درباره تفاوت لیگ برتر با گذشته را تکرار کرد. هدف از ایجاد لیگ برتر حرفه ای شدن فوتبال ایران بود. مسابقات سطح بالای لیگ در اکثر کشورهای دنیا به صورت حرفه ای و بدون دخالت ارگان های دولتی برگزار می شود. فوتبال تبدیل به صنعتی درآمذا

۲۱ سال پیش با تغییر نام مسابقات فوتبال سراسری، فصل جدیدی در این رشته ورزشی در ایران گشوده شد؛ راه اندازی لیگ برتر. محسن صفایی فراهانی، رئیس وقت فدراسیون فوتبال، قصد داشت با برگزاری لیگ برتر، فوتبال ایران را از حالت آماتور به سمت حرفه ای شدن حرکت دهد. همان موقع پس از متولد شدن لیگ برتر وقتی از ناصر حجازی، سرمربی وقت استقلال رشت، پرسیده شد چه تفاوتی بین لیگ برتر و

این امور وجود ندارد. نه مدیرانی می آیند که طرح اقتصادی داشته باشند، نه تکلیف حق پخش تلویزیونی مشخص می شود و نه شفافیت مالی ایجاد شده است. قرار است این چرخه ادامه داشته باشد؛ وزارت ورزش و جوانان، استقلال و پرسپولیس را تر و خشک کند، وزارت نفت هم به شکلی دیگر تیم داری می کند، پول کارخانجات پیکان، گل گهر، فولاد مبارکه سپاهان، ذوب آهن و... هم برای فوتبال به ظاهر حرفه ای خرج شود.

فوتبال ایران کجای راه را اشتباه رفته که نتوانسته در این ۲۱ سال حداقل ۱۰ باشگاه خصوصی موفق داشته باشد؟ سوءمدیریت و درآمدزا نبودن فوتبال ایران دلایل اصلی به قهقرا رفتن باشگاه های خصوصی در فوتبال ایران بوده است. دو دهه است که وعده خصوصی شدن و تصویب قوانین حق پخش تلویزیونی داده می شود؛ اما اصل ماجرا هنوز با آنچه در دهه ۷۰ در لیگ آزادگان رخ می داد، تفاوتی نکرده است. به نظر می رسد اراده ای هم برای اصلاح

۲۲ سالگی لیگ برتر یک خودکشی محسوب می شود. باشگاه های خصوصی سرنوشتی به غیر از نابودی ندارند. مسیری که استیل آذین، نفت تهران، سیاه جامگان، گسترش فولاد، راه آهن و ... در سال های قبل طی کردند و سال گذشته شهر خودرو مشهد در آن پای گذاشت. از ۱۶ باشگاه لیگ برتر تنها سه باشگاه نساجی، هوادار مشهد و تراکتور را می توان خصوصی دانست. ملوان هم شکلی تقریباً خصوصی دارد.



برای امیر قلعه‌نویی که به هزارمین امتیاز خود در تاریخ لیگ برتر رسید

جام، عشق و پوئن هزار!



«اگر از بزرگ‌ترین مربیان دنیا بپرسید که چه چیزی در شغل‌شان از همه چالش‌برانگیزتر است، احتمالاً پاسخی به جز «استمرار» نخواهید شنید. استمرار برای یک مربی، تجربه سختی به نظر می‌رسد؛ چراکه فوتبال هر روز تغییر می‌کند، بازیکن‌ها هر روز عوض می‌شوند و تطبیق با ایده‌های تازه و حریص ماندن برای تکرار موفقیت‌های گذشته، ماموریت نفسگیری خواهد بود.»

در فوتبال باشگاهی ایران و از زمان شروع لیگ برتر به شکل و شیوه امروزی، هیچ مربی دیگری استمرار «امیر قلعه‌نویی» را نداشته است؛ کسی که با دو باشگاه مختلف (استقلال و سپاهان) قهرمان لیگ برتر ایران شده، به تنهایی یک چهارم قهرمانی‌های لیگ را به دست آورده، بیشترین امتیاز در تاریخ سه باشگاه مختلف در لیگ برتر را کسب کرده و حالا در شروع فصل جدید، همراه با تیم گلگهر سیرجان چهاررقمی شدن امتیازهایش به عنوان یک مربی را در لیگ جشن گرفته است. فاصله او با تعقیب‌کننده‌ها نیز آنقدر زیاد به نظر می‌رسد که این رکورد برای سال‌ها در اختیار خودش باقی خواهد ماند.

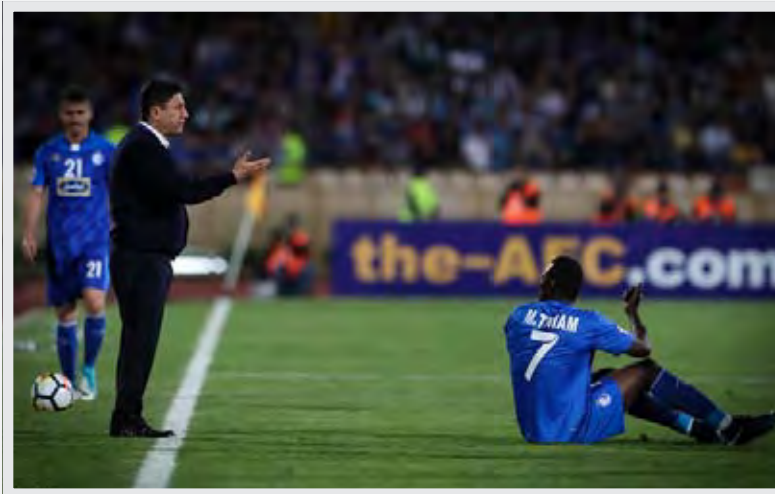
که معمولاً باور عمومی در لیگ فوتبال ایران، سپردن نیمکت چنین باشگاهی به یک مربی کم‌تجربه نبود. او در شرایطی یک پروژه سه ساله را در استقلال تعریف کرد که معمولاً نقشه‌های درازمدت در این فوتبال جواب نمی‌دادند. موفقیت و قهرمانی لیگ در سومین سال اما مسیر خوبی برای این مربی ساخت. او را بیشتر از هر چیزی با جاه‌طلبی‌اش می‌شناسیم. دو دهه بعد از شروع لیگ برتر تا همین فصل گذشته قلعه‌نویی تنها کسی به شمار می‌رفت که توانسته استقلال را به سکوی اول لیگ برتر برساند.

امیر قلعه‌نویی شروع‌کننده یک جریان تازه در مربیگری در فوتبال ایران بود. او از یک‌سو به استفاده از روش‌های مدرن‌تر فنی علاقه داشت و از سوی دیگر سعی می‌کرد رگه‌های سنتی ناشی از علاقه به مربی‌سازی مثل علی پروین را هم حفظ کند. این ترکیب به شدت در فوتبال ایران جواب داد؛ چراکه بازیکنان تیم همواره می‌دانستند که می‌توانند به‌عنوان یک مربی فنی روی امیر حساب کنند و نباید با اشتباه کردن در زمین، موجبات خشم او را فراهم بیاورند. قلعه‌نویی در حالی سرمربی استقلال شد



کاری‌اش را بیسندیم یا نه، باید بپذیریم که ژنرال بخشی جدانشدنی از تاریخ لیگ برتر است؛ موفق‌ترین مربی ایرانی تاریخ این لیگ و کسی که هنوز هم از جاه‌طلبی دست برنداشته و برنمی‌دارد. برای باور این حقیقت کافی است به یاد بیاوریم که این مربی تا همین چند هفته قبل، گزینه جدی نشستن روی نیمکت تیم ملی در جام جهانی بود. کار امیر با رویاهای بزرگش هنوز تمام نشده است. او یک مربی در واپسین سال‌های کاری نیست. او کسی است که می‌خواهد دوباره نیمکت تیم ملی و استقلال را از آن خودش کند. او کسی است که می‌خواهد دوباره به حرارت سال‌های جوانی برگردد؛ چیزی شبیه یک تولد دوباره با فوت کردن شمع هزار. این مهم‌ترین انگیزه او برای ادامه‌دادن مربیگری است.

دوران مربیگری امیر قلعه‌نویی، تنها به پیروزی و افتخار گره نخورده است. او شکست‌هایی را تجربه کرده که شاید بسیاری از مربیان دیگر را از پا در بیاورند



او یک دوره طلایی را هم در سپاهان تجربه کرد و در بازگشت دوباره به استقلال باز هم قهرمان لیگ برتر شد. زمانی تماشای این مربی در کنار جام قهرمانی، عادت همیشه تعقیب‌کنندگان مسابقه‌های لیگ به حساب می‌آمد.

دوران مربیگری امیر قلعه‌نویی، تنها به پیروزی و افتخار گره نخورده است. او شکست‌هایی را تجربه کرده که شاید بسیاری از مربیان دیگر را از پا در بیاورند. از دادن نیمکت تیم ملی بعد از سپری کردن یک دوره بسیار کوتاه در این تیم، دورماندن از جام قهرمانی با تراکتورسازی و جدایی ناخوشایند با نتایج ضعیف در آخرین روزهای حضور در استقلال، اتفاقات تلخی برای این مربی به نظر می‌رسیدند اما هیچ اتفاقی نتوانست او را از فوتبال جدا کند. قلعه‌نویی در لیگ ماند و به جست‌وجوی همیشگی‌اش برای موفقیت ادامه داد. شاید هیچ مربی دیگری در همه این سال‌ها به اندازه او مورد نقد و قضاوت قرار نگرفته است. اتهام‌هایی مثل کارکردن در تیم‌های ثروتمند یا فقدان جزئیات پرشمار فنی در زمین مسابقه، بارها علیه این مربی شکل گرفته‌اند اما همه این مزمه‌ها نیز سدی بین او و فوتبال نساخته‌اند. آنچه سرمربی فعلی تیم گلگهر سیرجان را همواره به فوتبال متصل نگه می‌دارد، نوعی از علاقه انکارنشدنی به این ورزش است. اگر هدف او تنها تغییر دادن شرایط مالی بود، چندین سال قبل قید ادامه‌دادن این ماراتن را می‌زد و اگر برنامه‌ای به جز دیده‌شدن نداشت، خیلی زودتر از اینها از فوتبال رفته بود. او می‌خواهد بخشی از بازی باشد؛ بخشی از رقابت همیشگی در لیگ برتر.

قلعه‌نویی به جای دیگری تعلق ندارد. او نه به سکوها و جایگاه وی‌آی‌پی، نه به استودیوهای کارشناسی تلویزیونی و نه حتی به مبل خانه‌اش وقت تماشای فوتبال، بلکه به نیمکت‌های لیگ برتری تعلق دارد. این مهم‌ترین محل زندگی این مربی است. او را دوست داشته باشیم یا نه، سبک

کاپیتان تیم ملی ایران در جام جهانی کیست؟



زمان زیادی تا شروع رقابت‌های جام جهانی قطر باقی نمانده است؛ دیدارهای حساسی که ایران باید در گروه دوم آن با تیم‌های گردن‌کلفتی همچون انگلیس، آمریکا و ولز مقابله کند. از لحاظ ساختاری، تیم ملی فوتبال ایران شانس زیادی برای موفقیت در جام پیش رو ندارد. هر سه رقیب از لحاظ امکانات و البته شرایط مالی و اقتصادی اوضاع بهتری نسبت به ایران داشته و مجدداً در مقایسه با ایران، ستاره‌های سرشناس‌تری در اختیار دارند که بعضاً در بزرگ‌ترین تیم‌های باشگاهی دنیا بازی می‌کنند. همین پیش‌فرض برای به تصویر کشیدن دشواری کار بازیکنان تیم ملی در جام جهانی پیش رو کافی است. با وجود این، نمی‌توان ایران را از پیش بازنده توصیف کرد. حتی با توجه به همین ساختار معیوب فوتبال در ایران نمی‌شود به سادگی از کنار اصل «غیر قابل پیش‌بینی بودن» بازی فوتبال عبور کرد. درست است که نشانه‌ها خبر از اوضاع آشفته ساختار فوتبال ایران می‌دهد ولی الزاماً این موضوع به آن معنی نیست که ایران قرار است در جدال با رقبا تیمی از پیش بازنده باشد. فوتبال ایران هم در مقایسه با دوره‌های قبلی لژیونری‌های زیادی دارد که بعضاً طعم حضور در لیگ قهرمانان اروپا به عنوان مهم‌ترین بازی‌های باشگاهی دنیا را چشیده‌اند.

تکه پارچه بازوبند کاپیتانی در جام جهانی قرار است به دست چه کسی بسته شود؟ این پرسش فقط به شرط بقای درآگان در تیم ملی بحران‌زاست؛ چون در عصر او دودستگی به وجود آمده است. خودش که روی نیمکت است ولی بازیکنی که قرار است بازوبند را ببندد و نماینده مربی در زمین مسابقه باشد، قرار است چه کسی باشد؟ این سؤالی است که به تازگی روی ابهامات موجود در فضای فوتبال ایران دامن زده است. دلیل ابهام به وجود آمده هم دقیقاً بزرگان تیم هستند که اکثریت آنها با حضور درآگان اسکوچیچ در تیم ملی مخالفت کرده‌اند. در بین بازیکنانی که شانس برای بستن بازوبند کاپیتانی ایران دارند، تا به الان فقط یک نفر از درآگان اسکوچیچ حمایت کرده و به غیر از یک رأی ممتنع، بقیه همگی علیه او شده‌اند. کریم انصاری‌فرد، احسان حاج‌صفی، علیرضا جهانبخش، امید ابراهیمی، وحید امیری، سردار آزمون و مهدی طارمی بازیکنانی بودند که بازوبند را به دست بسته و در این جمع فقط سردار آزمون است که حامی درآگان اسکوچیچ از آب درآمده. اتفاق عجیب‌تر اینکه سردار آزمون در رده ششم شانس بستن بازوبند کاپیتانی است و باید معادلات زیادی رقم بخورد تا او کاپیتان تیم ملی ایران در جام جهانی شود. موضوع دیگر اینکه اگر درآگان به عنوان سرمربی تیم ملی ایران به جام جهانی برود، آیا

در کنار این مورد، تیم ملی کنونی چندین ستاره بین‌المللی دارد که مهدی طارمی و سردار آزمون گل سرسبد آنها هستند؛ بازیکنانی که به ترتیب این روزها در بازار اروپا ارزش مالی ۲۰ و ۲۲ میلیون یورویی دارند. درست است که می‌شود به بند غیر قابل پیش‌بینی بودن یا داشتن یکی، دو ستاره بین‌المللی در جام جهانی دلخوش بود ولی متأسفانه اتفاقاتی که اخیراً در فوتبال ایران خاصه در سطح ملی‌اش رخ داده، منعکس‌کننده جنبه‌های منفی و نهایتاً آمادگی برای ناکامی در جام جهانی است. داستان اتفاقات رخ داده در سطح ریاست فدراسیون فوتبال رفته‌رفته امری قدیمی شده است ولی همین موضوع و تعلل در انتخاب رئیس جدید، فرصت آماده‌سازی بهینه را از تیم ملی گرفت. بدتر از آن، دلخوری و دودستگی موجود در تیم ملی برای همکاری یا عدم همکاری با درآگان اسکوچیچ است. این یکی کاملاً تازه است و هنوز مشخص نیست تا چه اندازه قرار است روی سرنوشت تیم ملی تأثیر گذار باشد. از آنجا که ستاره‌های کنونی دو دسته شده‌اند و عده‌ای حامی و بقیه مخالف درآگان برای حضور روی نیمکت تیم ملی هستند، می‌شود حدس زد که عاقبت چندان خوشی در انتظار نخواهد بود. فارغ از اینکه سرنوشت درآگان در یکی، دو ماه باقی‌مانده تا شروع جام جهانی چه خواهد شد، با فرض در نظر گرفتن حضور او در تیم، دغدغه مهم‌تری هم شاید شکل می‌گیرد؛ اینکه

فیکس بودن را به امید نورافکن باخته است. با توجه به تعدد بازیکنانی که قابلیت بازی در پست هافبک تدافعی را دارند، بعید است حاج‌صفی شانس زیادی برای بازی کردن در خط میانی هم داشته باشد. پس حتی اگر او دعوت هم شود، بعید است در ترکیب اصلی قرار بگیرد که بخواهد بازوبند را به بازو ببندد. امید ابراهیمی چهارمین بازیکنی است که می‌تواند امیدوار به بستن بازوبند کاپیتانی باشد ولی او هم در اردوهای اخیر حضور چندانی نداشته و با توجه به تعدد هافبک‌های مورد علاقه دراگان، بعید است شانس زیادی برای دعوت به تیم ملی ایران در جام جهانی داشته باشد. به این ترتیب بیشترین بخت متوجه علیرضا جهانبخش، سومین کاپیتان تیم ملی و دومین مخالف جدی حضور دراگان اسکوچیچ (بعد از مهدی طارمی) است. علی جهان در بیشتر بازی‌های

می‌دهد و به همان رتبه ششم می‌رسد. البته که ششم ششم هم نه! همین حالا و با توجه به اردو و ترکیب‌های اخیر که تیم ملی با دراگان داشته، مشخص است که شانس حضور کریم انصاری فرد در تیم ملی کم است. او در اردوهای آخر هم دعوت نشده و حتی زمان‌هایی هم که حاضر بوده به عنوان بازیکن ذخیره در زمین حضور پیدا کرده است. با توجه به همین نکات و برجسته کردن این مورد که هنوز با تیم باشگاهی‌اش هم به توافق نرسیده و اصولاً بدون تیم مانده است، سخت است که انصاری فرد شانس برای رسیدن به جام جهانی داشته باشد. پس او نمی‌تواند گزینه نخست باشد.

به این ترتیب باید بخت احسان حاج‌صفی مورد ارزیابی قرار بگیرد. او به تیم ملی دعوت می‌شود ولی با توجه به تغییراتی که در ترکیب رخ داده، احسان رفته‌رفته قافیه

بازیکن جوان تری شانس بستن بازوبند را خواهد داشت؟ این پرسشی است که شخص اسکوچیچ به آن پاسخ داده و می‌گوید: «نه، قرار نیست بازیکن جوانی کاپیتان تیم ملی ایران در جام جهانی باشد. ضمن اینکه هر بازیکنی هم نمی‌تواند انتظار بستن بازوبند کاپیتانی تیم ملی را داشته باشد.»

حال با بررسی گزینه‌های موجود شاید بتوان تا حدود زیادی به جمع‌بندی رسید که کدام یک شانس بیشتری دارند. اگر دراگان بخواهد این فرصت را در اختیار بازیکن مورد اعتمادش قرار دهد، بازوبند باید مستقیماً به سردار آزمون برسد ولی این موضوع چندان با عرفی که دراگان تعریف کرده همخوانی ندارد: «بازوبند کاپیتانی غالباً به بازیکنی می‌رسد که تجربه بیشتری در تیم ملی داشته باشد.» با این تعریف، آزمون دوباره شانس گزینه نخست بودن را از دست



بخواهد زهر چشمی از مخالفانش بگیرد، بازوبند را به سردار می‌سپارد. اما مسئله اینجاست که اسکوچیچ اصلاً چنین چیزی را می‌خواهد؟ بعید است. جهانبخش و طارمی یک‌شبه مخالف دراگان نشده و از زمانی که او هدایت تیم را روی عهده گرفته است، هر دو در صف منتقدانش بوده‌اند، ولی اتفاقاً هر دو بازیکن با وجود نگاه منفی‌ای که نسبت به صلاحیت فنی اسکوچیچ داشته‌اند، بهترین بازی‌ها را انجام داده و هر دو به‌ویژه علیرضا جهانبخش در ترکیب درخشیده‌اند. حالا هم با توجه به اختلاف نظر موجود، بعید است دراگان بخواهد با گرفتن بازوبند کاپیتانی از جهانبخش، ماجرای جدیدی در تیم ملی فوتبال ایران رقم بزند.

اینکه قدمت حضورش از علیرضا جهانبخش کمتر است و دوم اینکه مصدوم شده و اصلاً مشخص نیست به جام جهانی برسد یا نه. اگر هم برسد، با توجه به ترافیک موجود، اصلاً مشخص نیست شانس برای فیکس بازی کردن داشته باشد یا نه. پس با مرور ساده اتفاقات رخ داده، تکلیف تکه پارچه کاپیتانی رافزار است مثلث ارزشمند تیم ملی فوتبال ایران یعنی علیرضا جهانبخش، سردار آزمون و مهدی طارمی روشن کنند. بازیکنانی که هر کدام در صورت حضورشان در ترکیب، وزن‌های برای تیم خواهند بود. اینجاست که شانس سردار آزمون از گزینه ششمی به رتبه دومی ارتقا پیدا می‌کند و اگر دراگان

اخیر تیم ملی در همین عصر اسکوچیچ بازوبند را به دست بسته و طبیعی است که اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، شانس شماره یک کاپیتانی باشد. با این حال اگر دراگان نخواهد به بازیکنی که در جمع مخالفانش ایستاده بازوبند را بدهد چاره کار چیست؟ شاید در ایده‌آل‌ترین حالت ممکن، وحید امیری، پسر خوش‌اخلاق فوتبال ایران، بهترین گزینه برای کاپیتانی در تیم ملی باشد. او نه علیه اسکوچیچ پستی گذاشت و نه اینکه خودش را در صف حامیان جا کرد، بلکه با یک پست خواستار اتحاد و همدلی شد. وحید پل میان این بحران است ولی برای بستن بازوبند کاپیتانی یکی، دو مشکل دارد؛ اول





SCANIA



OGHAB

شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان
تولید کننده انواع اتوبوس عقاب - اسکانیا در ایران

www.oghabafshan.com

با دقت و انتخاب خوب، به جزئیات سفر خود بیندیشید

آلاینده‌های کمتر، هوای پاک‌تر

اتوبوس شهری گازسوز عقاب - اسکانیا (مدل پارسین)

استاندارد آلاینده‌گی EURO 4

مجهز به سیستم SCR

فیلتر DPF

سیستم سوخت‌رسانی common rail



شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان
تولید کننده انواع اتوبوس عقاب - اسکانیا در ایران

www.oghabafshan.com